

و قوت و اقتدار بخش و مظاهر تأیید و توفیق فرما که در نهایت برآزندگی در بین خلق محشور شوند توئی مقتدر و توانا. نما تا نشو و نما نمایند و روز به روز ترقی کنند و شکفته گردند و پر بار و برگ شوند. ای پروردگار، جمله را هوشیارکن را از بارین ابر-عنایت تر و تازه فرما و به نسیم ریاض احدیت اهتزازی بخش و به حرارت شمس حقیقت جانی تازه عطا هوالله ای پاک یزدان، این نهالین جویبار هدایت

عزیز کن از جلم محبتت لبریز نما تا شور و ولهی انگیزد و مشک و عتبری بیزد توئی مقتدر و توانا و توئی دانا و بینا . هوالله ای جلیل اکبر، این کنیز صغیر را دختر خوش اختر فرما و در درگاه احدیتت

جوش و خروش آئیم و از پیمان هپیمان مست و مدهوش گردیم. توئی بخشنده و مهربان و توئی آمرزنده و آموزنده یاران. و قرار کن و مجنون جمال پر انوار نما، مفتون آن زلف مشکبار فرما تا بیگانه و خویش فراموش نمائیم و مانند دریا به بحر عصیان مستغرقیم. توئی محبوب مهربان و توئی بخشنده گناهان. ای پروردگار، اقتدار ده ثابت و پایدار نما، بی صبر مستغنی کن و از عطای خویش بهره و نصیب ده، گناه بیامرز خطا بیوش عفو و غفران فرما زیرا گناه کاریم بد رفتاریم، در جان شو، بی کسم معین دل و جان گرد، از جهان و جهانیان بیزار فرما و در پناه خویش منزل و قرار بخش، از مادون در هجرانم پر حرمانم، بی سر و سامانم به لطف و عنایتت شایانم، اسیرم مجیر شو افتاده‌الم دستگیر شو، غریبم مونس پیمان هپیمان، افتاده‌الم بیچاره‌الم دلداه‌الم شیدائیم سودائیم رسوائیم ولی روی به سوی تو آرم و آرزوی کوی تو دارم، هوالله ای دلبر یکتای من، آواره صحرایم و سر گشته بادیه پیمای، در رهت افتان و خیزان و سرمست

خاصان در آر و در خلوتگاه عالم بالا محرم اسرار کن و مستغرق بحر انوار فرما. توئی بخشنده و درخشنده و مهربان دل به تو بستند و از دلم بیگانگی جستند و به ایگانگی تو پیوستند، این نفوس نفیسه را انیس لاهوتیان فرما و در حلقه هدایتت روشن و درخشنده گشتند، جامی سرشار از باده محبت نوشیدند و اسراری بی‌پایان از اوتار معرفت شنیدند، هوالله بخشنده یزدان، این بندگان آزادگان بودند و این جان‌اهلی تابان به نور

ریز تو نگویم، مانند مرغ سحر در دلم محبت تو گرفتار گرم و شب و روز بنالم و بزارم و بگویم: یا بهاء‌الاهی. محبت خویش گرفتار نما تا بکلی شیدلی تو گرم و دیوانه تو، جز تو نخواهم و جز تو نجویم و به‌غیر از تو نیویم و بجز مهربان، این دل را از هر تعلقی فارغ نما و این جان را به هر بشارتی شادمانی بخش، از قید آشنا و بیگانه آزاد کن و به هوالله ای خداوند

و زیور عالم آفرینش کن تا به ستایش تو پردازند و به تسبیح و تقدیس تو. توئی عفو توئی غفور توئی آمرزنده و مهربان.

و در چمن عفو و غفران پناه بخش، سرور آزادگان کن و در حلقه مقربان درآر، بازماندگان را نوازش فرما و آسایش بخش سازند و به نغمه و ترانه پردازند. خدایا این نفوس را گناه بیامرز و از چاه به اوج ماه برسان، در گلشن الطاف راه ده و پیوسته به عنایات خرم و دلشاد. حال به جهان راز پرواز نمودند و در جوار رحمت بر شجره طوبی لانه و آشیانه جوی تو، در زمان زندگانی به نفع رحمانی زنده شدند، دیده بینا یافتند، گوش شنوا داشتند، از هر بستگی آزاد بودند و مهربانا، این جان‌های پاک از زندان خاک آزاد شدند و به جهان تو پرواز کردند، نیکخو بودند و مفتون روی تو و تشنه هوایابی آمرزنده

AB04737

محافل اماء رحمن لسان به نکرت بگشایم و محفل بیارایم. توئی مقتدر و توانا و توئی مؤید و موفق و بینا یا ربی الاعلی. و از نکر ماسوی خاموش شوم و از جلم محبتت سر مست و مدهوش گرمم و به خدمت امرت پردازم و به ابداع نغمات در حقیقت مقتبس گرمم، به نکر و ثنایت ناطق شوم و به عبادت جمال رحمانیتت مشغول گرمم، غیر تو را فراموش کنم فرمودی. حال ای پروردگار، استقامت بخش، ثبوت عنایت فرما تا در محبت مطلع احدیتت ثابت مانم و از انوار شمس بودم هدایت فرمودی، نابینا بودم بینا کردی، محروم بودم محرم راز فرمودی، مرده بودم به نفلت گلشن قدس زنده ولی امید به فضل و جود تو دارم و هر چند از قابلیت و استعداد محرومم ولی رجا به فضل و عنایت تو دارم، گمراه هوالمه ای خداوند مهربان، هر چند وجود نابودم

AB05921

دهش و بخشش انداز، و دیدن روی تابان روا دار. توئی دهنده و بخشنده و آمرزنده و مهربان، وعلیکم المبهاءالابهی هر روین پاک را به درگه ایزدی راه ده و هر مستمند بیچاره را در مینوی همایون خویش ارجمند فرما و در دریای امیدند که در گلشن روشن جهان بالا بر سرو بلغ بهشت نشیمن جویند و در کاخ آمرزش جای گیرند. خداوند مهربانا، از دام خاکدان آزاد شدند و به جهان آسمان پرواز نمودند، از لانه خاک رهیند و به آشیانه جهان پاک پریدند، به این هوالمه آمرزگارا، ایزد بزرگوارا، این جانها مانند مرغیان تیز پر

AB06120

و جمالی یوسفی و اشتیاقی یعقوبی و صبری ایوبی بر خدمتت قیام نمایند. رَبِّ وَفَقَهُمْ عَلَىٰ ذٰلِكَ اِنَّكَ اَنْتَ الْمُقَوِّيُّ الْمُقْدِرُ. آسمانی و نفسی رحمانی و بخششی یزدانی و ید بیضائی کلیمی و نفعه مسیحائی و خلّتی خلیلی و محبتی حبیبی قوت روح الامین رایگان کن تا دوستانت به قوت لاهوتی و قدرت ملکوتی و سطوت جبروتی و تأییدی سمائی و جنودی نما و جانها را گلزار و چمن، قلوب را حقیقه وفا کن و صدور را معین فیوضات ملاً اعلی، فیض روح القدس ارزان فرما و را از بیگانه و خویش بیزار نما و به نفلت ریاض ملکوت ابهات همراز و دمساز فرما، چشمها را به مشاهده انوار روشن هوالابهی ای پروردگار مهربان، این یاران خویش

AB06469

آمرزگارا، خطا ببخش عطا بده گناه بیامرز، ما را آداب رحمانی بیاموز. توئی دهنده توئی بخشنده توئی مهربان. ده، طالبانیم به الطاف بی پایان رهبری نما، ساکتانیم نطق فصیح بخش، بی قوتیم قدرت ملکوت احسان فرما. پروردگارا. ای پروردگار، فقیرانیم گنج ملکوت ارزانی نما، نلیلانیم در ملکوت عزیز فرما، بی سر و سامانیم در پناهت ملجأ و مأوی کن و دلها را به فیوضات نا متناهی غبطه گلشن نما، ارواح را بشارت کبری ده و نفوس را به موهبت عظمی مفتخر نما ببخش و موهبت کبری مبنول دار تأییدات غیبیه برسان و مکاشفالت روحانیه ارزان فرما، دیدهها را به نور هدی روشن مهربانا کریم رحیما، این جمع را به شمع محبت روشن نما و این نفوس را به نفلت روح القدس زنده کن، انوار آسمانی هوالمه خداوند

ده تا این طیر به گلشن رحمانی پرواز نماید و در حدائق عفو و مغفرت نامتناهی درآید. توئی آمرزنده و بخشنده و مهربان. گنه بیمارز و عفو و غفران مینول دار، این تشنه را به چشمه حیات رسان و این ماهی را در بحر بی پایان غفران غوطه بود حال قصد ورود در ملکوت بقا نمود و توجه به جهان روحانی کرد و امید الماطف نامتناهی داشت. ای آمرزگار، هوالله ای پروردگار، این نفس پاک توجه به ملکوت تو نمود و تضرع و زاری کرد، تا حال اسپر ناسوت

خویش چاره‌الی کن شاید این دل از عالم آب و گل رهائی یابد و در اوج رحمانی پروازی نماید و به روح انقطاع بیاساید. بخش، هر دم وسوسه‌الی نماید و در هر نفس دلم تازه‌الی نهد. ای خداوند، تو نجات بخش و رهائی ده و به نفعات قیس سرمست و مدهوش گرم. ای خداوند، نادانم و به گم‌ان خویش گرفتار، چاره‌الی کن و این افتاده را از نفس آماره نجات از بند و کمید هوی و هوس رها کن و در دلم محبت جمال ابهی بیفکن تا آنچه غیر اوست فراموش کنم و از باده محبت هوالله ای پروردگار، این گنه‌کار را از اغیار بیزار نما و به محبت خویش گرفتار نما،

و خوی رحمانی جویم، نشرتعالیم الهی نمایم، فیض ابدی طلبم و موهبت الهی خواهم. توئی دهنده و بخشنده و مهربان. کن، نورانی نما، رحمانی کن، آسمانی فرما تا از عالم طبیعت رها یابم و از جهان ماوراءطبیعت خبر گیرم، زنده شوم خلق پروردگار، عنایت فرما، هدایت بخش، پرورش ده، نشو و نما عطا کن، بنیت ملکوت نما، فیض لاهوت بخش، روحانی هوالله

ملکوت راز به نغمه و آواز پردازد. ای پروردگار، المطف بی‌پایان شایان کن و غفران رایگان فرما. توئی آمرزنده و مهربان. المغان ترتیل کلمات می‌کرد. بلبل گویا بود و به آهنگ ملاء اعلی دمساز، حال از گلخن فانی به گلشن باقی پرواز نمود تا در ای پروردگار آمرزگار، ... این طفل کودک سراج محفل بود و مرغ خوش‌الحن آن منزل، تلاوت آیات می‌نمود و به ابدع هوالله

چه پرواز نماید، اوج عزت کجا بال و پر مرغ تلت کجا. ای پروردگار، تو تایید فرما، تو توفیق بخش انک انت المکریم. خویش سر و سامانی بخش، از کس انقطاع بنوشان و از جلم عنایت سرامست نما، بنده ضعیف چه‌تواند و پشه نحیف را در بین ملاً امکان به تلج عبودیت سرفراز کن، این بینوا را به صرف عنایت پُر نوا کن و این بی‌اسر و سامان را در پناه الله ابهی ای خدای یگانه، این بنده خویش را طراز دیباج کینونات فرما و این عبد

کوی خویش راه ده و به پرتو روی خویش روشن فرما. توئی مقتدر و عزیز و توانا و توئی بینا و شنوا و خداوند بی‌اهمتا. جهان‌اسوز بخش و ناله جان‌اسوز ده، شمع شب افروز فرما و آه دلسوز عطا کن، ناشر نفعات فرما و آیات باهرات کن، به و دلجویی نما و خوش خویی عطا کن، ثابت و نابت فرما و قائم و کامل کن، مقرب درگاه فرما و واقف و آگاه کن، شعله بزرگواری، این گرفتار زلف مشکبار را از باده محبت جامی سرشار بخش، بیدار و هشیار کن، غمخوار و غمگسار گرد هوالله ای آمرزگار

ده، قلب فارغ بخش، حجاج و برهان الهام کن و سبب هدایت نفوس فرما. توئی مقتدر و توانا و توئی کریم و رحیم و دانا.

از صفات خویش مبذول فرما، آسمانی کن زبانی نما، روح‌القدس یدم، به روح وحدت عالم انسانی زنده نما، لسلین ناطق فرما، جام عشق بنوشان و نور عرفان بخش، در چشمه ایوب غوطه ده و از مَحَن و آلام اخلاق بشری شفا بخش، پرتوی هوالله ای خداوند، این کنیز مُستمند را در ملکوت خویش قبول نما و به فیض ابدی محظوظ

AB09272

همه چیز آزادیم، چون به پیمان و ایمن تو ثابت و استواریم از غیر تو بیزاریم. پروردگارا رحم کن استقامت بخش. بر گشا و اسرار غیب به فؤادش الهام فرما. توئی نصیر توئی ظهیر توئی مُجیر توئی دستگیر، چون به تو پردازیم از ملاذ رفیعت مسکن بخش، شمع روشنی در قلبش بر افروز و چشمه سلسبیلی از دلش جاری کن، ابواب فیض بر رخسار هوالله ای پروردگار، این بنده درمانده را در کُهِف مَنیعت مأوی ده و در

AB09349

به ذکر تو زنده گردند و به مَحَبَّت تو حیلت جاودانی یابند. اَنْتَ الْكَرِيمُ و اَنْتَ الْمَرْحِيمُ و اَنْتَ الْمَعْرُوفُ الْمَرْبُ الْقَدِيمُ. را مُطَهَّر فرما، مشامشان را مَعَطَّر کن تا سزاوار آستان احدیت گردند و به عبادت و خدمت و تَضَرُّع و عجز و نیاز پردازند، این کنیزان را در ملکوت عَزَّت عزیز نما و این اماء را در آستان مقدست مقبول فرما، قلوبشان را مَثُور کن و روحشان هوالله ای پروردگار،

AB09943

در دل بر فروزیم و حجابات ملسوی بسوزیم و چشم از مادون بدوزیم و به مشاهده جمال در ملکوت ابهائیت باز کنیم. بلند گرد و بندها بگسلیم و از بیگانگان بیزار شویم و به تو دل بندیم و به تمامی در دلم عشقت گرفتار شویم، آتشی هوالله ای خداوند مهربان، عنایتی فرما و موهبتی بنما تا همت این بینویان

AB10491

دیگر با رُخی مَثُور در میان آزادگان محشور گرد و به نظر عنایت منظور. توئی کریم و رحیم و غفور و رؤوف و مهربان. هوالله ای خداوند بنده پرور، پدر این مهر پرور را به بهشت برین رهبر شو و از گناه و خطا درگذر تا در جهان

BH05327

روز مبارک کنیزان خود را محروم مفرما و از قلم اعلی اجز لقا از برای کل ثبت نما. توئی مقتدر و توانا و توئی بینا و دانا. تَمَسُّکُ جُستَه و دست‌های رجا را به‌اشطر تو بلند نموده. عطا فرما آنچه را که سزاوار تو است. ای پروردگار من، در این من و مقصود من، مشاهده می‌انمائی کنیز خود را که به‌اتو توجه نموده و به انار مَحَبَّت مُشْتَعَل گشته و به بی‌نیازی تو عمل شده ستر فرمائی و به اسم غفورت از ما درگذری و به اِخْلَاقُ غُفْران، عباد و اماء خود را مَزین داری. ای محبوب رحمت جاری و آفتاب کرم مشرق و سماء عنایت مُرْتَفَع است. قسم می‌دهم تو را به اسم سِتَّارت که آنچه به‌اغیر رضای نبوده و نیست. لَمْ يَزَلْ يَكْتُمُ بَدْعَهُ الی و لا یزال خواهی بود. ای خدای من و محبوب جان من، امروز روزی است که فُرُیلت باش ای پروردگار من و یکتا خداوند بی‌مانند من، شهادت می‌دهم به یکتائی تو و به‌اینکه از برای تو وزیر و معینی بِسْمِ الْمُهَيْمِنِ الْقُدُّوسِ ای کنیز من، به‌این بیان که از مشرق فَم رَحْمَن اشراق نموده ناطق

BH07261

نزد ظهورش عاجز و قاصر مشاهده شوند. ای کریم، این عبد را به‌خود وا مگذار. توئی قادر و توانا و مالک جود و عطا. به‌اتو ناظر و تو را شاکر، اگر اجابت فرمائی محمودی در امر و اگر رد نمائی مطاعی در حکم. توئی آن مقتدری که کل بر بخششت اعتراف نموده. این بنده از کل گذشته و به‌احبال جود و انذیال کرم تَمَسُّک و تَشَبُّثُ جُستَه و در جمیع احوال کرده، او را محروم منما. توئی آن فضالی که تریلت کائنات بر فضلت گواهی داده، توئی آن بخشنده‌الی که جمیع ممکنات

را از افلاك بگذرانند و سَطوتت صخره صَما را آب نمايد. اى خداوند دانا، عَبدت ضيافت تو را اراده نموده از او بپذير
خبيرى كه از اسرارِ قلوب و نفوس و صدور آگاه بوده و خواهى بود. هر عمل پاكى به امثابه نور به تو راجع، اراده‌الت خاك
الابهى. المَها مقصوداً محبوباً كريمًا رحيمًا توئى آن عليمى كه هيچ امرى از تو مستور نبوده و نخواهد بود و توئى آن
بِسْمِ اللّٰهِ الْاَقْدَسِ الْاَعْظَمِ الْعَلِيِّ

AB00073SER

دلالت فرمودى و اين تشنگان را به عَينِ عَنايت رساندى و اين درماندگان را در ظل كلمه الهيه پناه داسى. اِنَّكَ اَنْتَ الْكَرِيمُ.
هُوَاللّٰهُ اِى بى نياز، ستايش تو را سزاست كه اين گمگشتگان را به شهرلاه هدايت

AB02205

قلبى و بشارتى روحى و تَأْيِيدِ رُوحِ الْمَقْدَسِ مَوْفِقِ و مَوْيِدِ فرما. توئى مقتدر و عزيز و توانا و توئى عالم و واقف و بينا.
اَبْسِ كَرَمِ فرما و اين نُفوس را به قوتى ملكوتى و موهبتى آسمانى و اخلاقى رحمانى و مَوَاهِبِ سُبْحَانِى و اِنْجِنَابِ
را به نكرت ناطق كن و بديهها را به مشاهده انوار ملكوتت روشن فرما. اى پروردگار، فيض آسمانى بخش و حيات
قلوب زنده را سرشار از باده محبتت فرما و اين جانهاى آزاد را به بشارت كبرى كَرِّحِ و مَسْرَتِ بى منتهى بخش، زبانها
هُوَاللّٰهُ اِى پروردگار، اين نفوس طيبه طاهره را ابناء ملكوت فرما و اين وجوه نورانى را سراچاهلى رحمانى كن، اين

AB11235

جهان محتاج نور هدايت است، پس اى پروردگار عنايى فرما كه شمس حقيقت جهان را كران به كران روشن نمايد
هُوَاللّٰهُ خدایا، تاريخى نزاع و جدال و قتال بين ادريان و شعوب و اقوام افق حقيقت را پوشيده و پنهان نموده،

BH09205

موجود فرمودى و به انواع مائده و نعمت و آلاء لا تحصى مَزَيْنِ داشتى. توئى بخشنده و توانا لا اله الا انت العلي الابهى.
تو بوده و هست. پس باز كن باب رحمتت را و قسمتى عطا فرما اين عهد متمسكت را. از يك كلمه عليا عالم وجود را
حفظ فرما و به نور بَرِّ و تقوى مَزَيْنِ دار. اى مالك من مملوكت تو را نكر مي نمايد و لازال بصرش منتظر عنايات لانهايه
المهى. المهى اين عبد را از شَرِّ نفس و هوى

AB04745

فرما تا قدم تلغزد و به اسفل درجات نرسد. توئى مقتدر و عزيز و توانا و توئى عالم و بينا و دانا اِنَّكَ اَنْتَ الْمُغْفُورُ الْمَرْحِيمُ.
را به صرف موهبت عزيز ملكوت فرما و حقيرى را به نهايت رَأْفَتِ مَظْهَرِ فيض لاهوت نما. اى پروردگار، حفظ كن، صيانت
اگر بگذارى مستوجب عذاب و جفا است، آنچه شايان آستان است رايگان فرما و آنچه لايق حقايق است ارزان كن، نليلى
در صون حمايت مأوى ده و در كهف عنايت ملجأ و پناه بخش. اى مهربان، اگر بنوازى جوهر وفا و حقيقت عطا است و
روح القدس منتشر شد، جان به جانان رسيد و دل راه به بارگاه يافت و به سَرِّ مَكْنُونِ و رمز مَصُونِ آگاه شد. اى پروردگار،
ديده به بيدارت روشن گرديد و دل و جان از نَفْحَتِ قَدْسَتِ غِبْطَةِ گلزار و چمن شد، نَفْحَتِ اُنْسِ مرور يافت و نَفْتَلت

AB05587

آشپانه بخش، این بی‌انصیبان را نصیب ده و این درماندگان را درمانی عنایت کن. توئی کریم توئی رحیم و توئی علیم. این سراج‌های روشن را از ارباب امتحان و افتتان محافظت فرما و این طیور بال و پر شکسته را در حدیقه فضل سُررُمتقابلین جالس گردند و از کأس موهبت نوشند و از صهباء عنایت سرمست گردند، توئی قادر و توانا. ای پروردگار، تو، عنایتی کن مرحمتی نما که کل در ظل ممدود و سایه خیمه محمود در تحت لواء مقصود مجتمع گردند و بر ارائک و هر یومی در بومی سرگردان، به یاد تو دلخوشند و به نار محبت در آتش، سرگشته کوی تو آند و آشفته روی و موی بندگانت در اطراف و اکناف متفرق و متشتت و پریشان، سرگردان بی‌اسر و سامان، در هر نفسی در دامی گرفتار و در هوالله ای پروردگار ای کردگار مهربان،

AB05587

آنچه سزاوار رحمت است شایان فرما و آنچه لایق است مبذول دار. توئی رحمن توئی یزدان توئی خنان توئی منان. پناه ده، هر چند پیر گناهیم در جولر رحمت کبری ماوی بخش زیرا تو بخشنده و مهربانی و عفو و غفور بر اهل جهان، بدل به حسنت موفور شود. ای خداوند این بنده مستمند را به اوچ بلند برسان و این عهد مسکین را در درگاه احدیت زائل گرد و چون ماء طهور از ملکوت ای رب غفور نازل شود اوسلخ خطا هر چند عظیم باشد مفقود گرد و سیئات بی پایان، ولی عفو و غفران تو اعظم از آن، چون نور بخشش بدرخشد ظلمات عصیان هر چند تاریک و حاکم باشد. ظل هوالله ای پروردگار ای کردگار، ما گنه کاریم و تو آمرزگار و ما مقصریم و تو بزرگوار، هر چند عصیان مانند دریای

AB07344

و بنواز زیرا اسیر آن زلف مشکبارند و در هر دم صد جان نثار نمایند. توئی مقتدر و توانا و توئی دهنده و بخشنده و بینا. فرما و بی‌انصیبان را به فیض قدیم بهره فراوان بخش، محرومان را محرم اسرار کن و مشتاقان را به موهبت دیدار پرور تو گویند. ای دلیر مهربان، بیچارگان را از بیگانگان در صون حمایت، حفظ و صیانت فرما و افتادگان را به پد قدرت بلند گوشه و کنار در تحت تهدید بیگانه و اغیارند، از جان بیزار و از هر فکری در کنارند، روی تو جویند و سوی تو پویند، راز هوالله ای پروردگار، یاران در هر

AB07915

گرفته نثار درگاه تو نمائیم و روی تو جوئیم و به کوی تو پی بریم و راز تو گوئیم. توئی مقتدر و توانا و واقف و بینا. پایان دانند به‌اکلی جان فشانند. ای خداوند، هوشمندان را بنواز و همدم و همراز عبدالبهاء ساز، تا گل جان و دل در کف بلداده روی تو. هر بلائی را ولا دانند و هر دردی را درمان شمرند. غل و زنجیر را تاج و سریر یابند و زندان را ایوان بی از هر طرف تیر و سنایی و از هر شخصی زخمی بی امان. با وجود این سرگشته کوی تو آند و آشفته موی تو و ای یزدان مهربان یارانت بی سر و سامانند و دوستانت اسیر در دست عوانان

AB10225

محفوظ دار و از کم و بیش بیزار کن، از کون و امکان و آلاپش اکوان منقطع فرما و به نفلت لامکان زنده و تر و تازه. هوالله ای پروردگار مهربان، دوستان را در صون حمایت خویش

AB07737

خاصان در آر و در خلوتگه عالم بالا محرم اسرار کن و مستغرق بحر انوار فرما. توئی بخشنده و درخنده و مهربان

دل به تو بستند و از دلم بیگانگی جستند و به‌ایگانگی تو پیوستند، این نفوس نفیسه را انپس لاهوتیان فرما و در حلقهٔ هدایتت روشن و درخشنده گشتند، جامی سرشار از بادیهٔ محبتت نوشیدند و اسراری بی‌اپایان از اوتار معرفتت شنیدند، هوالله بخشنده یزدانا، این بندگان آزادگان بودند و این جان‌اهلی تابان به نور

AB00518

بیان عجز چاره‌الی نه و به‌غیر از اعتراف به قصور بهانه‌الی نیست، تو غنی متعالی و مقدس از ادراک عقول اهل کمال ... بشری. نتایج فکریه چگونه به‌امعارج الهیه رسد و عنکبوت اوهام چگونه به‌لعاب ظنون و افهام بر رفرق تقدیس‌تند، جز توان نعت و ستایش حضرت بی‌چون گفت، آنچه گویم و جویم از مدارکات عالم انسانی است و در تحت احاطهٔ عالم امر عسیر، زبان آلتی است مُرکب از عناصر، صوت و بیان عَرَضی است از عوارض، به آلت عُنصری و صوت عارضی چگونه آمرزگارا، چگونه زبان به‌استایشت گشایم و پرستش و نیایش نمایم، تقریر عین تقصیر است و تحریر دلیل نادانی در این هواللهی الالهی پروردگارا

AB08694

ریز تو نکویم، مانند مرغ سحر در دلم محبت تو گرفتار گرم و شب و روز بنالم و بزارم و بگرم و بگویم: یا بهاء‌الالهی. محبت خویش گرفتار نما تا بکلی شیدلی تو گرم و دیوانهٔ تو، جز تو نخواهم و جز تو نجویم و به‌غیر از تو نیویم و بجز مهربان، این دل را از هر تعلقی فارغ نما و این جان را به هر بشرتی شادمانی بخش، از قید آشنا و بیگانه آزاد کن و به هوالله ای خداوند

BH01313NAM

المفطی المعلیم المحکیم یا الهی اسمک شفائی و تذکرک کوائی و قُرْبک رجائی و حُبک مؤنسی و رَحْمَتک طیبی و مغیثی فی الدنیا و الآخرة و انت انت

AB02304TST

فائصر امرک و اخذل اعدائک ثم اکتب لنا خیر الآخرة و الاولی انک انت الحق علام الغیوب لا اله الا انت القفور الکریم. السنة عزًا لاجبائک ثم قدر فیها ما یستشیرق به شمس قدرتک عن افق عظمتک و یستضیئ بها العالم بسطائک الی رب بریتک الی رب هذیه ساعه جعلتها خیر الساعه و تسببها الی افضل خلقک اسألك یا الهی بک و بهم بان تقدر فی هذیه تقربوا الیک و منعوها عن لقاؤک و منهم من تخلوا فی جوارک طلبًا للقاءک و حال بیئهم و بیئک سبحات خلقک و ظلم طغاة و منهم الذین جعلهم المشرکون اساری فی مملکتک و منعوهم عن التقرب الیک و الورد فی ساحة عزک و منهم یا الهی السمولت و الارضین فی الهی تری ما ورد علی اجبائک فی ایلمک فوعزتک ما من ارض الا فیها ارتقع ضجیح اصفیائک ممانتًا بحبک ثم ارزقنا لقاؤک فی عوالمک الی ما اطلع بها احد الا نفسک انک انت ربنا و رب العالمین و الهنا و اله من فی خالصا لوجهک و منقطعًا عن دوتک فانزل علینا یا الهی ما ینبغی لفضیک و یلیق لوجودک ثم اجعل یا الهی حیاتنا ینکرک و الاغظیم و صاموا فیهِ بما امرتهم فی الواج امرک و صحیف حکمک فانزل علیهم ما یقندسهم عما ینکره رضاک لیکونوا فی المقرب منعوها عن زیارة طلعتک و فی الموصل جعلوا محرومًا عن لقاؤک الی رب هؤلاء عباد تخلوا معک فی هذا المسجن مشیتک الی ان ادخلتهم فی ظل قباب رحمتک و فقههم علی ما ینبغی لهذا المقام الالسنی الی رب لا تجعلهم من الذین

الحصاة فى قَبِيضَةِ مُحَمَّدِ حَبِيبِكَ فِىاِ اِلهِى هُوَلاءِ عِبَادِكَ الَّذِيْنَ جَعَلْتَهُمْ مُعَاشِرَ نَفْسِكَ وَ مُؤَانِسَ مَطْلَعِ ذَاتِكَ وَ قَرَقْتَهُمْ اَرِيَاحَ عَمَّا قَدَرْتَهُ فِى هَذَا الظُّهُورِ الَّذِى بِهِ يَنْطِقُ كُلُّ شَجَرَةٍ بِمَا نَطَقَ سِدْرَةُ السَّيْنَاءِ لِمُوسَى كَلِمِكَ وَ يَسْبِيحُ كُلُّ حَجَرٍ بِمَا سَبَّحَ بِهِ شَوْقًا لِلْقَائِكَ وَ اخَذْتَهُمْ نَفْحَاتِ وَحْيِكَ عَلَى شَلْأَنِ يُسْمَعُ مِنْ كُلِّ جُزْءٍ مِنْ اَجْزَاءِ اِبْدَانِهِمْ ذِكْرَكَ وَ تَنَاوُكِ بَانَ لَا تَجْعَلْنَا مَحْرُومًا عَلَى وَجْهِ بَرِيَّتِكَ وَ مَصَارِيْعِ عِنَايَتِكَ لِمَنْ فِى اَرْضِكَ اَسْأَلُكَ بِالَّذِيْنَ سَقَفَكَ دِمَاؤُهُمْ فِى سَبِيلِكَ وَ انْقَطَعُوا عَنْ كُلِّ المِجْهَلَتِ قَائِزِلِ عَلَيْنَا وَ عَلَيْهِمْ مِنْ سَحَابِ رَحْمَتِكَ مَا يَتَّبَعِى لِسَمَاءِ فَضْلِكَ وَ كَرَمِكَ سُبْحَانِكَ هَذِهِ سَاعَةٌ فِىهَا فَتَحْتَ اَبْوَابَ جُودِكَ لِذِكْرِكَ وَ تَنَاوُكِ وَ يَقْرُونَ مِنَ التَّوْمِ طَلْبًا لِقُرْبِكَ وَ عِنَايَتِكَ لَمْ يَزَلْ طَرَقَهُمْ اِلَى مَشْرِقِ المَطْلَقِ وَ وَجْهَهُمْ اِلَى مَطْلَعِ المِهْلَمِ كَأَنَّ ذِكْرَكَ فِى المِاسْحَرِ يَارَبِّ اَلْاَرْبَابِ اُولَئِكَ عِبَادٌ اخَذْتَهُمْ سُكْرَ خَمْرِ مَعَارِفِكَ عَلَى شَلْأَنِ يَهْرَبُونَ مِنَ المَضْجَعِ شَوْقًا لِكُلِّ نَفْسٍ مِنْهَا نَصِيْبًا فِى لَوْحِ فَضْلِكَ وَ زَيْرِ تَقْدِيرِكَ وَ اخْتَصَصْتَ كُلَّ وَرَقَةٍ مِنْهَا بِحِزْبٍ مِنَ اَلْاَحْزَابِ وَ قَدَرْتَ لِلْعَشَائِقِ لِمَنْ فِى اَرْضِكَ وَ سَمَائِكَ وَ اخْتَصَصْتَ كُلَّ سَاعَةٍ مِنْهَا بِفَضِيْلَةٍ لَمْ يُحِطْ بِهَا اِلَّا عِلْمَكَ الَّذِى اَحَاطَ بِاَلْاَشْيَاءِ كُلِّهَا وَ قَدَرْتَ يَا اِلهِى هَذِهِ اَيَّامٌ فِىهَا قُرِضَتِ المِصِيَامُ عَلَى عِبَادِكَ وَ بِهِ طَرَزْتَ دِيْبَاجَ كِتَابِ اَوْلَامِكَ بَيْنَ بَرِيَّتِكَ وَ زَيَّنْتَ صَحَائِفَ اَحْكَامِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى بِسْمِ اللّٰهِ اَلْاَقْدِسِ اَلْاَبْهٰى

AB00094WEA

اِنَّكَ اَنْتَ لِكَرِيْمِ القُوٰى العَزِيْزِ المُرْحَمِ المُرْحِيْمِ ع اَع لَوْحِ شَشْمِ دُورِهِ دُومِ المِوَاخِ فِرَا مِيْنِ تَبْلِيْغِى حَضْرَتِ عِبْدِالمِبهَاءِ وَ طَيُوْرًا صِلَادِحَةٍ فِى اِيْكَةِ البِقَاءِ وَ اَسُوْدًا زَائِدَةٍ فِى غِيَاضِ المَعْلَمِ وَ المُنْهٰى وَ حِيْتَانًا سَابِحَةٍ فِى بُحُوْرِ الحَيَاةِ بِرَحْمَتِكَ المَكْبَرِى وَ اَعَاظِمِ بَرِيَّتِكَ وَ كَانُوْا نَبَايَا فَاسْتَنْسَرُوْا وَ كَانُوْا قَبَاءَ فَاسْتَبْحَرُوْا بِفَضْلِكَ وَ عِنَايَتِكَ وَ اَصْبَحُوْا نُجُوْمًا سَالِطَةً فِى اَفْقِ المَهْدِى اُيْدِتِ عِبَادِكَ مِنْ قَبْلِ وَ كَانُوْا اَعْجَزَ خَلْقِكَ وَ اَتَمَّلِ عِبَادِكَ وَ اَحْقَرِ مَنْ فِى اَرْضِكَ وَ لَكِنْ بَعُوْنِكَ وَ قُوْتِكَ سَبَقُوْا اَجْلَاءَ خَلْقِكَ وَ رَبِّ اِرْحَمِ عَجْزِى اَبِيْنِى بِقُوْتِكَ وَ قَدْرَتِكَ رَبِّ لَوْ تَوَيَّدَ بِنَفْثَاتِ الرُّوْحِ اَعْجَزَ المُوْرِى لِبَلِغِ المُنَى وَ تَصَرَّفَ كَيْفَ يَشَاءُ كَمَا هَذَا المَفْضَاءُ الَّذِى لَا يَتَنَاهٰى فَكَيْفَ يُمَكِّنُ هَذَا اِلَّا بِعُوْنِكَ وَ عِنَايَتِكَ وَ تَأْيِيْدِكَ وَ تَوْفِيْقِكَ رَبِّ اِرْحَمِ ضَعْفِى وَ قُوْنِ بِقَدْرَتِكَ وَ قُمَّتْ عَلَى تَرْوِيْحِ تَعْلِيْمِكَ بَيْنَ عِبَادِكَ اَلْاَقْوِيَا مُعْتَمِدًا عَلَى حُوْلِكَ وَ قُوْتِكَ رَبِّ اِنَّ طَيْرًا كَلِيْلَ المِجْنَاخِ اُرَادَ اَنْ يَطِيْرَ فِى المَهٰى اَلْهٰى تَرٰى ضَعْفِى وَ تَلٰى وَ هَوَانِى بَيْنَ خَلْقِكَ مَعَ ذٰلِكَ تَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ

AB00209UND

پى در پى تأييد و توفيق فرست و بر هر خير موفق فرما زيرا سزاوار هر عنایتند و لایق هر موهبت وعلیهم البهاء الابهى. هوالملة اى پروردگار، این ابرار را از ملکوت اسرار

AB00184KIN

نصير المصغراء و اِنَّكَ اَنْتَ المَقْتَدِرُ العَزِيْزُ المُمْخْتَارُ ع اَع لَوْحِ چِهَارَمِ دُورِهِ دُومِ المِوَاخِ فِرَا مِيْنِ تَبْلِيْغِى حَضْرَتِ عِبْدِالمِبهَاءِ وَ وَّفَقْنِى عَلَى خِدْمَتِكَ وَ اُيْدِنِى بِجُنُوْدِ مَلَائِكَتِكَ وَ اُنْصِرْنِى فِى اِعْلَاءِ كَلِمَتِكَ وَ اَنْطِقْنِى بِحِكْمَتِكَ بَيْنَ بَرِيَّتِكَ اِنَّكَ مَعِيْنُ المَضْعَفَا وَ تَقْرُ اَلْعَيْنِ بِمِشَاهِدَةِ اَيَّاتِ المَهْدِى رَبِّ اِنِّى فَرِيْدٌ وَ حَيْدٌ حَقِيْرٌ لَيْسَ لِىْ ظَهِيْرٌ اِلَّا اَنْتَ وَ لَا نَصِيْرٌ اِلَّا اَنْتَ وَ لَا مُجِيْرٌ اِلَّا اَنْتَ وَ يَرْفِرُ بِكُلِّ سُرُوْرٍ وَ اِنْشِرَاخِ فِى هَذَا المَفْضَاءِ وَ يَرْتَفِعُ هَدِيْرِهِ فِى كُلِّ اَلْاَرْجَاءِ بِاسْمِكَ اَلْاَعْلٰى وَ تَتَلَذَّذُ المَآذِنَ مِنْ هَذَا النَّدَاءِ المَهٰى اَلْهٰى هَذَا طَيْرٌ كَلِيْلُ المِجْنَاخِ بَطْنُ المَطِيْرَانِ اَيْدِيْهِ بِشِدِيْدِ القُوٰى حَتٰى يَطِيْرَ اِلَى اَلْوَجِّ المَفْلَاخِ وَ المِجْنَاخِ

AB00184KIN

سراجاً وهاجاً و نجماً بلزغاً و شجرة مباركة مشحونة بالأثمار مظلمة فى هذه الديار اِنَّكَ اَنْتَ العَزِيْزُ المَقْتَدِرُ المُمْخْتَارُ ع اَع وَ كَلِيْلِ اللِّسَانِ اَنْطِقْنِى بِذِكْرِكَ وَ تَنَاوُكِ وَ نَلِيْلِ عَزْرَتِنِى بِالمَدْخُوْلِ فِى مَلَكُوْتِكَ وَ بَعِيْدِ قَرْبِنِى بِعَقْبَةِ رَحْمَاتِيَّتِكَ رَبِّ اجْعَلْنِى

بِرُوحِ الْمَقْدِسِ حَتَّى أَنْادِي بِاسْمِكَ بَيْنَ الْأَقْوَامِ وَ ابْشِرْ بِظُهُورِ مَلَكُوتِكَ بَيْنَ الْأَنْبِيَاءِ رَبِّ ائِنِّي ضَعِيفٌ قَوْنِي بِقُدْرَتِكَ وَ سُلْطَانُكَ
بِمَشَاهِدَةِ الْأَنْوَارِ وَ أَسْمَعْتَنِي نِعْمَاتِ طَيُورِ الْمَقْدِسِ مِنْ مَلَكُوتِ الْأَسْرَارِ وَ اجْتَنَبْتَ قَلْبِي بِمَحَبَّتِكَ بَيْنَ الْأَبْرَارِ رَبِّ أَيْدِي
رَبِّ رَبِّ لَكَ الْحَمْدُ وَ الشُّكْرُ بِمَا هَدَيْتَنِي سَبِيلَ الْمَلَكُوتِ وَ سَلَكْتَ بِي هَذَا الْمَصْرَاطَ الْمَسْتَقِيمَ الْمُمْدُودَ وَ تَوَزَّيْتُ بِبَصْرِي
لَوْحِ سَوْمِ دُورِهِ دُومِ الْمَوَاحِ فِرَامِينَ تَبْلِيغِي حَضْرَتِ عَبْدِالْبَهَاءِ

AB00210BIR

أَنْتَ الْمَقْتَدِرُ عَلَى مَا تَشَاءُ وَ ائِنكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ع لَوْحِ دُومِ دُورِهِ دُومِ الْمَوَاحِ فِرَامِينَ تَبْلِيغِي حَضْرَتِ عَبْدِالْبَهَاءِ
الْمَقْلَهْرَةِ وَ قُدْرَتِكَ الْمُنَافِذَةَ حَتَّى يَنْطِقَ لِسَانِي بِمَحَامِدِكَ وَ تَعَوَّتْكَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَ يَطْفَحُ جَنَانِي بِرَحِيْقِ مَحَبَّتِكَ وَ مَعْرِفَتِكَ ائِنكَ
وَ تَحِيْطِي بِتَوْفِيقَاتِكَ الَّتِي تَجْعَلُ الْمِنَابِ عِقَابًا وَ الْقَطْرَةَ بِحُورًا وَ أَنْهَارًا وَ الْمَتْرَابَاتِ شُمُوسًا وَ أَنْوَارًا رَبِّ أَيْدِي بُقُوتِكَ
نَادِيًا لِتُنْشِرَ تَعَالِيمِكَ بَيْنَ الْعَمُومِ وَ ائِنِّي أَتَوَفَّقُ بِهَذَا الْأَنْ يُوَيِّدُنِي نَفْثَاتُ رُوحِ الْمَقْدِسِ وَ يَنْصُرُنِي جُنُودُ مَلَكُوتِكَ الِالْعَلِيِّ
الْمُهِيِّ تِرَانِي مَعَ تَلِي وَ عَدَمِ اسْتِعْدَامِي وَ اِقْتِدَارِي مَهْتَمًّا بِعِظَامِ الْأُمُورِ، قَلِصْنَا لِاعْلَاءِ كَلِمَتِكَ بَيْنَ الْجُمْهُورِ،

AB06464

بِي پايان ارزان فرما، گنج هدايت را يگان کن تا اين بيچارگان چاره يابند. توئی مهربان توئی بخشنده توئی دانا و توانا.
تأیيدات تو بهره و نصیب گیرد، اين جمع راه تو پويند، راز تو جويند، روى تو بينند، خوى تو گیرند. ای پروردگار، المطف
را رشک گلزار و گلشن فرما، ای محبوب بي‌اهمتا نفلت عنایت بوزان انوار احسان تابان کن تا دل‌ها پاک و پاکیزه شود، از
حقیقت نماید، گوش‌ها از ندای ملکوت بهره و نصیب گیرد. ای پروردگار، دل‌ها را روشن کن، ای خداوند مهربان قلوب
هدایت بر اين ممالک بوزد، نفوس استعدا المطف تو يابند، قلوب مستبشر به بشارت تو گردند، دیده‌ها مشاهده نور
اين بنده تو از اقصى بلاد شرق به غرب شتافت که شاید از نفلت عنایات مشام‌های اين نفوس معطر شود، نسیم گلشن
هوالمه پروردگار يزدانا مهربانا،

AB11042

و آهنگ و شهنازی بنوازند که جهان وجود به اهتزاز آید و دلبر وحدت انسانی پرده براندازد و در انجمن عالم جلوه نماید.
هوالمه ای بی نیاز، یاران را محرم راز نما و آئینه تماز کن تا در جهان نغمه و آوازی اندازند

BH09855

فرما تا اين نفوس نفيسه به اعلى درجه فلاح و نجاح وصول بيابند. توئی مقتدر و توئی دهنده و بخشنده و بينا.
آمال سرشار فرما، انوار تابان کن، پرتو عنایت بخش، مظهر موهبت بفرما، روز به روز ترقی بخش و المطف افزون
هوالمه ای پروردگار مهربان، اين کسان بنده آستانند و در نهايت صدق و راستی و درستی، جلم

AB10714

به خدمت عالم انسانی فرما. خدایا، اين اطفال نردمانه‌اند، درآغوش صدف عنایت پرورش ده. توئی بخشنده و مهربان.
اطفال نازنين صنع دست قدرت تو اند و آيبت عظمت تو. خدایا اين کودکان را محفوظ بدار، مؤيد بر تعليم کن و مؤفق
هوالمه ای خداوند مهربان، اين

و قوت و اقتدار بخش و مظاهر تأیید و توفیق فرما که در نهایت برآزندگی در بین خلق محشور شوند توئی مقتدر و توانا. نما تا نشو و نما نمایند و روز به روز ترقی کنند و شکفته گردند و پر بار و برگ شوند. ای پروردگار، جمله را هوشیارکن را از بارین ابر عنایت تر و تازه فرما و به نسیم ریاض احدیت اهتزازی بخش و به حرارت شمس حقیقت جانی تازه عطا هوالله ای پاک یزدان، این نهالین جویبار هدایت

عزیز کن از جام محبت لریز نما تا شور و ولهی انگیزد و مشک و عنبری بیزد توئی مقتدر و توانا و توئی دانا و بینا. هوالله ای جلیل اکبر، این کنیز صغیر را دختر خوش اختر فرما و در درگاه احدیت

و قوتی بخش تا جناح فلاح برویانیم و در این فضلی غیرمتناهی آغاز پرواز کنیم و به ملکوت ابهت دمساز گردیم. ولی اوکار اقتدار جوئیم و بی‌ایر و بالیم ولی اوج عظیم طلبیم و رفرق اعلی آرزو نمائیم، پس عنایتی مبنول فرما هوالله ای پروردگار، مرغان زاریم ولی در پناه تو آشیانه نمودیم، طیور خاکساریم

ده، از اطفال ملکوت کن و به جهان لاهوت هدایت فرما. توئی مقتدر و مهربان و توئی دهنده و بخشنده و سابق الانعام. پرورش فرما و از تکی عنایت شیر ده، این نهال تازه را در گلشن محبت بنشان و به رشحات سحاب عنایت پرورش هوالله خداوندا، این طفل صغیر را در آغوش محبت

تا به انوار محبت روشن و منیر گردد و به الماهات روحانی و معنوی مهلم فرما تا عالم وجود را چون بهشت برین نماید. هوالله ای رحمن ای رحیم، دلی چون مرآت لطیف صافی عطا کن

پرست بگردان تا جلم صهای الهی به دست گیرند و طالبان را سرمست کنند و عاشقان را نشئه باده‌الست بخشند. را مونس دل و جان باش، در هر دمی از بحر اللطاف شبنمی بفرست و در هر نفسی باده تازه‌الی بنوشان و می هوالله ای دلبر مهربان، یاران

جنت ابهی در بر کن تا به فیض نامتناهی مستفیض گردد و به عنایت مخصوصه مخصص شود. توئی مقتدر و توانا. برخوردار نما، حیلت ابدی بخش و عزت سزیمی عطا فرما، تاجی از موهبت کبری بر سر نه و خلعتی از سئدس استبرق هوالله ای پروردگار، این هوشیار را به بخشش آسمانی بزرگووار کن و از موهبت رحمانی

مهابط علوم لدنی، ابواب ملکوتی را بر قلوب یارانت باز کن و به هدایت کبری فائز نما، فقیران را از بحر بخششت نصیبی مست کن، قلوب را به انوار رحمت نورانی کن، دیده‌ها را روشن نما، نفوس را مصدر المہامات حی قدیر فرما و ارواح را ابدی برسان و از عذب فرات سرشار کن، بندگانت را در خلد برین داخل فرما و از شراب کأس کان مزاجها کافورا سر ہوالله خداوندا رحیما کریما، عبادت را به سرچشمہ حیات

AB08559

را جانی ببخش و جان را روح و ریحانی عطا فرما کہ سزاوار این قرن عظیم باشد و لایق این عصر مجید واعلیک‌البہاء. واعیہ احساس کند. ای پروردگار، پندہ از چشم بردار تا مشاہدہ آیات کبری کنم و ملاحظہ دقیق اسرار کبریا نمایم، دل پر عجم گوشی عنایت فرما تا آہنگ ملاً اعلی بشنود و گلہاینگ عتدلیب قدست استماع نماید و تفحلت طیور شکور بہ قوہ ہوالله ای پروردگار، من گنہاکارم و تو آمرزگار، مدهوش از خمر غفلتم ہوشی عنایت کن، مشغول بہ انکار جہان

AB09428

نمودی، حال ای پروردگار، این مسکین را علم مبین فرما و این حزین را در افق منیر روشن کن. توئی قضا و مہربان. در ظل شجرہ انیسا مآوی دمی و از کأس میثاق نوشانیدی و بہ فضل مخصوص مخصص داشتی و بہ فوز عظیم موفق و از چشمہ هدایت نوشانیدی و ندای اللست بہ سمع این عبد رساندی و بانگ سبحان ربی الالبھی مسموع فرمودی و ہوالالبھی ای مہربان یزدان من، محض عنایت روح وجود دمیدی و خلعت حیات بخشیدی

AB09712

درمی را درمان کن و ہر زخمی را مرہم لطف و احسان، ہر جمعی را شمع روشن کن و در ہر انجمنی طوطی خوش سخن. جوش و خروش آئیم. ای پروردگار، بندہ خویش را آیتی باہرہ فرما و رایتی مشتہرہ، نجمی بازغ کن و کوکبی بارق، ہر و توفیقی عنایت فرما تا بیگانہ و خویش فراموش کنیم و از ہر نکری خاموش گردیم و از نسائم ریاض تقدیست بہ ہوالله پاک یزدانا، تأییدی بخش

AB09904

خوی تو خواہم راہ تو پویم، از ہر قیدی آزاد شوم و از ہر غمی و بلائی دلشاد گردم. توئی بخشنده و دہندہ و مہربان. تاریک و تار. ای محبوب مہربان، از نفس و ہوی بیزار کن و گرفتار محبت خویش فرما تا از خود بگذرم، روی تو جویم ہوالله ای پروردگار، این گنہاکار شرمسار است و گرفتار ہواجس این خاکدان

AB10108

بہ بحر لقاء روحانی بکشان، این بندہ قدیم را ندیم بزم المظاف کن و این فقیر مسکین را بہ غنای حقیقی مستغنی گردان. را قرب و منزلتی احسان کن، این سرگشتہ صحرای عشق را بہ خلوتخان عنایت دلالت نما و این تشنہ بادی ہجران را ہوالالبھی خدایا، این طیر حقیقہ عرفان را بال و پی عطا فرما و این پروانہ شمع محبت

AB10568

ما عطا از تو، جفا از ما وفا از تو، گناہ از ما پناہ از تو، بیماری از ما شفا از تو، بیوش و بیامرز، وفا کن، پناہ دہ، شفا بخش. الی اللہ، دیدہ بہ ملکوت غیب جبروت باز کن و بہ این مناجات آغاز نیاز کن کہ: ای مہربان، تو ستر کن و بیوش، خطا از ہوالله ای متوجہ

AB10660

شکرین نما و در درگاہ احدیت بندہ نازنین فرما و در دیوان غلیبن صدرنشین کن. توئی حنان توئی متان توئی مہربان.

هوالملة ای خداوند بی‌نیازم و مَحَرَم رازم و یار دلنوازم، آن یاران دیرین را مذاق

:

AB10849

زیور عالم انسانی نما، راحت وجدانی ده، قوت ربانی عطا فرما. توئی دهنده و بخشنده و مهربان و توئی مقتدر و توانا. ای پروردگار، این گناهکار را بیدار کن، هوشیار نما و از هستی خویش بیزار کن، نورانیت آسمانی بخش نفس رحمانی بدم،
هوالملة

AB10855

تأییدی بخش و توفیقی احسان فرما تا به خدمت کوشم و رداء موهبت پوشم و سلسبیل عنایت نوشم و المبهاء علیک. به بخششت امیدوار، مستمندم و فقیر، توئی ارجمند و مجیر، دردمندم و حقیر، توئی درمان هر علیل و اسیر. خداوندا،
هوالمله ای پروردگار، هر چند گناهکارم ولی

AB10875

عالم چون پروانه گرد شعله جالمت پرواز نه. توئی خجسته دلپر من و توئی فرخنده یلر جان پرور من و المبهاء علیک. جهان به آتش عشقت بسوز و در آن جهان به مشاهده روی مه رویت کامران فرما. در این عالم چون شمع بگداز و در آن
هوالملة ای پروردگار عالمیان، در این

AB10965

بیان واضح بخش، قوت ملکوت بنما و تأیید روح القدس ظاهر کن. توئی مقتدر و توانا و توئی بخشنده و درخشنده و بینا. آن مشتاق دیدار را در ملکوت بزرگوار کن و تاجی از موهبت بر سر نه و خلعتی از هدایت کبری در بر نما، زبان ناطق ده و
هوالملة ای پروردگار،

AB11170

افسرده را در سبیل دوستانت بر خاک ریز و این تن فرسوده را در راه یارانانت خاک راه و غبار اقدام نما، ای خدای من.
هوالمله ای خدای من، جانم فدای احبابیت، این خون

BH10248

و کل را به تجلیات انوار تیر توحید منور گردان. لك الامر في المبدأ و المعاد و لك الحكم يا ملك الایجاد و ملك العباد. که سبب حیات ابدی و زندگی سرمدی است، ما را محروم منما. وجود از جودت موجود، او را از طرازی عنایت منع مفرما تو است چه که از مشتی تراب خلق را خلق فرمودی و گوهر بینش و دانش عطا نمودی. ای کریم، از تو می‌طلبیم آنچه را
الها مغبودا ملکا حمد و ثنا سزاوار

BH10840

مشیتت باز نداشت. از تو می‌طلبم فضل قدیمت را و عنایت جدیدت را. توئی قضا و توئی عفا و توئی بخشنده و توانا. منما و از بحر جودت قسمت عطا فرما. توئی مقتدری که قوت عالم قوتت را ضعیف نمود و شوکت امرای ارض تو را از
الها مغبودا عبادت را از ثمره وجود محروم

BH09085

اسماء جودك و بحر افضالك و تدخله في جوار رحمتك الكبرى التي سبقت الارض و السماء لا اله الا انت العفور الكريم

و تَوَجَّهَ إِلَيْكَ مُنْقَطِعًا عَنْ سِوَاكَ إِنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، أَسْأَلُكَ يَا عَفَّارَ الذُّنُوبِ وَسِتَّارَ الْغُيُوبِ بِأَنْ تَعْمَلَ بِهِ مَا يَنْبَغِي .
اللَّهُ أَبْهَى يُشْرَعُ فِي التَّكْبِيرِ لِمَنْ سَبَّكَ يَا إِلَهِي هَذَا عَيْدُكَ وَ أُنْ عَيْدِكَ الْإِلَهِيِّ آمَنْ بِكَ وَبِآيَاتِكَ
مرتبه قرائت شود: انا كل لله عابدوننا كل لله سلجدوننا كل لله قابضوننا كل لله شاكروننا كل لله صلبرون
بايد بعد از هر تكبير الله ابهى نوزده
بايد اين انكار هر يك نوزده مرتبه بعد از هر تكبير الله ابهى گفته شود.

لِسَمَاءِ جُودِكَ وَبِحِرَافِضَالِكَ وَتُدْخِلُهَا فِي جِوَارِ رَحْمَتِكَ الْكُبْرَى الَّتِي سَبَقَتْ الْأَرْضَ وَالسَّمَاءَ لِإِلَهِهِ الْإِلَهَاتِ الْمُغْفُورِ الْكَرِيمِ .
و تَوَجَّهْتَ إِلَيْكَ مُنْقَطِعَةً عَنْ سِوَاكَ إِنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، أَسْأَلُكَ يَا عَفَّارَ الذُّنُوبِ وَسِتَّارَ الْغُيُوبِ بِأَنْ تَعْمَلَ بِهَا مَا يَنْبَغِي
وفي النساء يقول برای امامالرحمن قرائت شود: يا الهي هذه أمّتك و ابنة أمّتك التي أمّنت بك و بآياتك

BH08308

آر تا منجذب آفاق گردم و سرگشته و سودائی آن جمال پُر انوار شوم و جان و روان قربان نمايم و عليك المتحیة و المثناء .
مظاهر شیطانی افسرده گشته . ای پروردگار، از آن جام سرشار قطره‌ای نثار فرما و از آن گلشن فدا نفع‌ه‌ای به مشام من
به سهام شیطانی خسته گردیده . این نفوس نَفِيسه در دست هر خسیسی گرفتار شده و این وجوه نورانی به غبار طغیان
سره‌ای بزرگوار در زیر پای‌های جُهال پایمال شده، حنجر نورانی به خنجر نفوس ظلمانی آزرده گشته و قلوب رحمانی
در رله محبتت به خون آغشتند، هر سینۀ مانند آینه پاره پاره گشتند و هر دلی از آب و گل آزاده، شرحه شرحه شده،
هوالمه ای پروردگار، این عزیزان دلیل سبیل تو گشتند و این مه رویان

AB02342

باشد و فکری عطا کن که به فیض روحانی جهان را گلشن نماید . توئی بخشنده و مهربان و توئی خداوند عظیم الاحسان .
و مأمون فرما . توئی توانا و توئی بینا و توئی شنوا . ای خدای مهربان دلی عطا کن که مانند زجاج به سراج محبت روشن
خدايا مرا مستقیم بدار و ثابت و راسخ کن، از امتحانات شدید محفوظ بدار و در حصن حصین عهد و میثاقت مصون
نمودی، به ملکوت خویش دلالت کردی و به سبیل خود هدایت فرمودی، رله راست بنمودی و در سفینه نجات در آوردی
هوالبهی ای خدای مهربان، شکر تو را که بیدار نمودی و هشیار کردی، چشم بینا دانی و گوش شنوا احسان

BH08704NEW

أَسْأَلُكَ أَنْ لَا تَخَيِّبَهُ عَمَّا أَرَادَ مِنْ بَحْرِ فَضْلِكَ وَشَمْسِ عَنَانِكَ، إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ عَلَى مَا تَشَاءُ لِإِلَهِهِ الْإِلَهَاتِ الْمُغْفُورِ الْكَرِيمِ .
بِمَاءِ الْعَطَاءِ مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَوَسْقَمِ وَوَعَجْزِ، أَي رَبِّ تَرَى الْمَسَائِلَ قَائِمًا لَدَى بَابِ جُودِكَ وَالْأَمَلَ مُتَمَسِّكًا بِحَبْلِ كَرَمِكَ،
سَخَّرْتَ بِهِ عِبَادَكَ وَبُنْفُودِ كَلِمَتِكَ الْعَلِيَا وَاقْتَدِرَ قَلَمِكَ الْأَعْلَى وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي سَبَقَتْ مِنْ فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، أَنْ تَطْهَرَنِي
بِسِمَةِ الْمُهَيْمِنِ الْأَسْمَاءِ الْإِلَهِيِّ الْإِلَهِيِّ أَسْأَلُكَ بِبِحْرِ شَفْلَتِكَ وَأَشْرَاقِ أَنْوَارِ تَبِيرِ فَضْلِكَ وَبِالْأَسْمَاءِ الْإِلَهِيِّ

AB08339

هر دم تأییدی جدید بخش و هر نفس نفس رحمن به مشام بخش . توئی مقتدر و توانا و توئی دهنده و بخشنده و دانا .
به نجات تقدیس نما و متذکر به آیات توحید کن، مشمول لحظت عین رحمانیت نما و مجنوب جمال نورانیت کن،
رحیم و رحمن و توئی واهب فضل بی پایان . ای خداوند بخشنده، این نفوس را ثابت عهد نما، راسخ پیمان کن، منجذب
هر دم فریادی نمایند و آه و فغانی برآرند و استدعای عنایتی کنند و موهبتی طلبند، توئی بخشنده و مهربان و توئی
هوالمه ای پروردگار، این نفوس مشتاق دیدارند و سودائیان آن زلف مشکبار،

بنده درگاهت را به بارگاه احدیتت راه ده و این امیدوار رحمت را نومید مگردان و بر پیمان و ایمان محکم و استوار نما. جمال مبارکت همدم نما، از جام احدیتت بنوشان و از شهد عنایتت بچشان و به فضل عظیم جمال قدیمت فائز کن، این بندگان را به راز خویش دمساز نما و از آواز هاتف ملاً اعلیٰ مستمع فرما، بر صراط عهد و پیمانیت ثابت قدم کن و به ذکر هوالله ای یزدان بی انباز، نیاز آریم و نماز که این

جوش و خروش آئیم و از پیمان ه پیمان مست و مدهوش گردیم. توئی بخشنده و مهربان و توئی آمرزنده و آموزنده یاران. و قرار کن و مجنون جمال پر انوار نما، مفتون آن زلف مشکبار فرما تا بیگانه و خویش فراموش نمائیم و مانند دریا به بحر عصیان مستغرقیم. توئی محبوب مهربان و توئی بخشنده گناهان. ای پروردگار، اقتدار ده ثابت و پایدار نما، بی صبر مستغنی کن و از عطای خویش بهره و نصیب ده، گناه بیامرز خطا بیوش عفو و غفران فرما زیرا گناه کاریم بد رفتاریم، در جان شو، بی کسم معین دل و جان گرد، از جهان و جهانیان بیزار فرما و در پناه خویش منزل و قرار بخش، از مادون در هجرانم پر حرمانم، بی سر و سامانم به لطف و عنایتت شایانم، اسیرم مجیر شو افتاده ام دستگیر شو، غریبم مونس پیمان ه پیمان، افتاده ام بیچاره ام دلداه ام شیدائیم سودائیم رسوائیم ولی روی به سوی تو آرم و آرزوی کوی تو دارم، هوالله ای دلبر یکتای من، آواره صحرایم و سر گشته بادیه پیمایم، در رهت افتان و خیزان و سرمست

درگاه است معامله کن و هر چه شایگان بارگاه است شایان فرما. تویی غفور تویی عفو و تویی بخشنده هر قصور. ع امید به وعده و نوید تو داریم و هر چند در ظلمت خطا مبتلاییم و لکن توجه به صبح عطا داشته و داریم به آنچه سزاوار و غفران و آمرزش ارزان کن تویی آمرزنده و تویی غفور تویی بخشنده فیص موفور ای آمرزگار هر چند گناه کاریم ولی پدر و مادر این بنده درگاه را در دریای غفران غوطه ده و از گناه و خطا پاک و مقدس نما عفو و بخشش شایان نما هوالله ای پروردگار

از جیب قوت بر آر و این نفوس درگل مانده را نجات ده. توئی مالک اراده و سلطان جود. لا اله الا انت العزیز الموهاب. موج و بهایک اشراق تیر امر، آفتاب جود و غفران ظاهر و هویدا. همه بندگان تو اند و به امید کرمت زنده اند. دست قدرت نموده، بر عبادت رحم فرما و تأیید نما بر اعمال و اخلاق و اقوالی که لایق ایام تو است. به یک کلمه علیا بحر بخششت الهی الهی اولیای خود را حفظ فرما. توئی آن کریمی که عفو عالم را احاطه

بخششی نما، آواره ایم در پناه لطف ماوی بخش، بیچاره ایم قوت و قدرتی عنایت کن. توئی فضل توئی کریم و توانا. حق، دست نیاز به درگاه حضرت بی نیاز بر آر و بگو، ای پروردگار، گناه کاریم عفو و مغفرت فرما، محتاجیم از کنیز ملکوت

AB07057

تو اميدوار و هر چند بى استعداديم ولى به بخشش و نادت در نهايت اعتماد. توئى بخشنده و دهنده و آمرزگار و مهربان. بيه روشن نما، خطا ببخش عطا بده و به آنچه نويد بخشيدى وفا فرما. اى خدلى مهربان هر چند گنهكاريم ولى به عفو و اين محتاجان را بر خولن نعمت خويش حاضر فرما. از شب تار و تاريخ حرمان و هجران نجات بخش و به صبح وصال و غفران پرواز ده و اين بيچارگان را در پناه آمرزش خويش مسكن و مأوى بخش اين تشنگان را به چشمه اللطاف برسان هوالله پروردگارا آمرزگارا، اين مرغان شكسته پرند بال و پرى ببخش و در اوج عفو

AB07931

ملكوت كامكار كن، از حيز آفات رهانيدى، به گلشن اللطاف برسان. توئى بخشنده و دهنده و رهاننده و پاينده و مهربان. غفران مبذول دار. آمرزگارا، به عصيان مگير، هر حيرانى را تو مجبرى و دستگير، از عالم ناسوت بيزار نمودى در جهان به احسب لياقت و عجز موفور ما معمول مدار، نليليم و عليل، عزيز كن، جليل فرما، درمان بخش، درياق اعظم عفو و ما غرق خطائيم و تو درياى عطا، ما در ظلمات عصيانيم و تو آفتاب فضل و احسان. پروردگارا، نظر به قصور مفرما و هوالله اى حى توانا، پناه گنهكارى و بخشنده و آمرزگار،

AB10871

لياقت منگر در فضل و عفو بنگر، ما را در بحر غفران غريق كن و در جنت ابهى با ما اعالى رفيق. توئى رحيم توئى رحمن. هوالله اى آمرزگار همه گنه كاريم و جفا كردار، تو آمرزنده اى تو بخشنده اى مهربان، در قدر و

AB11201

لايقست مؤيد فرما، اين دستاها به دامن عفو پيوسته و اين دلها به محبت مقيد و بسته، عنايت كن موهبت بخش. هوالله اى پروردگار، به آنچه سزاوار است موفق كن، اى آمرزگار به آنچه

BH10992

و عطا. عباد خود را محروم نما و از بساط قدس و قرب منع مفرما. توئى بخشنده و مهربان. لا اله الا انت العزيز المنان. و از تو مي اطلبم آنچه را كه سبب بخشش تو است. توئى بحر جود و مالك وجود. لازال لحاظت علت ظهور بخشش الها پروردگارا محبوبا مقصودا به اتو آمده ام

BH00005SEE

را از باب عنايت محروم نما و از دريلى بخشش منع مكن. توئى صاحب عطا و قادر و توانا والمهيمن على الاسماء. فرمودى تا صاحبان بصر آثار قدرت و عظمت را در كل اشياء ملاحظه نمايند و بر بزرگيت گواهى دهند. اى خدا، فقير آن توانائى كه به ايك كلمه، آسمان و زمين را خلق نمودى و مظاهر قوت و قدرت و عظمت و فضل و جود و كرم قرار وجهم به انوار وجهت متوجه و قلبم به اشطر عنايتت مقبل و از تو مي اطلبم عطاء قديمت و بخشش جديدت را. توئى الها مقبودا مقصودا محبوبا

BH08855

جوش و خروش آئیم و از پیمان‌ه‌پیمان مست و مدهوش گردیم. توئی بخشنده و مهربان و توئی آمرزنده و آموزنده یاران. و قرار کن و مجنون جمال پر انوار نما، مفتون آن زلف مشکبار فرما تا بیگانه و خویش فراموش نمائیم و مانند دریا به بحر عصیان مستغرقیم. توئی محبوب مهربان و توئی بخشنده گناهان. ای پروردگار، اقتدار ده ثابت و پایدار نما، بی صبر مستغنی کن و از عطای خویش بهره و نصیب ده، گناه بیامرز خطا بیوش عفو و غفران فرما زیرا گناه‌کاریم بد رفتاریم، در جان شو، بی کسم معین دل و جان گرد، از جهان و جهانیان بیزار فرما و در پناه خویش منزل و قرار بخش، از مالدون در هجرانم پر حرانم، بی سر و سامانم به لطف و عنایتت شایانم، اسیرم مجیر شو افتاده‌الم دستگیر شو، غریبم مؤنس پیمان‌ه‌ پیمان، افتاده‌الم بیچاره‌الم دلداه‌الم شیدائیم سوائیم رسوائیم ولی روی به سوی تو آرم و آرزوی کوی تو دارم، هوالله ای دلبر یکتای من، آواره صحرایم و سر گشته بادیه پیما، در رهت افتان و خیزان و سرمست

ABU0030SHE

بخش، از بحر عنایت قطره‌الی برسان و از نهر موهبت رشحه‌الی مبدول کن تا حیلت تازه یابم و موهبت بی‌اندازه جویم. مقرر ده و این عهد حزین را در سایه شجره سرور مأوی بخش، این بی‌انصیب را نصیبی عنایت کن و این بی بهره را بهره‌الی الله ابهی ای پروردگار مهربان ای یزدان پاک، این بنده ضعیف را در ظل کلمه رحمانیتت

AB05553

امتحانلت شدید حفظ فرما و در پناه رحمانیتت از حواصت زمانه محروس دار. توئی مقتدر و توانا و توئی حاضر و بینا. چمنزار حقیقتند و شکوفه بوستان معرفت، آواره توآند و بیچاره تو، افتاده توآند و دلداه تو، در ظل جنج احذیتت از ملکوت ابهائیت رایگان کن و رحمت افق اعلایت شایان فرما زیرا منجذب جمال نورانیند و زنده از نفس رحمانی، سبزه هوالله ای پروردگار، این یاران را بنواز و به آتش عشق بگاز و به رازت دمساز نما، موهبت

BH00074BLE

منما. این مظلومان را در ظل سدره عدلت مأوی ده و فقیران را به بحر عنایت راه نما. توئی مالک جود و سلطان عطا. الها کریم یکتا خداوند جودت وجود را هستی بخشید و موجود نمود، از دریای رحمتت محرومش

ABU0188TUR

تو سلوک نمائیم، جستجوی تو نمائیم و مشاهده جمال و کمال تو کنیم. توئی بخشنده توئی مهربان توئی قادر و توانا. طیبه باشیم از هر گلی انتشار یابد. خداوند ما را از عالم محدود نجات ده و به جهان نامحدود خویش رسان تا در سبیل عنایتی فرما که تو را بشناسیم و عاشق جمال تو باشیم، جویای شمس حقیقت باشیم از هر افقی طالع شود، طالب رائج زنده کن نفوس خواب را بیدار نما. خداوند ما را از هر قیدی آزاد فرما و به جهان نامحدود خویش دلالت کن. خداوند هوالله ای خداوند مهربان، بصیرت‌ها را روشن کن گوش‌ها را شنوا نما دل‌های مرده را

ABU0095KIN

فرمودی و بخشش افزودی و این مرغان را به آشیانه و لانه و کاشانه بلند راه بنمودی. توئی بینا و دانا و توانا و شنوا.

را شادمان فرما، تشنگان را سیراب کن و آزرندگان را آسایش دل و جان بخش. ستایش تو را که راه نمودی و رهبر بیابند و جهان بیارایند. ای بخشنده، چَرَنده و پَرَنده را پناهی و به راز درون آگاه، جویندگان را یابندگان کن و آرزومندان بهشت برین، زیرا روی تو جویند راه تو پویند راز تو گویند و هر دم در جستجویند که آنچه شایان این روزگار است هوالله ای پروردگار، این گروه جان نثار یاران دیرینند و با هم همدم و همنشین، گفتگو شیرین و شکرین و بزم مانند

AB02925

گرد تا هر اسیر و فقیر از خولان نعمت نصیب و بهره بردارد. توئی مقتدر و توانا و توئی دهنده و بخشنده و مهربان. نما، بزم غفران بیارا و جلم افضل و احسان بخش، بیچارگان و آوارگان را ملجأ و پناه ده و آگاه فرما، دستگیر شو مجیر هوالله ای خداوند بیمانند، یاران عبدالمیبهاء را یآوری کن و گناهکاران را بزرگواری

AB04705

ملکوت خویش کامران فرما، گناه بخش پناه بده آگاه کن و به بارگاه ملکوت درآر. توئی دهنده، توئی بخشنده و مهربان. توجه به ملکوت تو نموده، دلها پر مسرت است و جانها در نهایت بشارت. خداوند مهربان، این جمع را شادمان کن و در هوالله ای پروردگار ای آمرزگار، این محفل به نکر تو آراسته و این جمع

AB05109

نما، از غیر بیزار فرما و مطلع بر اسرار نما. ای پروردگار تو آمرزگاری و دانا، تو بخشنده‌ای و توانا و توئی قادر و بینا. جهان ظلمانی به فضای نورانی در آیند، از ظلمات امکان برهان و به انوار لامکان مثور فرما، مظاهر انوار کن و مطالع اثمار اوهام برهان و به حقیقت دلالت بنما تا تخری حقیقت کنند از عالم ناسوت دور شوند و به عالم ملکوت نزدیک گردند، از خطا کاریم تو مغفرت کن، گناه کاریم تو عفو فرما، در پناه خود پناه ده، نقصان را به غفران کامل کن، این نفوس را از عالم کبری مستبشر فرما، چشمها را به مشاهده آیلت هدی روشن کن و گوشها را به استماع ندای اعلی ملتذ فرما. پروردگارا، جمع محض محبت به این محفل آمدند و با کمال حُب و وفاق حاضر شدند، خدایا رویها را مثور کن، ارواح را به بشارت هوالله ای پروردگار، این

AB05867

برسان و از آب حیات بنوشان، ولوله در شهر انداز و آشوبی در آفاق افکن تا دلها حیران تو گردند و جانها قربان تو. لمعه‌ای بیفشان، بیگانه‌ایم آشنا کن، پروانه‌ایم پرسوخته شمع وفا فرما، تشنه‌ایم و به خون دل آغشته چشمه خوشگوار آشفندگان، افسردگانیم پژمردگان، دردمندیم درمانی بخش، رنجوریم دوائی عنایت کن، افسرده‌ایم شعله‌ای ده، پژمرده‌ایم و بخشنده و درخشنده زمین و آسمان، ما جمعیم پریشان تو، مستمندیم درویشان تو، آوارگانیم بیچارگان و افتادگانیم هوالله ای یزدان مهربان

AB06410

شوا. لک الحمد علی ما اُتلت و لک الشکر بما وقیت نحمدک و نشکرک علی العطاء و تتضرع الیک فی کل صلیح و مساء. را امیر کن و به فیک اثیر برسان و در جانفشانی بر سریر عزت ابدیه استقرار ده. توئی مقتدر و توانا و توئی بینا و بی پایان نمایند و تمنای الطاف بی‌اگران کنند. ای بخشنده مهربان، این ذلیلان خویش را عزیز فرما و این اسیران محبت و گرفتار، جز عنایت هیچ دردی را درمان نخواهند و در سبیلت هیچ زخمی را مرهم نجویند، همواره آرزوی بخشش تو اند و سرگشته کوی تو، از هر قیدی رستند و به محبت تو پیوستند، از جهان و جهانیان بیزارند و به عشق تو مفتون هوالله ای پاک یزدان محبوب مهربان، این یاران آشفته بوی

این حسرت زدگان افتد، ظلمت دیجور به نور تبدیل گردد و گلخن حرمان گلشن احسان گردد. توئی توانا و بینا و شنوا. پریشان، بدرقه عنایت بفرست و پیک هدایت تا بویی از کوی تو به مشام در آید و پرتوی از رویت در کلبه احزان کوی تو اند و پرجذبه در روی تو و گله آهوی تو، در بیابان هجران سرگشته و سرگردان هستیم و در وادی حرمان بنوشان و از جام الست سرمست نما، این بندگان والله و شیدای تو اند و این مشتاقان آشفته و پریشان تو، سرگشته بی نیاز، این دل‌ها را به راز خویش دمساز کن و از بیگانه و خویش بی نیاز فرما، از جام صبحی در صبح احدیت هوالاهی ای خداوید

:

جای ده و ارجمند فرما و در فلک غفران اختر تابان کن و در سایه درخت امید مسکن و مأوی بخش. توئی غفور و توانا. بنوشان، هر چند ظلمت نوب شدید است ولی مه تابان مغفرتت بس منیر. ای خداوند، این مستمند را در ایوان بلند است ولی به بخشش و احسانت متوسلیم. ای خدای پر عطا، خطا بیوش دریای رحمت به جوش آور و جام مغفرت و تو عفو عفار، هر چند موج گنه اوج گرفته است ولی به عفو و غفرانت معتمدیم و هر چند سیل عصیان در نهایت طغیان هوالاهی ای خداوند مهربان، ما گناهکاریم و تو آمرزگار و ما تبهکاریم

عالم نورانیت و روحانیت حکایت کنند تا جمیع ابواب از جمیع جهات بر وجوهشان گشوده گردند. ائک انت المقوی المقدر. شدتشان به رخا مبدل گردد و فقرشان به غنا، عزت ابدیه یابند و موهبت سرمدیه مظاهر تقدیس گردند و مطالع تنزیه از متخلق تا آیات توحید گردند و بینت اشراق نور رب فرید، سبب عزت امر تو گردند و علت بزرگواری قدر خود تا کن و خلق و خویشان را چون جیب نسیم صبا پر مشک و عنبر نما به صفات رحمانیت متصف کن و به اخلاق روحانیان موهبت بگشا، از هر آلودگی طیب و طاهر کن و از هر ناشایستگی آزادی بخش، قمیصشان چون پیرهن یوسف معطر هوالله ای پروردگار، آن مشتاقان را تجلی عنایت فرما و ابواب

ابدی جویند و ترویج وحدت عالم انسانی نمایند و صلح عمومی انتشار دهند. توئی کریم توئی معطی توئی مهربان. تا علم وحدت عالم انسانی بلند نمائیم و نورانیت آسمانی شرق و غرب را احاطه کند، جمیع احزاب متحد شوند و حیات دریا شود تره آفتاب گردد، اگر از الطافت محروم ماند از هر چیز بی بهره و نصیب شود، پس عنایت کن و مرحمت فرما دلالت کن، ضعیفیم قوت آسمانی رسان، فانی هستیم به عالم بقا در آر، محتاجیم و منتظر تأیید تو، اگر عنایتت رسد قطره و این نفوس متوجه به ملکوت تو، خدایا بندگانیم کرم عنایت کن، فقرانیم از کنز آسمانی بخش، نادانیم به حقایق اشیاء هوالله خداوید مهربانا، این جمع در ظل رحمت تو اند

:

فضل و جود مبذول دار و در این یوم مسعود تأیید مخصوص مشهود کن. توئی بخشنده و مهربان و درخشنده و تابان. قطره را موهبت بحر بخش و سزه را طراوت و لطافت شجره الخضر عطا فرما، کل باران تو اند و بندگان درگاه تو، از غیر خود بی‌آزار کن و به راز و نیاز دمساز فرما، مور حقیر را سلیمان اقلیم جلیل کن و تره فقیر را امیر اوج اثیر فرما، ملجأ و پناه و مجیر، تفحلت قدس از گلشن عنایت بفرست و ساحت دل‌ها را گلستان موهبت کن و چمنستان حقیقت نما، هوالاهی ای خداوید مهربان، این اسیران زنجیر محبتت را دستگیر شو و

:

نفس و هوی بسوز، ما را از شر نفس محفوظ و مصون بدار و در ظل حمایتت راحت و آسایش بخش توئی مقتدر و توانا. پروردگارا نظر به گناه منما به فضل و عنایتت معامله فرما، گناه ببخش عطا بفرما نذر محبت برافروز و پرده اوهام و به هم بیامزیم و سبب ظهور وحدت عالم انسانی گردیم، با دلی پاک و جانی تابناک مناجات کنیم و طلب حاجات نمائیم توجه به ملکوت تو نمودیم و آرزوی تأیید و توفیق می‌نمائیم تا با یکدیگر متحد شویم و متفق گردیم و مانند شهد و شیر هوالله پروردگارا مهربانا، نفوسی در این محفل روحانی در نهایت تبتل و تضرع حاضر شدیم و

AB07738

اول قصور این بی سر و سامان را ببخش پس گناه هر عاصی نادان. توئی بخشنده و مهربان و توئی آمرزنده و مستعان. را ببخش و از قصور این عاصیان در گذر، ننب این عبد، اعظم نوب و گناه این بی پناه، بزرگتر از کوه پر شکوه، است معامله فرما، غفران صفت جلیل است و عفو و صفح از اعظم نعوت آن خداوند مجید، پس گناه این بیچارگان را در لوح محفوظ ثبت مفرما و از رِق منشور محو کن، نظر به استحقاق و استعداد مفرما به آنچه شایان آستان رحمانیت هوالله پاک یزدانا، کل گناه‌کاریم و تو آمرزگار، جمیع جامع عیبیم و تو کاشف کروب، گناه این عاصیان

AB07984

را بنواز، درماندگان را درمان شو و آزمانگان را پناه و امان، از قصور در گنر و نوب ببخشا، تو ستاری تو آمرزگار. یابد جمالت بخوابند و بیارامند، توئی بخشنده و مهربان و توئی پاینده و رحمن. ای بی‌نیاز، مردگان را بیامرز و بازماندگان هر یک موجی در بحر عنایتند و هر یک درجی از لئالی هدایت، در سحرگاه با دلی آگاه بگیرند و بزارند و در شبانگاه به آستانند و این یاران از حرارت محبت شعله سوزان، به یابد تو چون بحر مواجند و در انجمن توحید چون سرلج وهاج، هوالله ای پروردگار ای مهربان، این دوستان معتکف

AB09279

خویش محفوظ و مصون دار، المطف بی پایان شامل کن و عنایات مخصوصه کامل فرما. توئی دهنده و بخشنده و دانا. نفوس را به هدایت کبری نفیس فرما، بخشش آسمانی مبذول کن و موهبت رحمانی شایان فرما و در کھف حفظ و حمایت فرما و نفوس را تأیید کن، روی‌ها را نورانی نما و خوی‌ها را گلزار و گلشن فرما، جان‌ها را به تفتلت قدس زنده کن و هوالله ای پروردگار، این جمع را شمع روشن

AB10593

المطف است و چنین جمع لایق فضل و موهبت بی پایان. توئی مقتدر و عزیز و توانا و توئی خداوند یکتا و بی همتا. عالم کن زیرا نیتشان خیر عمومی است و مقصدشان خدمت به عالم انسانی. ای خداوند مهربان، چنین انجمن سزاوار هوالله ای پروردگار، این انجمن را روشن نما و این جمع را شمع

AB10874

ما گناه‌کاریم ما خطا کاریم ما غافلیم ما ناهلیم، تو عقی تو غفوری تو بزرگواری تو آمرزگاری، انک انت المواب المستار. ای پروردگار، خطیئات این نفوس را عفو کن و سیئات این ذلیلان را ستر نما، تو واقفی تو علمی تو مطلعی تو آگاهی،

AB11169

کن و جانشان را سبحانی نما تا در جمیع مراتب به آنچه لایق این یوم عظیم است قیام نمایند و موفق به رضای تو شوند. هوالله ای خداوند بی‌همتا، این نفوس را سرا یا نورانی و قلوبشان را رحمانی

باقي بِكَ يا فَتَاحَ بَكَ يا تَجاوِجَ اَنْتَ الكافي وَ اَنْتَ المُشافي وَ اَنْتَ الباقي يا باقي بِكَ يا حَبيبُ بَكَ يا طيِّبُ
وَ اَنْتَ المُشافي وَ اَنْتَ الباقي يا باقي بِكَ يا سُبُوخَ بَكَ يا قَدوسَ بَكَ يا تَروُّهُ اَنْتَ الكافي وَ اَنْتَ المُشافي وَ اَنْتَ الباقي يا
اَنْتَ الكافي وَ اَنْتَ المُشافي وَ اَنْتَ الباقي يا باقي بِكَ يا نَكرًا لِالأَعمَظِ بِكَ يا اَسَمَ الاكْرَمِ بِكَ يا رِسمَ الاقْدَمِ اَنْتَ الكافي
يا جانَ بِكَ يا جانانَ بِكَ يا اِيمانَ اَنْتَ الكافي وَ اَنْتَ المُشافي وَ اَنْتَ الباقي يا باقي بِكَ يا ساقِي بِكَ يا عالِي بِكَ يا عالِي
وَ اَنْتَ الباقي يا باقي بِكَ يا كاشِفَ بَكَ يا نايِشِفَ بَكَ يا عاِطِفَ اَنْتَ الكافي وَ اَنْتَ المُشافي وَ اَنْتَ الباقي يا باقي بِكَ
اَنْتَ الكافي وَ اَنْتَ المُشافي وَ اَنْتَ الباقي يا باقي بِكَ يا غياثَ بَكَ يا مُستَعاثَ بَكَ يا تَفاثَ اَنْتَ الكافي وَ اَنْتَ المُشافي
عَظوفَ بَكَ يا رُؤوفَ بَكَ يا لَطوفَ اَنْتَ الكافي وَ اَنْتَ المُشافي وَ اَنْتَ الباقي يا باقي بِكَ يا مَلاذِ بَكَ يا مَعاذَ بَكَ يا مُستَعاذَ
الباقي يا باقي بِكَ يا مَحفوظَ بَكَ يا مَحظوظَ بَكَ يا مَلحوظَ اَنْتَ الكافي وَ اَنْتَ المُشافي وَ اَنْتَ الباقي يا باقي بِكَ يا
الكافي وَ اَنْتَ المُشافي وَ اَنْتَ الباقي يا باقي بِكَ يا عَظومَ بَكَ يا قَدومَ بَكَ يا كَرومَ اَنْتَ الكافي وَ اَنْتَ المُشافي وَ اَنْتَ
بَكَ يا فاضِلَ بَكَ يا بِلدَل اَنْتَ الكافي وَ اَنْتَ المُشافي وَ اَنْتَ الباقي يا باقي بِكَ يا قِيومَ بَكَ يا كَريمَ بَكَ يا عَلمَ اَنْتَ
اَنْتَ الباقي يا باقي بِكَ يا جَليلَ بَكَ يا جَميلَ بَكَ يا فَضيلَ اَنْتَ الكافي وَ اَنْتَ المُشافي وَ اَنْتَ الباقي يا باقي بِكَ يا عَدلَ
سايِعَ اَنْتَ الكافي وَ اَنْتَ المُشافي وَ اَنْتَ الباقي يا باقي بِكَ يا نَفقَ بَكَ يا مَلئعَ بَكَ يا صائِعَ اَنْتَ الكافي وَ اَنْتَ المُشافي وَ
باقي بِكَ يا طالِعَ بَكَ يا جالِعَ بَكَ يا رايِعَ اَنْتَ الكافي وَ اَنْتَ المُشافي وَ اَنْتَ الباقي يا باقي بِكَ يا بليغَ بَكَ يا فارِعَ بَكَ يا
وَ اَنْتَ المُشافي وَ اَنْتَ الباقي يا باقي بِكَ يا صائِعَ بَكَ يا قايِعَ بَكَ يا قايِعَ اَنْتَ الكافي وَ اَنْتَ المُشافي وَ اَنْتَ الباقي يا
بِكَ يا غالِبَ بَكَ يا ولَهَبَ اَنْتَ الكافي وَ اَنْتَ المُشافي وَ اَنْتَ الباقي يا باقي بِكَ يا قايِدَ بَكَ يا ناصِرَ بَكَ يا سايِرَ اَنْتَ الكافي
الباقي يا باقي بِكَ يا مَعمورَ بَكَ يا مَشهورَ بَكَ يا مُستورَ اَنْتَ الكافي وَ اَنْتَ المُشافي وَ اَنْتَ الباقي يا باقي بِكَ يا غائِبَ
اَنْتَ الكافي وَ اَنْتَ المُشافي وَ اَنْتَ الباقي يا باقي بِكَ يا رُوحَ بَكَ يا ثورَ بَكَ يا ظَهورَ اَنْتَ الكافي وَ اَنْتَ المُشافي وَ اَنْتَ
يا عَزيزَ بَكَ يا نَصيرَ بَكَ يا قَديرَ اَنْتَ الكافي وَ اَنْتَ المُشافي وَ اَنْتَ الباقي يا باقي بِكَ يا حاكِمَ بَكَ يا قايِمَ بَكَ يا عالِمَ
وَ اَنْتَ الباقي يا باقي بِكَ يا مَعشوقَ بَكَ يا مَحبُوبَ بَكَ يا مَجذُوبَ اَنْتَ الكافي وَ اَنْتَ المُشافي وَ اَنْتَ الباقي يا باقي بِكَ
اَنْتَ الكافي وَ اَنْتَ المُشافي وَ اَنْتَ الباقي يا باقي بِكَ يا رَحمنَ بَكَ يا عَظمانَ بَكَ يا قَدرانَ اَنْتَ الكافي وَ اَنْتَ المُشافي
بِكَ يا قَديسانَ بَكَ يا مُستَعاينَ اَنْتَ الكافي وَ اَنْتَ المُشافي وَ اَنْتَ الباقي يا باقي بِكَ يا حَكيمَ بَكَ يا عَظيمَ
وَ اَنْتَ الباقي يا باقي بِكَ يا أَحَدَ بَكَ يا صَمَدَ بَكَ يا قَرَدَ اَنْتَ الكافي وَ اَنْتَ المُشافي وَ اَنْتَ الباقي يا باقي بِكَ يا سُبْحانَ
بَهيَّ اَنْتَ الكافي وَ اَنْتَ المُشافي وَ اَنْتَ الباقي يا باقي بِكَ يا سُلطانَ بَكَ يا رَفاغانَ بَكَ يا كَيانَ اَنْتَ الكافي وَ اَنْتَ المُشافي
بِسمِ اللّهِ الامْتَنعِ الاقْدِسِ الافرِجِ الابهى بِكَ يا عَليَّ بِكَ يا وَهِيَّ بِكَ يا

ABU0009SER

مورسی ملجا و پناه باش و در هر مقصدی معین و مستعان گرد. توئی مقتدر و توانا و توئی دهنده و شنونده و توانا و بینا.
را وجود بخشیدی، تشنگان را آب گواری دلمی و گرسنگان را سفره مهنا گستریدی و نعمت مهیا رایگان نمودی، پس در هر
هوالله ای پروردگار، این آوارگان را به سلیه خویش در آوردی و سر و سامان دلمی، نیستی را هستی دلمی و نابود

BH05849

ثم اجعلهم من الذين طافوا حولك و يطوفون حول عرشك في كل عالم من عوالمك انك انت المقتدر العليم الخبير.
وصالك اسالك يا ملك الملوك و راجم المملوك ان تقدر لهم خيرا لدنيا و الآخرة ثم اكتب لهم ما لا عرفه احد من خلقك

انزلته في اللوايحك اى رب اشريهم من يد عطائك كوتر بقائك ثم اكتب لهم اجر من انعمس في بحر لقايتك و فاز يرحيق
كتابتك بقوتك و عملوا ما امرؤا به من عندك و اختاروا ما نزل لهم من لدنك اى رب ترى ائهم اقروا و اعترفوا بكل ما
مقاماً لدى ظهور نور وجهك اى رب اولئك عباد ما منعمهم الهوى عما انزلته فى كتابك قد خضعت اعناقهم لامرك و اخذوا
اى رب اسألك بتلك الايام و الذين تمسكوا فيها بحبل اولمرك و عزوة احكامك بان تجعل لكل نفس مقراً فى جوارك و
سميتها بايام الهاء فى كتابك يا ملك الاسماء و تقربت ايام صيامك الذى فرضته من قلمك الاعلى لمن فى ملكوت الانشاء
قوله تعالى: بسمي الاعظم يا الهى و نارى و تورى قد نخلت الايام التى

BH09364

الملك فى هذا اليوم المقدس المحمود لتشكر الله ربك و تذكره بذكر يتتبه به اهل المرقود . حضرت بهاء الله رساله
انا المقتدر على ما كان و ما يكون طوبى لمن عمل بما امر من لدى الله و ويل لكل غافل مريبود . انا نزلنا الآيات و ارسلناها
ثم لعرفوا قدرها لانها تحكى عن هذا الاسم الذى به سخر الله الغيب و المشهود . انا جعلناها قبل الصيام فضلاً من عندنا و
هذه ايام الهاء و امرنا الكل ان ينفقوا فيها على انفسهم و على الذين توجهوا الى هذا المقام المرفوع ان اتكروا الله فيها
قوله تعالى: هو الاقدس الاعظم الابهى سبحان الذى اظهر نفسه كيف اراد . انه لهو المقتدر المهيمن القيوم

BH10688

تحفظنى بجدتك و فضلك ثم ارجعنى الى محلى بحولك و قوتك انا انت المقتدر المهيمن القيوم . حضرت بهاء الله
و حراستك اسألك بقدرتك التى بها حفظت اوليائك من كل نى عقلة و نى شرارة و كل ظالم عنيد و كل فاجر بعيد بان
فى حين الخروج عن المدينة قل الهى الهى خرجت من بيتى متعصماً بحبل عنايتك و اودعت نفسى تحت حفظك
هو الله تعالى شأنه العظمة و الاقدار يا ايها المتكور لدى المظلوم

BH00987

اصفياؤك و اعترف بما اعترف به اهل المرفودوس الاعلى و الذين طافوا غرشك العظيم الملك و الملكوت لك يا الله العالمين .
تسألك بان تحفظنا من جنود الظنون و الالوهام ، انا انت العزيز العلام . ثم يرفع رأسه يقعد ويقول : اشهد يا الهى بما شهد به
ثلاث مرات ويسجد ويقول : لك الحمد يا الهنا بما انزلت لنا ما يقر بنا اليك و يرزقنا كل خير انزلته فى كتابك و زيارتك اى رب
و اسرار جبروتك بان تعمل باوليائك ما يتبقي لجدتك يا ملك الموجود و يليق لفضلك يا سلطان الغيب و المشهود ثم يكبر
ان ترتفع الى سماء كرمك ، ترى يا الهى عبراتي تمنعني عن المنكر و المثناء يا رب العرش و المثرى ، اسألك بايات ملكوتك
يتوب كيني و يغلي الدم فى عروقي ، و جملك يا مقنود العالم ان الوجه يستحي ان يتوجه اليك و ايلدي المرجاء تخجل
لسان عظمتك . ثم يقوم ويقول : الهى الهى عصباني انقض ظهري و عقلي اهلكني كلما اتفكر فى سوء عملي و حسن عملي
بما ايدتني على تكرك و ثنائك و عزقتني مشرق آياتك و جعلتني خاضعاً لربوبيتك و خاشعاً لالهيتك و معتزلاً بما نطق به
تسملت فجر ظهورك بان تقدر لي زيارة جملك و العمل بما فى كتابك . ثم يكبر ثلاث مرات و يركع ويقول : لك الحمد يا الهى
الهلكني و بعدك احرقني ، اسألك بموطى قدميك فى هذا البئداء و بئنيك لبيك اصفياؤك فى هذا الفضاء و بتفحلت و حيك و
اجترحتي ابعديني عن التقرب اليك و جريباتي منعتني عن المورود فى ساحة قدسك ، اى رب حُبك اضلاني و هجرتك
ويقول : يا الله الموجود و ملك الغيب و المشهود ترى عبراتي و زفرايتي و تسمع ضجيجي و صرخي و حنين فؤادي ، و عزتك

الكاف بركينه الثون، أشهد أنه هو المسطور من القلم الأعلى والمذكور في كتب الله رب العرش والثرى. ثم يقوم مستقيماً لسان العظمة من الأفق الأبهى أنك أنت الله لا اله الا انت والذي ظهر انه هو السر المكنون والمرمز المخزون التي به اقترب عن الأسماء لا اله الا أنت العلي الأبهى. ثم يقعد ويقول: أشهد بما شهدت الأشياء والأمل الأعلى والجنة العليا وعن ورائها سماء قريك أنكار المقربين أو أن تصل الى فناء بابك طيور أفندي المخلصين، أشهد أنك كنت مقدساً عن المصفت و متزهاً يا فاطر السماء. ثم يرفع يديه ثلاث مرات ويقول: الله أعظم من كل عظيم. ثم يسجد ويقول: سبحانك من أن تصعد الى باب قضيك والفاني يزيد كوتر البقاء من ايلدي جودك لك الأمر في كل الأحوال يا مولى الأسماء ولي التسليم والرضاء ملي وشأني لأقوم لى بلب مدين قريك أو اتوجه الى الأنوار المشرقة من أفق سماء ارايتك، اي رب ترى المسكين يقرع الحاكم في المبدء والمآب، المهى الهى عقوك شجعني ورحمتك قوتني ونداؤك أيقظني وقضلك أقامني وهداني اليك والا وابرار قدرتك واقتدارك. ثم يقوم ويرفع يديه للقبول مرة بعد أخرى ويقول: لا اله الا انت العزيز الوهاب، لا اله الا انت وجبروت علمك، اي رب أحب ان أسألك في هذا المقام كل ما عندك لإثبات فقري واعلاء عطائك وغنائك واظهار عجزتي روحي مهتزاً في جولرخي واركني شوقاً لعبادتك وشغفاً لذكرك وتنائك ويشهد بما شهد به لسان أمرك في ملكوت بيبائك في حكمك والمختار في أمرك. ثم يرفع يديه ويكرر ثلاث مرات ثم يتحنى للركوع لله تبارك وتعالى ويقول: يا الهى ترى قصد بحر غفرائك والمنديل بساط عذك والمفقير أفق غنائك، لك الأمر فيما تشاء. أشهد أنك أنت المخفود في فعلك والمطاع تمنعني عما عندك يا مالك للرقاب، اي رب ترى العزيز سرح الى وطنه الأعلى ظل قلب عظيمك وجوار رحمتك والمعاصي يا من في فرايق نابت القلوب والأكباد وبنار حبك اشتعل من في البلاد، أسألك باسمك التي به سخرت الآفاق بان لا كوتر الحيوان ليبقى به ذاتي بدولم سلطنتك ويذكرك في كل عالم من عوالمك. ثم يرفع يديه للقبول مرة أخرى ويقول: ثم يسجد ويقول: سبحانك من أن توصف بوصف ما سواك أو تعرف يعرفان ذنوبك. ثم يقوم ويقول: اي رب فاجعل صلاتي بل الى ارايتك التي أحاطت السموات والأرض، واسمك الأعظم يا ملك الأمم ما أزدت الا ما أزدته ولا أحب الا ما تحب المقدسة عن المتكر والمثناه كل ما يظهر من عندك هو مقصود قلبي ومحبوب فؤادي، الهى الهى لا تنظر الى آمالي وأعمالي مشيتك و ارايتك و ما أريد الا رضائك، أسألك ببحر رحمتك وشمس قضيك بان تفعل بعهدك ما تحب وترضى وعزتك عما سواك متمسكا بحبلك التي بحركته تحركت الممكناات، اي رب لنا عندك وابن عندك أكون حاضراً قائماً بين ايلدي الى بحر وصلك. ثم يرفع يديه للقبول لله تبارك وتعالى ويقول: يا مقصود العالم ومحبوب الأمم تراني مقبلاً اليك منقطعاً أسألك بمطالع غيبك العلي الأبهى بان تجعل صلاتي ناراً لتحرق حُجباتي التي تمنعني عن مشاهدة جملك ونورا يدلني واستقر في مقامه ينظر الى اليمين والشمال كمن ينتظر رحمة ربه الرحمن الرحيم ثم يقول: يا الله الأسماء و فاطر السماء صلوات كبير صلوات كبير كه تلاوت أن در شب و روز يك بار كفى است للمصلي أن يقوم مقبلاً الى الله وانا قام

. اي خداوند مهربان، اين اقتراان را اسباب توليد تر و مرجان فرما، انك انت المقتدر العزيز الغفور الرحمن الرحيم. بر ساحل وجود ريزد. مَرَجَ الْبُحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ فَبِئْسَ آلَاءُ رَبِّكُمَا تَكْتُمِبَانِ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ و وسيله حصول فيض جاودان فرما تا از اجتماع آن دو بحر محبت، موج الفت بر خيزد و لئالی سلاله نجيبه مقدسه و ما خلقت الجن و الإنس إلا ليغبنون ، حال اين دو مرغ آشيانه محبتت را در ملكوت رحمائيتت عقدا اقتراان ببند يابد و همواره تا جهان باقى به عبوديت و عبادت و پرستش و ستايش و نيايش درگاه احديتت مشغول و مألوف گردند هوالله اي خداوند بيمانند، به حكمت كبراييت اقتراان در بين اقراان مقدر فرمودى تا سلاله انسان در عالم امكان تسلسل

تؤدى يومياً في الصباح والمساء

على أوليائك الذين ما منعهم شئون الخلق عن الإقبال إليك وأنفقوا ما عندهم رجاء ما عندك. إنك أنت المغفور الكريم. قد أظهرت أمرك ووفيت بعهدك وفتحت باب فضلك على من في السموات والأرضين. والصلاة والسلام والتكبير والمبهاة بأذيال رحمتك وفضلك يا أرحم الراحمين. ثم يقعد ويقول: أشهد بوحدايتك وفردانيتك وبأنك أنت الله لا إله إلا أنت دوني ووصفي ووصف من في السموات والأرضين. ثم يقوم للقنوت ويقول: يا إلهي لا تخيب من تشبث بأنامل الرجاء الملك والمملوك والمعزة والمجربوت لله مولى المورى ومالك العرش والثرى. ثم يركع ويقول: سبحانك عن نكري ونكر الظهور ومكلم الطور الذي به أنار الأفق الأعلى ونطقت سدرة المنتهى وارتفع النداء بين الأرض والسماء قد أتى المالك التوجه إلى غيرك. وبعد له أن يقوم متوجهاً إلى القبلة ويقول: شهد الله أنه لا إله إلا هو. له الأمر والخلق. قد أظهر مشرق ملكها. إنك أنت المقتدر القدير. وفي حين غسل الوجه يقول: أي رب وجهت وجهي إليك. توره بأناوار وجهك ثم احفظه عن حين الغسل يقول: إلهي قو يدي لتأخذ كتابك باستقامة لا تمنعها جنود العالم ثم احفظها عن التصرف فيما لم يدخل في ومن أراد أن يصلي له أن يغسل يديه وفي

حضرت یزدانی دل‌هاشان لاله زار و گلشن، هر یک در امرالله عَلم مبین گردند و در استقامت بر عهد و پیمان. حصن ممتین. محبت الله چون شعله سوزان باشند و در فرقت جلال مَنان ابری گریان، به وفای الهی رویشان روشن گردد و به عنایت و مشرق انوار و مظهر المظالم رب مختار، در ملا مقربین محشور گردند و در زمرة مخلصین معدود و معروف، از حرارت داری پر بار گردند و گلزاری با نفلت مشکبار، امواج دریلی آثار قدم شوند و نسائم گلشن اسم اعظم، مهبط المهام باشند رحمت باشند و اشعه آفتاب افق حقیقت، لسانی ناطق گردند و فضلی سابق شوند، چشمی بینا باشند و گویی شنوا، سماء وجود چون انجم هدایت بدرخشند و در انجمن عالم چون چراغ‌های محبت الله روشن و منور گردند، امطار غمام صحرای محبت را در کف منیع و ملاذ رفیع حفظ و حراست منزل و مأوی احسان کن تا به عون و فضل و جودت در در شاخسار سدره منتهی پناه عنایت فرما و این ماهیان لجه توحید را در بحر اعظم عنایت غوص ده و این بی سامانان هوای الهی ای پروردگار آمرزگار، این مرغان بی آشیان را در حقیقه ثبات و استقامت

بوزد و شمیم احسان مرور نماید، مشامها معطر گردد، رویها متور شود. توئی بخشنده و مهربان و درخشنده و تابان. پرتو موهبت بیفزاید، شمع غفران بر افروزد و پرده عصیان بسوزد، صبح امید تمد، ظلمت نومید زائل گردد، نسیم المظالم رهیم و متضرع در هر صبحگهیم، ای بزرگوار، خطا بیوش و عطا ببخش، وفا بفرما، صفا عنایت کن تا نور هدایت تابد و هو الله ای یزدان مهربان، سرا پا گنهییم و خلیک

تو گرم و رسوائیان کوی تو، این موهبت را شایان فرما و این عنایت را رایگان کن. توئی پروردگار و توئی آمرزگار. و از مادونت در کنار ای پروردگار، موفق بدار تا از سودائیان تو گرم و از شیدائیان تو شوم، سر دفتر مجنونان روی و فغانی نکنم و جز در پناه احدیت امن و امان نجویم، بیزار از هر بیگانه‌ام و به یگانگی تو دل بسته‌ام، از غیر تو بیزارم میثاق راهی و کامی نجویم، شب و روز دردمند درد توالم و روز و شب مجروح تیغ و خدیگ تو، جز به ملکوت ابهائیت ناله هواللهی ای خداوند، تو شاهد و آگاهی که در دل و جان جز آرزوی رضای تو مرا می ندارم و جز در بزم

مستقیم بدار و این مرغ بی پر و بال را در آشین رحمانی خود و در شاخسار روحانی خویش مسکن و مأوی عطا فرما. پس ای پاک یزدان من، این بنده پر شور و شیدا را در پناه خود پناهی ده و بر دوستی خویش در عالم هستی ثابت و که به عواطف رحمائیت موفق بحریست بی‌اکران و هر تراهالی که به پرتو عنایت مؤید آفتاب‌یست درخشنده و تابان، المطف بی‌انهائیت روشن و باز و در سحر گاهی این جان و دل پژمرده به یاد جمال و کمال خرم و دمساز، هر قطره‌الی جز تو نجسته و نجویم و به غیر از سبیل محبت راهی نیموده و نیویم، در شبان تیره نومی دیدم به صبح امید هوالحق المقیوم الهی تو بینا و آگاهی که ملجأ و پناهی

را به غزلخوانی بخوان و حقایق و معانی تعلیم ده. توئی پروردگار توئی کردگار توئی مجلی طور در کشور انوار. بارین موهبت بیار، چمن هدایت بیار، ریاحین معانی انبات کن و سلطان گل را تلج موهبت بر سر نه و بلبلان روحانی دیده اهل بصیرت روشن کن، آهنگ ملکوت ابهی به‌گوش رسان و هر دلتنگ عالم آدنی را خوشوقت کن، ابر رحمت بفرست، کن تغمات قدس بفرست و محافل انس معطر نما، فیض قدیم مبنول دار و فوز عظیم شایان نما، نور حقیقت جلوه ده هوالله ای پروردگار، به جنود ملاً اعلی نصرت نما و به جیوش ملائکه محبت و صفا اعانت

گلزار نما تا بوی خوی خوشش جان‌پرور گردد و پرتو رویش افزون از ماه و اختر. توئی مهربان و توئی بخشنده و توانا. کن، سرور آستان نما و افسر جهان بالا بر سر نه، رویش را بدرخشان و گوهرش را بیفشان، جانش را مشکبار کن و دلش را یزدان پاک، این بنده دیرین را اندوهگین مخواه، شادمانی آسمانی بخش و قر یزدانی بده، ستاره روشن نما و گل گلشن هواللهی الالهی ای

بوزد و شمیم احسان مرور نماید، مشامها معطر گردد، رویها متور شود. توئی بخشنده و مهربان و درخشنده و تابان.

پرتو موهبت بيفزايد، شمع غفران بر افروزد و پرده عصيان بسوزد، صبح اميد نمد، ظلمت نوميد زائل گرديد، نسيم المظاف رهيم و متضرع در هر صبحگهيم، اى بزرگوار، خطا بيوش و عطا بيخش، وفا بفرما، صفا عنايت كن تا نور هدايت تابد و هوالله اى يزدلان مهربان، سرا پا گنهيم و خاك

AB00527

فضلك و موهبتك ثم اقبل منا يا محبوبنا ما عملناه فى سبيلك . انك انت المقتدر المتعالى المفرد الواحد القفور العظوف . بان لا ترجعها الا بكنوز عطائك و احسانك . اى رب فاكتب لنا و لابائنا كلمة الغفران ثم اقض لنا ما اردناه من طمطم على ما كان و ما يكون . لا اله الا انت المهيمن القيوم . اى رب ترى ايلالى المرءة مرتفعة الى سماء جودك و كرمك اسالك ارواحنا فى جبروتك و اسمائنا فى ملكوتك و اجسادنا فى كنايز حفظك و اجسامنا فى خزائن عصمتك . انك انت المقتدر سبحانه رحمتك ليظهرنا عن ذكر غيرك و يقربنا الى شاطى بحر فضلك . اى رب فاكتب لنا من قلمك الاعلى ما يبقى به باعلى المنداء فى ملكوت الانشاء ويدعوا الكل الى سدرية المنتهى و المقام الاقصى . بان تنزل علينا و على عبادك من امطار النفس و الهوى و تؤيدهم على ما ينفعهم فى الاخيرة و الاولى . اى رب اسالك باسمك المكنون المخزون الذى يناسى و احاطتهم المباساء و المضراء بما اعرضوا عن المورى و اقبلوا الى الافق الاعلى . اى رب اسالك بان تحفظهم من شئوننا لندائك الاحلى الذى ارتفع من المقام الاعلى باسمك الابهى . اى رب فانصر لحيبتك اللذين تبذوا ما عندهم رجاء ما عندك من سماء مشيتك . اى رب ترى غيوتهم ناظرة الى افق عنايتك و قلوبهم متوجهة الى بؤهور المطلق و اصولهم خاشعة فارحم يا الله العالم و مالك المقدم و سلطان الامم . عبادك اللذين تمسكوا بحبل اولمرك و خضعوا عند ظهورك احكامك ايامك و لا تمنعهم عن رشحات بحر رضائك . اى رب قد شهدت الترات بقدرتك و سلطتك و الايات بعظمتك و اقتدارك يا من بيدك زمام الممكنات و فى قبضتك ملكوت الاسماء و المصفاة بان لا تحرم عبادك عن امطار سبحانه رحمتك فى بامرك و ارايتك و يقومون فى الاسرار لذكرك و ثنائك رجاء ما كنز فى كنايز فضلك و خزائن جودك و كرمك . اسالك هو العزيز المنان يا الله الرحمن و المقتدر على الامكان ترى عبادك و ارقائك اللذين يصومون فى الايام

BH02198

اى پروردگار مرا ثابت دار تا در سبيلت دليل متخيرين گردم و در طريقت هادى هر طالب كليل . توئى مقتدر و توانا . و ظهير گشتى و افتاده الى را مجير و دستگير . ستايش و نيابيش تو را سزاوار كه بزرگوارى و معين و مجير هر نيكوكار هوالابهى اى محبوب يكتا اى مقصود بى اهمتا، عون و عنايت فرمودى و صون و حمايت نمودى، بيجاره الى را معين

BH11209

الهي . الهي

لعرفانك و عبادتك . أشهد في هذا الحين بعجزى وقوتك وضعفى واقتدارك وفقري وغنائك . لا إله إلا أنت المهيمن القيوم . أشهد يا إلهي بأنك خلقتني

AB02326

ده و این افتادگان را در کھف حفظ و حمایت خویش از شرّ اهل نفاق محفوظ دار. ائنت الحافظ المقتدر العزیز المقدير.
ای پروردگار بی انباز، مقدسی و منزّه، رحیمی و مهربان، مجیری و دستگیر، این بیچارگان را در پناه خود منزل
هوالبھی

AB00044PRO

موفق گردیم و مانند ستاره‌های روشن در این اقالیم بنور هدایت بدرخشیم. توئی مقتدر و توانا و توئی عالم و بینا. ع. ع.
و محرومان محرم راز شوند پروردگارا بعین عنایت نظر نما تأییدی آسمانی فرما نفثات روح القدس مبذول دار تا بخدمت
و دیده بمشاهده انوار روشن نمایند از ظلمات جهالت برهند و طائف حول سراج هدایت گردند بی‌انصیبان نصیب برند
توئیم در ره تو قدم نهادیم و مقصد و آرزویی جز نشر نجات تو نداریم تا نفوس فریاد اهدنا المصراط المستقیم برآرند
فرمودی پروردگارا جمعی هستیم بندگان تو و فقیران تو دور افتاده‌ایم مشتاقان تو تشنه چشمه توئیم و دردمند درمان
تشنگانرا بچشمه هدایت دلالت کرمی ماهیان لب تشنه را بدریای حقیقت رساندی و مرغان آواره را بگلشن عنایت دعوت
فرمودی کوران بینا نمودی و کران شنوا کرمی مردگان زنده فرمودی و فقیران اغنیا کرمی گمراهان را راه بنمودی و
پروردگار مهربانا شکر ترا شاهراه هدایت بنمودی و ابواب ملکوت بگشودی و بواسطه شمس حقیقت تجلی

AB00001FIR

منما و به ملائکه مقربین کل را مدد فرما، تا به استقامت تمام این دو یوم را در خدمتت صرف نمایند توئی قادر و توانا.
المھی المھی دوستانت را از بحر کرمت محروم

BH02022

اللّٰهُ الْمَلِکُ الْجَمِیلُ مِنَ الذِّنِّ هُمْ آمَنُوا بِاللّٰهِ وَ بِالذِّنِّ یَبْعَثُهُ اللّٰهُ فِی یَوْمِ الْقِیَمَةِ وَ کَانُوا عَلٰی مَنَهِجِ الْحَقِّ لِمَنْ الْمَسْلُکِیْنَ
وَ یَکْشِفُ ضُرَّهُ وَ یَقْرُجُ کَرْبَهُ وَ اِنَّهُ لَهُو الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ وَ الْمُحْمَدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ ثُمَّ تَکْرَمُ لِنَنَا کُلَّ مَنْ سَکَنَ فِی مَدِیْنَةِ
وَ رَحْمَةً مِنْ لِنَنَا لِنَتَّوْکُنْ مِنَ الْمَشَکَرِیْنَ قُوَ اللّٰهُ مَنْ کَانَ فِی شِدَّةٍ اَوْ حُزْنٍ وَ یَقْرُوْهُ هَذَا الْمَلُوْحُ بِصِدْقٍ مُّبِیْنٍ یَرْفَعُ اللّٰهُ حُرَّتَهُ
اَیْلَمَکَ وَ لَا تَکُنْ مِنَ الْمَصْیْبِیْنَ فَانَ اللّٰهُ قَدْ قَدَّرَ لِقَارِنِهِ اَجْرَ مِائَةِ شَهِیْدٍ ثُمَّ عِبَادَةُ الْمُتَقَلِّیْنَ کَذٰلِکَ مَنَّا عَلَیْکَ بِفَضْلِ مِنْ عِنْدِنَا
فَقَدْ اَعْرَضَ عَنِ الْمُرْسَلِ مِنْ قَبْلِ تَمَّ اسْتَكْبَرَ عَلٰی اللّٰهِ فِی اَزْلِ الْاَزَالِ اِلٰی اَیْدِ الْاَبْدِیْنَ فَاحْفَظْ یَا اَحْمَدُ هَذَا الْمَلُوْحُ ثُمَّ اَقْرَاهُ فِی
الْمُظَنُّوْنَ بَیْنَهُمْ وَ قُلُوْبِهِمْ وَ تَمَنَّعَهُمْ عَنْ سُئْلِ اللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ وَ اِنَّکَ اَنْتَ اَیْقَنَ فِی ذٰلِکَ بِاَنَّ الَّذِیْ اَعْرَضَ عَنْ هَذَا الْجَمَلِ
وَ لَیْسَ لَهُمْ مِنْ بَصْرِ لَیَعْرِفُوْا اللّٰهُ یُعْیُوْنَهُمْ اَوْ یَسْمَعُوْا تَعْمَلٰتِهِ بِاَذَانِهِمْ وَ کَذٰلِکَ اَشْهَدْنَاهُمْ اِنْ اَنْتَ مِنَ الْمَشْهَدِیْنَ کَذٰلِکَ حَالَتْ
فِی سَبِیْلِ اَوْ الْمَثَلَةِ لِاَجْلِ اَسْمٰی لَا تَضْطَرِبْ فَتَوَکَّلْ عَلٰی اللّٰهِ رَبِّکَ وَ رَبِّ اَبْلَکَ الْاَوَّلِیْنَ لِاَنَّ النَّاسَ یَمْشُوْنَ فِی سُئْلِ الْمُوْهِمِ
مَنْ فِی الْمَسْمُوْمَاتِ وَالْاَرْضِیْنَ وَ کَنْ کَشَعْلَةَ النَّارِ لِاَعْدَائِیْ وَ کَوْتِرَ الْبِقَاءِ لِاَحْبَائِیْ وَ لَا تَکُنْ مِنَ الْمَمْتَرِیْنَ وَ اِنْ یَمْسَکَ الْمُحْزَنُ
وَ غَرِبْتِ فِی هَذَا الْمَسْجِنِ الْمُبْعِدِ وَ کَنْ مُسْتَقِیْمًا فِی حُبِّیْ بَحِیْثَ لَنْ یُحَوَّلَ قَلْبُکَ وَ لَوْ تَضْرَبُ بِسُیُوفِ الْاَعْدَاءِ وَ یَمْنَعُکَ کُلَّ
وَ لَنْ یَسْتَطِیْعُوْا وَ لَوْ یُکُوْنُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِیْرًا اِنْ یَا اَحْمَدُ لَا تَنْسَ فَضْلِیْ فِیْ غَیْبَتِیْ ثُمَّ تَکْرُ اَیْمًا فِیْ اَیْلَمَکَ ثُمَّ کَرْبَتِیْ
یَا قَوْمِ اِنْ تَکْفُرُوْا بِهِنَّ الْاٰیٰتِ فَبَآئِ حُجَّةَ اَمْتُمْ بِاللّٰهِ مِنْ قَبْلِ هَاتُوْا بِهَا یَا مَلَا الْمَکَلَذِیْنَ لَا قَوْلَ لِذِیْ نَفْسِیْ یَبِیْهَ لَنْ یَقْدُرُوْا
فِی هَذَا الْمَسْجِنِ وَ مَا عَلَیْهِ اِلَّا الْمُبَالِغُ الْمُبِیْنُ قَمَنْ شَاءَ فَلِیْ عَرَضَ عَنْ هَذَا النُّصِیْحِ وَ مَنْ شَاءَ فَلِیْ یَتَّخِذْ اِلٰی رَبِّهِ سَبِیْلًا قُلْ
فِی الْبِیْاٰنِ مِنْ لَدُنْ عَزِیْزٍ حَکِیْمٍ قُلْ اِنَّهُ لَسُلْطٰنُ الْمُرْسَلِ وَ کِتٰبُهُ لَأَمْ الْکِتٰبِ اِنْ اَنْتُمْ مِنَ الْعٰرِفِیْنَ کَذٰلِکَ یُنذِرُکُمْ النُّوْرُقَاءُ

وَ الَّذِي ارْسَلْتَهُ بِاسْمِ عَلِيٍّ هُوَ حَقٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ اَنَا كُلُّ يَوْمٍ بِأَمْرِهِ لِمَنْ الْعَالَمِينَ قُلْ يَا قَوْمِ فَاتَّبِعُوا حُدُودَ اللَّهِ الَّتِي فُرِضَتْ
الَّذِي اَثَمَرَ بِفَوَائِكِهِ اللَّهُ الْعَلِيِّ الْمُقْتَدِرِ الْعَظِيمِ اَنْ يَا أَحْمَدُ فَاشْهَدْ بِأَنَّهُ هُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ السُّلْطَانُ الْمَهِيْمُنُ الْعَزِيْزُ الْقَدِيْرُ
هَذَا لَمَنْظَرِ الْاَكْبَرِ الَّذِي سَطَرَ فِي الْمَوَاجِ الْمُرْسَلِيْنَ وَ بِهِ يُقْصَلُ الْحَقُّ عَنِ الْبَاطِلِ وَ يُفْرَقُ كُلُّ اَمْرٍ حَكِيْمٍ قُلْ اِنَّهُ لَشَجَرُ التَّرْوِجِ
بِهَذَا النَّبْأِ الَّذِي فُصِّلَ مِنْ نَبْأِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْعَزِيْزِ الْمُفْرِيْدِ وَ تَهْدَى الْمُحْبَبِيْنَ اِلَى مَقْعَدِ الْقُدْسِ ثُمَّ اِلَى هَذَا الْمَنْظَرِ الْمُنِيْرِ قُلْ اِنْ
سَدْرَةَ الْبِقَاعِ بِالْحُلَانِ قُدْسٌ مَلِيْحٌ وَ تَبَشَّرَ الْمُخْلِصِيْنَ اِلَى جِوَارِ اللَّهِ وَ الْمُوَحِّدِيْنَ اِلَى سَاحَةِ قُرْبِ كَرِيْمٍ وَ تَخْبُرُ الْمُنْقَطِعِيْنَ
هُوَ السُّلْطَانُ الْعَلِيْمُ الْحَكِيْمُ هَذِهِ وَرَقَةٌ الْمَفْرَدُوسِ تَعْنَى عَلِيٍّ اَفْئَانِ

BH02307

لَسَى وَجْهَكَ وَ جَانِبَ بُرْهَانِكَ وَ قَرْمَنَ حُكُومَتِكَ وَ اِقْتِدَارِكَ وَ كَانَ مَنِ الْمُشْرِكِيْنَ فِي الْمَوَاجِ الْقُدْسِ مِنْ اَصْبَحِ الْاَمْرِ مَكْتُوْبًا
طَافَ فِي حَوْلِكَ وَ حَضَرَ تَلْقَاءَ غَرَشِكَ، قُوَيْلَ لِمَنْ ظَلَمَكَ وَ اَنْكَرَكَ وَ كَفَرَ بِاَيَاتِكَ وَ جَاحَدَ بِسُلْطَانِكَ وَ حَارَبَ بِنَفْسِكَ وَ اسْتَكْبَرَ
اللَّهُ، وَ مَنْ فَازَ بِقَلْبِكَ فَقَدْ فَازَ بِقَاءِ اللَّهِ، قَطُوبِي لِمَنْ آمَنَ بِكَ وَ بِاَيَاتِكَ وَ خَضَعَ بِسُلْطَانِكَ وَ شَرَفَ بِقَلْبِكَ وَ بَلَغَ بِرِضَائِكَ وَ
فُصِّلَ بَيْنَ الْمُفْكَرَاتِ وَ صَعَدَ الْمُخْلِصُونَ اِلَى الْاَلْوَانِ الْعَالِيَا وَ الْمَشْرُكُونَ اِلَى التَّرِكَاةِ الْمُسْفَلَى، وَ اَشْهَدُ بِأَنَّ مَنْ عَرَفَكَ فَقَدْ عَرَفَ
وُجْهَتِ الْمُفْكَرَاتِ وَ يُعْتَمَدُ الظُّهُورَاتِ، وَ اَشْهَدُ اَنْ بِجَمَالِكَ ظَهَرَ جَمَالُ الْمُعْبُودِ وَ بِوَجْهِكَ لَاحَ وَجْهُ الْمُقْصُودِ وَ بِكَلِمَةٍ مِنْ عِنْدِكَ
سَمَاءُ الْقَضَاءِ وَ طَلَعَ جَمَالُ الْقَيْبِ عَنْ اُفُقِ الْمَبْدَاءِ، وَ اَشْهَدُ اَنْ يَحْرَكَةَ مِنْ قَلْبِكَ ظَهَرَ حُكْمُ الْكَلْفِ وَ الْمُنُونِ وَ بَرَزَ سِرُّ اللَّهِ الْمُمْكِنُونَ،
مَنْ فِي الْاَرْضِ وَ الْمَسْمَاءِ، اَشْهَدُ اَنْ بِكَ ظَهَرَتْ سُلْطَنَةُ اللَّهِ وَ اِقْتِدَارُهُ وَ عَظَمَةُ اللَّهِ وَ كِبَرِيَاؤُهُ، وَ بِكَ اَشْرَقَتْ شُمُوسُ الْقَدِيمِ فِي
الْاَثْنَاءِ الَّتِي ظَهَرَ مِنْ نَفْسِكَ الْاَعْلَى وَ الْمُبْهَاءِ الَّذِي طَلَعَ مِنْ جَمَالِكَ الْاَبْهَى، عَلَيَّكَ يَا مَظْهَرَ الْاَكْبَرِيَاءِ وَ سُلْطَانَ الْبِقَاعِ وَ مَلِيْكَ
لِتَجَنِّيْ عَنْ نَفْسِيْ وَ عَنْ الدُّنْيَا اِلَى شَطْرِ قُرْبِكَ وَ لِقَائِكَ وَ اِنَّكَ اَنْتَ الْمُقْتَدِرُ عَلَى مَا تَشَاءُ وَ اِنَّكَ كُنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُحِيْطًا
فِيَا اَللّٰهِيْ وَ مُحِبُّوْبِيْ قَارِسِلِ اَللّٰهِيْ عَنْ يَمِيْنِ رَحْمَتِكَ وَ عِنَايَتِكَ تَفَحَّلْتَ قُدْسَ الْاَطْلَاقِ

صَلِّ اَللّٰهَمَّ يَا اَللّٰهِيْ عَلَى عِبَادِكَ الْفَاطِمِيْنَ وَ اِمْلِكْ الْفَاطِمِيْنَ اِنَّكَ اَنْتَ الْكَرِيْمُ نَوَالِقُضِلِ الْعَظِيْمِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْغَفُوْرُ الْكَرِيْمُ
وَ قُرْوَعَهَا بِدَوَامِ اَسْمَائِكَ الْحُسْنَى وَ صِفَاتِكَ الْعَالِيَا ثُمَّ احْقِظْهَا مِنْ شَرِّ الْمُعْتَدِيْنَ وَ جُنُودِ الظَّالِمِيْنَ اِنَّكَ اَنْتَ الْمُقْتَدِرُ الْقَدِيْرُ
اِنَّكَ اَنْتَ الْمُقْتَدِرُ الْمَتَعَلِّ الْعَزِيْزُ الْغَفُوْرُ الْمَرْحِيْمُ، صَلِّ اَللّٰهَمَّ يَا اَللّٰهِيْ عَلَى الْمُسْتَدْرِ وَ اَوْرَاقِهَا وَ اَغْصَانِهَا وَ اَفْئَانِهَا وَ اَصْوَالِهَا
وَ جْهَكَ وَ اتَّبِعُوا مَا اَمُرُوا بِهِ حَبًا لِنَفْسِكَ اَنْ يَكْشِفَ الْمُسْبِحَاتِ الَّتِي حَالَتْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَ يَرْزُقْنِيْ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْاٰخِرَةِ
اُمْرَتِ مَنْ لَدُنَّ عَلِيْمٍ حَكِيْمٍ رُوْحِيْ لِضِرْكَ الْفِدَاءِ وَ نَفْسِيْ لِجَلْبَانِكَ الْفِدَاءِ اَسْأَلُ اللَّهَ بِكَ وَ بِالَّذِيْنَ اسْتَضَاءَتْ وُجُوْهُهُمْ مِنْ اَنْوَارِ
اِيْلَافِكَ فِي عَمْرَاتِ الْمَبْلَايَا مَرَّةً كُنْتَ تَحْتَ الْمَسَالِسِ وَ الْاَغْلَالِ وَ مَرَّةً كُنْتَ تَحْتَ سُيُوفِ الْاَعْدَاءِ وَ مَعَ كُلِّ ذَلِكَ اُمْرَتِ الْمُنَاسِ بِمَا
عَلَيْكَ يَا جَمَالَ اللَّهِ تَنَاءَ اللَّهُ وَ تَكَرُّهُ وَ بَهَاءِ اللَّهِ وَ نُورِهِ اَشْهَدُ بِأَنَّ مَا رَأَيْتُ غَيْنُ الْاِبْدَاعِ مَظْلُومًا شَبَّهَكَ كُنْتُ فِي

AB03082

نابت كن، مستقيم فرما و در محفل اسرار همدم و نديم كن، اى كريم، توئى صاحب فضل عظيم، ائتك انت المرخمن الرحيم.
شكر الماطت در نيابيم كه چنين موهبتى مبذول فرمودى و چنين احسان را يگان داشتى. اى يزدان مهربان، ثابت نما و
را از معين عين تسنيم نوشانيدى، پس اگر در دهان صد هزار زبان بگشاييم و به هر زبان حمد و ستايش تو نمايم از عهد
اين مستمند را به گنج روان دلالت فرمودى، اين قافلۀ گمگشته را به كعبۀ مقصود هدايت فرمودى و اين ماهى تشنه لب
هوالمه اى پروردگار، ستايش تو را كه اين بي‌انوا را با نوا كرمى و

AB03082

اشرح صدْره و اوقد مصباحه في خدمة امرك و عبدك ، انك انت الكريم الرحيم الوهاب و انت العزير الرؤف الرحمن .
انك انت الكريم الرحيم المتعال . هنا ما يناديك به ذلك العبد في البكور و الاصل الى رب حَقق اَماله و تور اسرارته و
الفناء و اجعلني غبارا في ممر الاحياء و اجعلني فداء للارض التي و طئتها اقدام الاصفياء في سبيلك يا رب العزة و الملى
و اعني على المواظبة على الابدان في رحمة ربوبيتك . الى رب اسقني كأس الفناء و الميسني ثوب الفناء و اغرقني في بحر
احديتك و تور جيني بانوار التعبد في ساحة قدسك و التبتل الى ملكوت عظمتك و حققني بالفناء في فناء باب ألوهيتك
متوكل عليك متضرع بين يديك يناديك و يناديك و يقول : رب ائدني على خدمة احبائك و قوني على عبودية خضرة
و تعمره في بحر رحمة صمدانيتك اي رب انه عبدك البائس الفقير و رقيقك المسائل المتضرع الاسير مبتهل اليك
اهل الحقيق و التوعت من اولي الالباب ان تنظر الى عبدك الخاضع الخاشع بلب احديتك بلحظت اعين رحمتيتك
دارد هو الملهي الملهي اني ابسط اليك الكف المتضرع و التبتل و الابتهاال و اعقر وجهي بتراب عتبة تقديست عن ادراك
اين مناجات را هر نفسى به كمال تضرع و ابتهاال بخواند سبب روح و ريحان قلب اين عبد گرد و حكيم ملاقات

BH03019

از حزن بروب و قلب را از غم فارغ نما و به آهنگ مليح برخوان : گر تيغ بارد در كوى آن ماه گردن نهاديم المحكم الله
و از ساقى جلال ساغر جمال برگيريم و به ايلد رخ نوالجلال خمر بي امثال درنوشيم، چشم را از آب پاك كن و دل را
و نايدينى ببينيم و ناشنيدنى بشنويم و به آهنگ نور هيكل روح را به رقص آوريم و در حریم جان بزم خوشى بيارائيم
حلقه زنييم و به حضرت انس رو آريم و از بربط عراق نغمه حجازى بشنويم و با دوست ملحق شويم، ناگفتنى بگوئيم
بفروش، دل به قضا دربند و به حكم قدر بيوند، چشم عبرت برگشا و از غير دوست درپوش كه عنقریب در محضر قدس
رخ را مخراش و آب از دیده مپاش و از بي صبران مپاش، پيراهن تسليم پوش و از باده رضا بنوش و عالمى را به درهمى
پا نه . مرېما، حزن را به سرور بخش و غم را از جلم فرج در كش، اگر خواهى قدم در كوى طلب گذارى صابر باش و
ناله سرايد محبوب بر جفا بيافزويد . اگر شريت وصال خواهى تن به زوال دريه و اگر خمر جمال طلبى در وادى حرمان
و هر جا غمى است بر دل اصحاب نازل گردد، عاشقان را چشم تر بايد و معشوقان را ناز و كركشمه شايد، حبيب اگر صد
را سینه ء منير دوستان لايق و كمند بلای نا متناهى را گردن عاشقان شائق، هر كجا خدنگى است بر صدر احباب وارد آيد
و تعرهاها از دل پر درد برخاست، آب گوارا به اخون تبديل شد و صحن فردوس برين به اخون آميخته، بلى تير قضای الهى
ربانى به اخروش آمد، سرايق عزت بر كريد و هملی رقتت از شاخسار بهجت بر كريد، افلاكهاى بلند بر خاك اتيره بنشست
بلا مكان عروج نمود قفس وجود از طير محمود خالى ماند و بلبل قدم به اصرارى عدم رو نمود و عتدليب الهى بر سدره
هو مرېما، عيسى جان

BH0308DES

قلم امر مبرمت را نصرت فرمودى و اولياء را راه نمودى . توئى مالک قدرت و مليک اقتدار . لا اله الا انت العزير المختار .
تو، اسباب آسمان و زمين در قبضه قدرت تو . امراء را عدل عنايت فرما و علما را انصاف . توئى آن مقتدرى كه به حركت
المهى الهى . سراج امرت را به ذهن حكمت بر افروختى، از ارباب مختلفه حفظش نما . سراج از تو، زجاج از

AB00156LOW

هر کدام بينه الى از بينت كتاب مجيد . توئى خداوند مهربان و توئى جزيل الاحسان . انك انت الكريم المقندر العزير الممان .
متين بر اين عهد رزين رصين ثابت و بر قرار مانند و به اشكرانه احسانت زبان گشايند و هريك آيتى از آيات توحيد گردند و
فرما، ابر رحمت ببار، بحر موهبت به موج آر، نسيم عنايت بوزان و پرتو موهبت مبنول دار تا هر يك چون جيل راسخ

مَحَبَّت را در حقیقۀ حقیقت لانه و آشپانه بخش و به ترانهٔ وجد و سرور و شوق و شادمانی در بزم کامرانی دمساز
رحمت بنوشند و در اعلاء کلمه‌الت بکوشند و از آتش عشقت بسوزند و بجوشند. ای پروردگار، این مرغان چمنستان
شمع در سوز و گدازند و چون مرغ سحری همدم نغمه و آواز، هر یک در جَیْت ابهائیت صَفْتِ حمد تو گویند و از جویبار
روز به نار مَحَبَّت مشتعلند و به تَفحاتِ قَدستِ مَؤانس، مقصدی جز رضای تو ندارند و آرزوی جز لقای تو نجویند، چون
هُوالابهی ای خداوند مهربان، این نفوس بندگان آستانند و پاسبان‌های راستان، شب و

AB05167

تو می‌دانی که از هر چیزی گذشته‌ام و از هر فکری فارغ شده‌ام، جز نکر تو شغلی ندارم و جز خدمت آرزوی نخواهم.
ای خدا، در سببیت هر بلائی را مهیا هستم و هر صدمه‌الی را به جان و دل آرزو نمایم. ای خدا، از امتحان محافظه نما،
و این دردمند را درمانی نه و این مریض را علاجی عطا کن، با قلبی سوزان و چشمی گریان به درگاهت مناجات می‌نمایم
و صحرا نهم و فریاد به ظهور ملکوت نمایم و ندایت را به جمیع گوش‌ها برسانم. ای خدا، این بیچاره را چاره‌الی بخش
بکوشم و جان و دین را در راهت فدا نمایم، توئی دانا توئی بینا هیچ آرزوی جز این ندارم که از مَحَبَّت سر به کوه
دل و جان آرزوی ندارم جز آنکه به رضایت موفّق گردم و به عبودیتت مؤید شوم، به خدمت پردازم و در کرم عظیمت
هُوالله ای خدا، تو شاهدهی و گواهی که در

AB00189AID

نما، همواره مَشام از تَفحلتِ قَدسِ مَعَطَر کن و در دو جهان روی مَنور نما و خوی مَعَبَّر. توئی دهنده و بخشنده و توانا.
هُوالله ای پروردگار، این جوهر ابرار را یار و یاور باش، کامکار کن بزرگوار

AB09497

موفّق نما و به عبودیت یارانت مؤید کن، این است منتهی آرزوی دل و جان، این است منتهی آمالِ جانان و وجدان.
بخش، افتاده‌ایم دستگیر شو، آزریدگانیم شادمانی بخش، افسردگانیم حرارت و شوقی عطا فرما، به خدمت دوستانت
مرهمی مرحمت فرما، گمگشتگانیم هدایت کن، تشنگانیم سیراب نما، آشفته‌گانیم راحت و سکون ده، نلیلیم پرتو عزت
پریشانیم جمعیتِ خاطری عطا فرما، مستمندانیم توانگر کن، دردمندیم درمانی عنایت نما، مجروح و موجوعیم،
هُوالله ای معشوق این شیدائیان و مقصود این سودائیان،

AB09911

از بیگانه و خویش مُستغنی کن، در هر کمی شَبَنمی فرست تا گلشنِ قلوب سبز و حَرمِ گرد و رباحین فیض عنایت بروید.
گل‌های پُر طراوت گردند و در ریاض حقیقت درختانی در نهایت لطافت. ای خداوند، بر خدمت خویش موفّق فرما و
پُر شوق و وله را به رحمت بی پایان موفّق فرما تا مَواهبِ عالم انسانی گردند و مَظاہرِ اللطافِ رَبّانی، در گلستان هدایت
هُوالله ای خداوند بی‌اهمتا، این نفوس

AB10414

گلزار و چمن راه یابم و در خدمت اَمَرْتِ کوشم و جان در زَهِت افشانم و خاک ره احبّایت گردم. اِنَّکَ اَنْتَ المکریمُ المرحیم.
جان جانم به فدایت، ای دلبر نازنینم، ای یار دلنشینم عنایتی فرما که در ملکوت ابهائیت با رخی روشن و وجدانی چون
هُوالابهی ای بندهٔ حق، دست شکرانه به درگاه خداوند بیگانه بلند نما و بگو ای بهاء

مرا مستقيم بر امرت بدار و در امتحان ثابت بر محبت كن و در دريای عنایتت مستغرق فرما. توئی دهنده و مهربان.
هو پروردگارا،

يا الهی متمسکا باسمك الاقدس الانور الاعز الاعظم العلي الابهي و متشبهًا بذيل تشبث به من في الآخرة و الاولى
و اشراق أنوار شمس جمالك و أغصانك بأن تكفر جريرات الذين تمسكوا بأحكامك و عملوا بما أمروا به في كتابك ترانى
بأمرك أجر الذين لم يتكلموا الا باذنك و ألقوا ما عندهم فى سبيك و حبك أي رب أسألك بنفسك و آياتك و بيناتك
و المطافك و بالاسم الذى به ماج بحر الغفران أمام وجهك و أمطر سحاب الكرم على أرقائك أن تكتب لمن أقبل اليك وصام
العاشقين و ضجيج المشتاقين و صريخ المقربين و حنين المخلصين و به قضيت أمل الآملين و أعطيتهم ما أرادوا بفضلك
الاعظم العلي الابهي و متشبهًا بذيل تشبث به من في الآخرة و الاولى اللهم انى أسألك باسمك الذى به سمعت نداء
فى سبيك أن تكتب لى من قلمك الاعلى ما كتبهت لامناك و أصفياك ترانى يا الهی متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعز
فى الآخرة و الاولى اللهم انى أسألك بنور وجهك الذى ساق المقربين الى سهام قضائك و المخلصين الى سيوف الاعداء
و أظهرته بارادتك ترانى يا الهی متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعز الاعظم العلي الابهي و متشبهًا بذيل تشبث به من
بها طار التوم عن عيون أصفياك و أولياك و قيامهم فى الاسحار لنكرك و ثنائك أن تجعلنى ممن فاز بما أنزلته فى كتابك
الانور الاعز الاعظم العلي الابهي و متشبهًا بذيل تشبث به من فى الآخرة و الاولى اللهم انى أسألك بنار محبتك التى
المختار أن تعرفنى ما كان مكنوتًا فى كناز عرفانك و مستورًا فى خزائن علمك ترانى يا الهی متمسكا باسمك الاقدس
هاجت اليرياح و ظهرت الاثمار و تطاولت الاشجار و محت الآثار و خرقت الاستار و سرع المخلصون الى أنوار وجه ربهم
متشبهًا بذيل تشبث به من فى الآخرة و الاولى اللهم انى أسألك بالمحرف التى اذا خرجت من فم مشيتك ماجت البحار و
و تقربنى الى مقام تجلى فيه مطلع آياتك ترانى يا الهی متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعز الاعظم العلي الابهي و
اللهم انى أسألك بحفيف سدره المنتهى و هزيز نسما آياتك فى جبروت الاسماء أن تبعدنى عن كل ما يكرهه رضاؤك
يا الهی متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعز الاعظم العلي الابهي و متشبهًا بذيل تشبث به من فى الآخرة و الاولى
الذى به احترقت أكباد العشاق و طارت أفئدة من فى الأفاق أن توفقني على نكرك بين خلقك و ثنائك بين بريتك ترانى
الاعز الاعظم العلي الابهي و متشبهًا بذيل تشبث به من فى الآخرة و الاولى اللهم انى أسألك بمظهر اسمك المحبوب
و كبر عن ورائه بأعلى النداء بأن تجعلنى فانيًا عما عندى و باقيا بما عندك ترانى يا الهی متمسكا باسمك الاقدس الانور
تشبث به من فى الآخرة و الاولى اللهم انى أسألك بجمالك المشرق من افق البقاء الذى اذا ظهر سجد له ملكوت الجمال
به ارادتك و ظهر من مشيتك ترانى يا الهی متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعز الاعظم العلي الابهي و متشبهًا بذيل
و الاولى اللهم انى أسألك بخباء مجدك على أعلى الجبال و فسطاط أمرك على أعلى الاتلال أن تؤيدني على ما أريد
بيانك ترانى يا الهی متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعز الاعظم العلي الابهي و متشبهًا بذيل تشبث به من فى الآخرة
أسألك باسمك الذى جعلته سلطان الاسماء و به انجذب من فى الارض و السماء أن تربي شمس جمالك و ترزقنى خمر
متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعز الاعظم العلي الابهي و متشبهًا بذيل تشبث به من فى الآخرة و الاولى اللهم انى
على خدمة أمرك على شأن لا يعقبه المعود و لا تمنعه اشارات الذين جادلوا بآياتك و أعرضوا عن وجهك ترانى يا الهی
الموجه كما يتحرك على صفحات اللواح قلمك الاعلى و بها تضوعت رائحة مسك المعاني فى ملكوت الانشاء أن تقيمنى
العلي الابهي و متشبهًا بذيل تشبث به من فى الآخرة و الاولى اللهم انى أسألك بشعراتك التى يتحرك على صفحات
أن تجذبني من نفحات قميصك و تشربني من رحيق بيانك ترانى يا الهی متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعز الاعظم
بذيل تشبث به من فى الآخرة و الاولى اللهم انى أسألك بضياء غرتك المقراء و اشراق أنوار وجهك من الافق الاعلى

تبعدنى عن ظل رحمتك و قباب كرمك ترانى يا الهى متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعز الاعظم العلي الابهى و متشبثا به من فى الآخرة و الاولى اللهم انى أسألك بنداك الاحلى و الكلمة العليا أن تقربنى فى كل الاحوال الى فناء بابك و لا فضلك بين خلقك ترانى يا الهى متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعز الاعظم العلي الابهى و متشبثا بذيل تشبث اللهم انى أسألك بالآية الكبرى و ظهور فضلك بين المورى أن لا تطردنى عن باب مدينة لقائك و لا تخيبنى عن ظهورات بسمة المشرق من افق البيان

BB0002ENA

از شهوات هواييه و اخلاق شيطانيه محفوظ و مصون بدار تا روح بنفحات قدس انس گیرد و از نكر دون تو صائم گردد. مشتهيات جسمانيه و اشتغال بطعام و شراب باز ماندم دل و جانم را از محبت غير خويش پاك و مقدس كن و نفسم را الى پروردگار همچنانكه از

BB00147GRO

كه جودت وجود را موجود فرمود و به افق على راه نمود. عبادت را از صراط مستقيمت منع مفرما. توئى قادر و توانا. امطار سحاب رحمت آيش ده. توئى آن كريمى كه عصيان عالم تو را از كرم منع نمود و از بدايع فضلت باز نداشت، توئى الها مغبدا اين نهالى است تو غرس نمودى، از

AB00527

فضلك و موهبتك ثم اقبل منا يا محبوبنا ما عملناه فى سبيلك. انك انت المقتدر المتعلى المفرد الواحد القفور العظوف. بان لا ترجعها الا بكنوز عطائك و احسانك. اى رب فاكتب لنا و لا بلنا كلمة الغفران ثم اقض لنا ما اردناه من طمطم على ما كان و ما يكون. لا اله الا انت المهيمن القيووم. اى رب ترى ايلدى المرءة مرتفعة الى سماء جودك و كرمك اسألك ارواحنا فى جبروتك و اسمائنا فى ملكوتك و اجسادنا فى كنائز حفظك و اجسامنا فى خزائن عصمتك انك انت المقتدر سحاب رحمتك ليظهرنا عن نكر غيرك و يقربنا الى شاطى بحر فضلك. اى رب فاكتب لنا من قلمك الاعلى ما يبقى به باعلى الهنداء فى ملكوت الانشاء ويدعوا الكل الى سدرة المنتهى و المقام الاقصى بان تنزل علينا و على عبادك من امطار النفس و الهوى و تؤيدهم على ما ينفعهم فى الآخرة و الاولى. اى رب اسألك باسمك المكنون المخزون الذى ينادى و احاطتهم بالبأساء و المضراء بما اعرضوا عن المورى و اقبلوا الى الافق الاعلى. اى رب اسألك بان تحفظهم من شئونك و لندائك الاحلى الذى ارتفع من المقام الاعلى باسمك الابهى اى رب فانصر احييتك الذين تبذوا ما عندهم رجاء ما عندك من سماء مشيتك اى رب ترى غيوئهم ناظرة الى افق عنايتك و قلوبهم متوجهة الى بؤهور الطلاق و اصولهم خاشعة فارحم يا الله العالم و مالك المقدم و سلطان الهمم عبادك الذين تمسكوا بحبل اولمرك و خضعوا عند ظهورات احكامك ايامك و لا تمنعهم عن زشحات بحر رضائك. اى رب قد شهدت الترات بقدرتك و سلطائك و الايات بعظمتك و اقتدارك يا من بيدك زمام الممكنات و فى قبضتك ملكوت الاسماء و الصفات بان لا تحرم عبادك عن امطار سحاب رحمتك فى بامرك و ارايتك و يقوومون فى الاسحار لذكرك و ثنائك رجاء ما كئز فى كنائز فضلك و خزائن جودك و كرمك. اسألك هو العزيز المتان يا الله الرحمن و المقتدر على الامكان ترى عبادك و ارقائك الذين يصومون فى الايام

AB00065KIN

او كند ما چه توانيم كرد، يفعل ما يشاء و يحكم ما يريد است، پس سير تسليم نه و توكل بر رب رحيم په. والمبهاء عليك.

نما به نعمت بیرون، قابلیتى بخش تا ملكوتى گردهم زبانی شوم روحانى شوم نورانى گردهم. توئى مقتدر و توانا و مهربان. هوالله اى خدا، طفل معصوم در پناه خود حفظ نما، عنايتى كن و رحمتى بفرما تربيت

XAB00013

به فى كتابك انك انت المقتدر العزيز القدير. ع لوج پنجم دوره دوم الواج فرامین تبلیغى حضرت عبدالمبهاء بین خیره خلقك رب اجعلنى منقطعاً عن دونك متشبهاً بذيل عنايتك مخلصاً فى دينك ثابتاً على محبتك عالملاً بما امرتنى رب ليس لى نصير الا انت و لا مجير الا انت و لا معين الا انت ايدنى بملائكتك على نشر نفحات قدسك و بت تعاليمك الأبدية و هذا التعليل يرجو شفاء التعليل برحمتك المولسعة التى اختصت بها عبادك المختارين فى ملكوتك الأعلى الهى ترى هذا الضعيف يتمنى القوه الملكوتية و هذا الفقير يترجى كنوزك السماوية و هذا الظلمان يشفق معين الحياة الهى

XAB00018

اين نمله فانيه را به اسرار حق عرفانت راه نموى و در ظل خباء مجدت مأوى دامى. توئى بخشنده و توانا و دانا و بينا. را به انولر اسمت متور فرما و به العمل طيبه طاهره و اخلاق مرضيه مؤيد دار لك المحمد والثناء و لك الفضل والعطاء ايام تو است عمل نمايم و قابل جود و كرم تو است مشغول گردهم. اى كريم غافلان را به بحر آگاهی راه نما و كنيزانت الهام مغبوا ملكا ملك الملوكا از تو ميطلبم تأييد فرمائى و توفيق عطا كنى تا به آنچه سزاوار

XAB00019

در ظل قلب اسم كريمت مأوى بهى. توئى قادر بر كل و مهيمن بر كل. اشهد و تشهد الأشياء كلها بانك انت المقتدر القدير. از توجه به تو منع نمود و از تقرب باز نداشت، اينكه كنيز خود را از تعلق ناعقين و شبهات مريبين حفظ فرمائى و سؤال ميكنم تو را به دماى كه در راه تو در ايران ريخته شد و به نفوسى كه سطوت ظالمين و ظلم مشركين ايشان را الهام مغبوا مقصودا فقيرى از فقراء قصد بحر عطا نموده و جاهلى از جهلاء به تجليلت آفتاب علمت توجه كرده

XAB00020

اى قدير، مقبلين را از كاس يقين قسمت عطا فرما و از انوار نير ايقان محروم منما، انك انت المقتدر العليم الحكيم. و كرم عميمت مسألت مي نمايم اين عباد را از شر ناعقين حفظ فرمائى كه شايد مثل حزب قبل به اوهام آلوده نشويم مسجودا قدرتت را قدرت عباد منع نمود. امرت را به قلم نصرت نموى و به اسم اعظم دعوت فرمودى. از فضل عظيم الهام مغبوا

XAB00021

و تباك العظيم ان تويدينى على ما يرفع به امرك بين عبادك، انك انت المقتدر على ما تشاء. لا اله الا انت المهيمن القيوم. و از ظل سدره منتهى و صيرير قلم اعلى محروم نساى. اشهد ان اليوم بيومك و الامر امرك. اسألك بصراطك المستقيم الهام مغبوا مقصودا به اكمل عجز و ابتهال از تو مسألت مي نمايم اين عبد را از شر ناعقين حفظ فرمائى

XAB00022

نمودند. حال از تو ميطلبم و مسألت مي نمايم ما را از سارقين و خائنين حراست نما و حفظ فرما. توئى قادر و توانا. الهام مغبوا مسجودا كريما رحيماً تو آگاهی و دانائى اين عباد لئلى محبتت را در خزائن افنده و قلوب به اسمت حفظ

بگو ای آقای من و مولای من و اله من و پدید آورنده من
ای خدا، به تو ناظریم و از تو می‌طلبیم، ظاهر کن از ما آنچه را که سزاوار تو و ایلم تو است. توئی عطا کننده و بخشنده.
نما. توئی توانا و توئی دانا. ای خدای من، به‌اتو رو آوردم و تو را نکر می‌نامیم و به‌امبارکی سمت از دونت فارغ و آزادم
از دریای بخشش تو که این نهال نورسته در بوستان محبت خود را از کوثر حیوان بنوشان و از اریاح خریف حفظش
سؤال می‌کنم

آن کن که سزاوار بخشش تو است نه لایق نکر و ثنای من. لا اله الا انت العفو الکریم. الحمد لك انت مقصود المقاصدين.
قدیمت را می‌طلبم و فضل عمیمت را می‌جویم. تو دانا و آگاهی، به نکریت زنده‌الم و به امید لقاییت موجود و پابنده،
لایق ادراک هستیت نه. هستی تو ورلی ادراک عقول و فوق عرفان نفوس بوده و هست. به کمال عجز و ابتهاش بخشش
منما و از بحر رحمتت قسمتی عطا نما و از دریای جودت نصیبی مقدر فرما. المسن عالم قابل نکریت نه و افنده امم
عالمیان را محو نماید و یک کلمه از فم عنایتت آب حیوان بر اهل امکان مبدول دارد. ای بخشنده یکتا، عبت را محروم
نموده‌الم و به حب عنایتت متمسکم و به ذیل کرمت متشبث. توئی آن کریمی که یک قطره از دریای غفرانت عصیان
هوالمناصرالمعین. الها کریم رحیمما به تو توجه

غنی مثل منی فقیر را محروم می‌نماید؟ حاشا وکلا. اشهد و يشهد كل الاشياء بانك انت الکریم الکریمین و ارحم الراحمین.
ابدی ممنوع مساز. توئی قادر و توانا. ای پروردگار، ترات عالم بر عنایت گواهند و بر فضلت مقرر و معتترف، آیا مثل تو
جسته، از تو کریم قدیمت را می‌طلبم و عفو جدیدت را سائل و آمل، او را از دریای فضلت محروم منما و از کوثر زندگانی
ارض و فراعنه بلاد تو را از اراده منع نمود. ای کریم، فقیری به ابابت توجه نموده و ضعیفی به حب اقتدارت تمسک
و سما را خلق فرمودی و به‌ایک قطره از دریای جودت وجود را موجود نمودی. توئی مقتدری که قوت و قدرت جابره
الها معبودا مسجودا به‌ایک کلمه از کلمت علیا ارض

بخشنده‌الی که بخشش محدود به حدود نه. عباد توئیم تو را می‌جوئیم و از تو می‌طلبیم. توئی فضل و توئی بخشنده.
از تیر جودت عالم وجود موجود. ای پروردگار، آنچه لایق ایامت نیست اخذ نما و آنچه قابل است عطا فرما. توئی آن
توئی مقتدری که قدرت عالم و امم از اقتدارت باز نداشت. از یک اشراق از تیر کرمت دریاهای کریم ظاهر و از یک تجلی
الها معبودا از توام و به‌اتو آمدم، قلبم را به نور معرفتت منیر فرما

ننمود. پروردگار، توئی پادشاهی که امرت را جنود عالم منع نمود و سطوت امم از اقتدارت باز نداشت. یا حسین بگو
مساز. مثابه غیث هاطل بر عاصی و مطیع نازل رحمتت به. توئی آن کریمی که عصیان اهل امکان ملکوت غفرانت را منع
توئی بخشنده و مهربان. ای رحیم، بندگانت را از دریای بخشش منع منما و محروم

را از دریای شناسائی محروم منما و از انوار وجه ظهور منع مفرما. توئی بخشنده و مهربان. لا اله الا انت العزیز الممان.
او را از اشراق باز ندارد. ای کریم، هر صاحب بصیر و سمعی بر کرمت شهادت داده و بر سبقت رحمتت گواه. عبادت
را که سزاوار بخشش تو است و ظهور و بروزش از دفتر عالم محو نشود. سحاب اوهام او را ستر نماید و غمام ظنون
الها معبودا مسجودا شهادت می‌دهد عبد تو به وحدانیت تو و فردانیت تو و از بدایع فضلت مسألت می‌نماید آنچه

ان تَوَيْدِنِي عَلَى نِكَزِكَ وَتَنَاؤِكَ وَالْمَعْلَلِ بِمَا أَمَرْتَنِي بِهِ فِي كِتَابِكَ، إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ عَلَى مَا تَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَفُورُ الْمَكْرِيمُ، وَبِهِ نَيْلُ رَحْمَتِ مُتَشَبِّهِمْ، أِزْ تُو أَمْرُزِش قَدِيمَت رَا مِي اَطْلَبِم وَفَضْلَ عَمِيمَت رَا مِي اِجْوِيم، أَسْأَلُكَ بِأَنْبِيَاءِكَ وَرُسُلِكَ إِلَهَاهَا مَعْبُودَا تُو رَا نِكْر مِي اِنْمَايِم وَبِهِ حَبْلَ عِنَايَتِ مُتَمَسِك

سؤال می‌انمایم ابن عبد را فائز فرمائی به آنچه سبب نجاتست در جمیع عوالم تو، توئی مقتدر و توانا و توئی عللم و دانا، وجود موجود گشت و توئی آن کریمی که اعمال بندگان بخششت را منع نمود و ظهورات جودت را باز نداشت، از تو
إِلَهَاهَا كَرِيمَا رَحِيمَا تُوئِي أَنْ سُلْطَانِي كِه بِه يِك كَلِمَاهَا ت

که بر مظاهر وجود رحم فرمائی و از فیوضات آیامت محروم نسازی، جمیع محتاج و فقیرند و آنت المغنی الغالب التقدير، و جوهر عنایت کعبه امرت را طائف، از تو سؤال می‌انمائیم فضل قدیمت را می‌اطلبیم و جود جدیدت را می‌اجوئیم و وضع باریده و اشراقیت انوار آفتاب بخششت بر عاصی و مطیع تابیده، ای رحیمی که سلنج رحمت بابت را ساجد و حدائیت تو و فردائیت تو و بخشش‌های قدیم و جدید تو، توئی آن کریمی که امطر سحلب سماء رحمتت بر شریف
إِلَهَاهَا مَعْبُودَا مُسْجُودَا شِهَاهَا ت مِي اِدهم بِه

آمل، عبادت را از امواج بحر عطایت منع مفرما و کل را به‌اطراز جود و بخششت مزین نما، إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ الْعَزِيزُ الْمُحْمِيْدُ، نمائی حامد و صابریم، ای پروردگار، از اراده‌ات به‌وجود آمدم و به‌تو در یوم تو راجع گشتیم، این خادم سائل و در بخشش و عطایت از برای وجود ربیبی حاصل نه، غناء آن تو و فقراء به‌ابلب تو، اگر عطا فرمائی شاکریم و اگر محروم و اشراقت انوار تیر جود جمیع وجود را ممتور فرماید، قسم به‌انبات مقدست اگر به‌اولام ملک و ملکوت اظهار نداری تو سؤال می‌انمایم به‌عزت و عظمت و جود و کرمت که آنچه عطا فرمودی ظاهر نمائی تا نعمتت بر عالمیان هویدا گردد
إِلَهَاهَا كَرِيمَا رَحِيمَا أَيَا اِزْ بَرَايِ عَالَمِ سَمْعِ وَبَصَرِ عَطَا فَرْمُودِي وَ يَا اَنْكِه مَحْرُومِ دَاشْتِي، اِزْ

نجات وحی تازه شود و به‌احیای ابدی فائز گردد، توئی قادر و توانا و توئی عالم و دانا، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَلِيُّ، مشغول گردد، ای کریم، این فقیر را از بحر غنایت محروم منما و این مسکین را در ظل رحمتت مقرر ده که شاید از وطن اعلی نموده و قاصدی قصد غایت قصوی کرده، او را مدد فرما تا بر خدمتت قیام نماید و به‌انتشار اوامر و احکامت تو را قسم می‌دهم به‌اکلمه علیا و اقتدار قلم اعلی که این عبد را مؤید فرمائی بر آنچه لایق آیام تو است، غریب اراده که سلاطین عالم نزد اسمی از اسمایت خاضع و خاشع، ای کریم، کرمت عالم را احاطه نموده و رحمتت سبقت گرفته
إِلَهَاهَا مَعْبُودَا كَرِيمَا رَحِيمَا تُوئِي أَنْ سُلْطَانِي

را آمل و سائلیم، ما را منع مکن، توئی راهنما و صاحب عطا، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ وَ الثَّرَى وَ الْمَلِكِ الْآخِرَةِ وَ الْاُولَى، ای ستار، به‌اکرمت ستر نما و ای فضال، فضلت را باز مدار، مجرمیم و لکن از توایم محروم منما، بعیدیم و لکن بساطت قربت را مقداری نه، از بدایع عطایت می‌اطلبیم و دست رجا به‌بارگاه عظمتت بلند نموده‌ایم، ای غفار، از ما به‌اجودت درگذر و مشاهده شده و می‌اشود، نزد بحر غفران، عصیان این عباد مذکور نه و در عرصه ثروت و غنا فقر و احتیاج این عباد نبوده و عفو تو توقف نکرده و جودت از موجودات منع نشده، در هر حال آثار فضل بی‌منتهايت به‌البصار عدل و انصاف از قبل در دانی و قاصی و مطیع و عاصی مشاهده شد و حال موجود و مشهود، پس به‌برهان ثابت شد کرمت محدود و منتظر نیشان عنایت تو و ربیب مکرمت تو بوده و هست، از آب و من الماء کل شیء حی ما را منع منما، آثار کرمت

محروم منما و از امواج بحر کرمّت منع مکن. این نهال‌های وجود به‌اید عنایت تو غرس شده حال وقت ترقی و نمو است و غنی تو و جهل خود و علم تو و ضعف خود و اقتدار تو و عجز خود و سلطان تو. ای کریم ما را از امطار سماء رحمت‌ت الهی بی‌نیازا کریماً رحیماً ملکا ملکا همه عباد تو اند و از کلمه تو از عدم به‌وجود آمدند و معتزّفند بر فقر خود

XAB00035

مکن. در هر حال توفیق و تأیید می‌اطلبم و از سماء فضل بخشش قدیمت را سائلم. توئی ملّک عطا و سلطان ملکوت بقا. شده تازگی عطا کردی. پروردگارا، وجود کل از جودت موجود، از بحر کرمّت محروم مفرما و از دریای رحمتت منع بودم بر اقبال تأیید نمودی، مرده بودم از آب حیات زندگی بخشیدی، پژمرده بودم از کوثر بیان که از قلم رحمن جاری الهی مغبودا ملکا مقصودا به‌چه لسان تو را شکر نمایم؟ غافل بودم آگاهم فرمودی، معرض

XAB00036

عطاییت را باز نداشت. ای کریم از مطلع نورت متور نما و از مشرق غنایت ثروت حقیقی بخش. توئی بخشنده و توانا. پاکا پادشاهها هر آگاهی بر یکتائیت گواهی داده. توئی آن توانائی که جودت وجود را موجود فرمود و خطای عباد

XAB00037

نه، چه الفاظ چه معانی. ای پروردگارا، از تو می‌اطلبیم کل را راه نمائی و هدایت فرمائی. توئی قادر و توانا و عالم و بینا. عالم عرف ثنای تو متضوع شود همه محبوب جان و مقصود روان، چه تازی چه فارسی، اگر از آن محروم ماند قایل نکر مردگان را زندگی عطا فرما، شاید تو را بیابند و به‌دریگی آگاهی راه یابند و بر امرت مستقیم مانند. اگر از لغت مختلفه و محو نماید و یک نسیم از نسائم یوم ظهورت عالم را به‌خلعت تازه مزین فرماید. ای توانا، ناتوانان را توانائی بخش و تو. هر چه کنی عدل. صرف است بل فضل محض. یک تجلی از تجلیات اسم رحمانت رسم عصیان را از جهان براندازد. پرهیزگاری مقعد صدق می‌اطلبیم و لقای ملّک مقتدر می‌جوئیم. امر امر تو است و حکم آن تو و عالم قدرت زیر فرمان مکائاً علیاً رسد و هر که را بیندازی از خاک پست‌تر بلکه هیچ از او بهتر. پروردگارا، با تباه کاری و گناهکاری و عدم مقصودا کریماً رحیماً جانها از تو و اقتدارها در قبضه قدرت تو. هر که را بلند کنی از ملک بگذرد و به‌مقام و رفعا الهی مغبودا

XAB00038

از برای آن به‌ظهور آمده و مشاهده نمایند آنچه را که قوه باصره از برای آن موجود گشته. امر امر تو و جانها قربان تو. آگاه نمایند و گمراهان را به راه آرند تا کل در ظل قیاب عظمت و سدره رحمت جمع شوند و بشنوند آنچه را که قوه سامعه است مرقوم نما و مقدر فرما. توئی توانا و توئی دانا و بینا. ای پروردگارا، دستوران را آگاه نما تا به آگاهی خود غافلین را و حکمت نافذ، اولیائت را از دریای بخشش محروم مساز و از برای هر یک، از قلم عنایت، آنچه المیوم سزاوار فضل تو کنتی مدد بخش شاید عباد تو را به‌راه راست و خبر بزرگ بشارت دهند و فائز نمایند. ای کریم، نورت ساطع و امرت غالب تو را از گفتار منع نکرد و قهر جابره از اراده غالبه منع نساخت. ای پروردگارا، دستوران را راه نما و به‌جنود دانائی و علم باز نداشت. در حینی که سهام ضغینه و بغضا از جمیع جهات طیار به‌استقامت تمام قائم و بما ینبغی قائل. ظلم فراعنه بر انگیختی. توئی توانائی که قوت و شوکت عباد تو را ضعیف نمود و لشکر غفلت و عسکر غرور و ثروت تو را از اراده سادرسا حمد و ثنا و شکر و بها تو را سزاست که گنج شناسائی را در دل ودیعه گذارسی و لطیفه وجود را از آب و گل پروردگارا. مهربانا پادشاهها

XAB00039

آسایش یابد و جهان پر غرور از عالم الهی نصیب موفور جوید. توئی مقتدر و توانا و توئی بخشنده و درخشنده و بینا. پروردگارا، این شب تار را روز روشن فرما و این بغض و عداوت بین ملل را به انس و محبت مبدل کن تا عالم آفرینش

با هم در نهایت الفت و یگانگی معاشرت و مصاحبت نمایند، نکر اغیار نشود، همدگر را آشنا و یار و غمگسار گردند. ای دست در آغوش غرب نماید، فرنگ بی‌درنگ سبیل محبت پویید، ترک تاجیک را همدم ناند و هم آغوش و مهربان شمرد، کل رحمانی کن تا بنیان محبت و مهربانی در عالم انسانی تأسیس گردد و نوع بشر به یکدیگر مفتون و مهرپرور گردند، شرق هوالله ای پروردگار، یاران را کامکار کن و به عبودیت همدم و دمساز فرما، قلوب را نورانی فرما و وجوه را

XAB00040

سوزین پدران رحم نما، این طوفان را ساکت کن و این جنگ جهانگیر را به صلح و آشتی مبدل فرما. توئی بینا و شنوا. کن، ای دایرس به فریاد یتیمان برس، ای داور حقیقی مادران جگرخون را تسلی ده، ای رحمن رحیم بر چشم گریان و دل این طفل یتیم رحم فرما، ای خداوند بی‌نیاز این سیل شدید را قطع کن، ای خالق جهانیان این آتش افروخته را خاموش هوالله ای خداوند مهربان، به فریاد بیچارگان برس، ای پاک یزدان بر

XAB00041

معرفت پرورش ده، در کودکی آزادی ده و فرزندی بخش و این بی‌نیاز را محرم ملکوت راز نما. توئی مقتدر و توانا. هوالله طفل صغیرم، پستان عنایت را تنی عزیز کن و از شهد و شیر محبت نشو و نما بخش و در آغوش

XAB00042

و این کنیزان را کامیاب نموی. الحمد لک و الشکر لک و الفضل لک و الموهبة منک، انک أنت المقتدر المعطوف الرؤوف. تو پوئیم تنای تو گوئیم، اسیر زنجیر محبتیم و دستگیر امیر کشور موهبت، شکر تو را که شهد و شکر به کامها ریختی. ای رب ودود، ستایش نتوانیم و از عهده نیایش بر نیائیم، عاجزیم و ناچیز، قاصریم و بی‌تمیز ولی روی تو جوئیم سوی این اماء را عزیز نموی و این ناچیزان را تلج موهبت بر سر نهایی، بر بخشایش گشودی و رخ بنمودی و دلها بربودی هوالله پاک یزدان خداوند مهربان، شکر تو را که

XAB00043

شکسته را در هوی قدس عنایتت پرواز ده، این فقیر را به کنیز غناء دلالت فرما و این ذلیل را به درگاه عزت هدایت کن. هوالله ای بی‌نیاز، این کنیز ناچیز را در آستان مبارکت قبول فرما و این بال و پر

XAB00044

در قلوب بنما تا از هر قیدی آزاده گردیم و بکلی گرفتار تو شویم، شعله میثاق گردیم و نجوم بازغه از مطلع اشراق. دلجوی تو یافتیم، چشم از غیر تو بستیم چون به جمال تو گشودیم. ای معشوق حقیقی، پرتوی در دلها افکن و جلوه‌الی ای محبوب یکتا، دل از هر دو جهان برداشتیم چون علم محبت برافراشتیم، رخ از عالم و عالمیان برتافتیم چون روی هوالله ای دلیر ابهی

XAB00045

صراط گذشته در جنت ابهی وحدت اصلیه داخل گردیم، انک انت المکریم، انک انت المرحیم لا اله الا انت القوی المقدر. و انقطاع و حریت از شئون نفس و هوی نجات بخش تا جمیع متفق و متحد شده در ظل خیمه یکارنگ تو آئیم و از بخش و از دام خود پرستی رهائی ده، جمیع ما را در پناه عنایت منزل و مأوی ده و کل ما را در کف حفظ و حراست هوالله ای پروردگار توانا، این بندگان ناتوانت را از قیود هستی آزادی

XAB00046

عنایت فرموی و به روضه مبارکه مشرف کنی، از فیض ملکوت ابهات بهره بی پایان می‌طلبم موفق فرما عنایت کن. از عمین عنایت نوشاندی، این بی‌اجان افسرده را به نسیم رحمت تر و تازه نموی. شکر تو را که از فضل اکبر نصیب او فر

این بنده ضعیف را به المطفای بی پایان بنواختی و این بیچاره لیلی را به درگاه احدیت رساندی، این تشنه سوخته را
هوالمه ای منتها آرزوی عاشقان، ای دلیل گمگشتگان،

XAB00047

آستانی که ارواح مالا علی پاسبان است و قلوب اهل ملکوت ابهی مقیم و رایج و ساجد و عاکف و خاضع چون راسان.
که این بخشش عظیم را شایان فرمودی و این لطف جلیل را رایگان نمودی، به تقبیل آستان مقدست موفق کردی، چه
هوالمه ای فریادرس بی‌انویان ای خداوند مهربان، من چه لیاقتی داشتم

XAB00048

شبهات محفوظ دار و در ظل صون و حمایت خویش جای ده و از امتحان و افتتان ما را مصون دار. توئی مقتدر و توانا.
تو سر و سامان جوئیم، افتادگانیم المطفای تو را نگرانیم، ما را بر عهد و میثاق خویش ثابت و مستقیم فرما و از سهام
هوالمه ای پروردگار، بیچارگانیم به درگاه تو پناه آورده‌ایم، پریشان روزگاریم در بارگاه

XAB00049

خدایا ثابت کن، خدایا محفوظ و مصون دار و محظوظ و مأمون بنما. توئی مقتدر و توانا و توئی حافظ بی نظیر و همتا.
بدر و بر پیمان و ایمان استوار فرما، چه که اریح افتتان شدید است و صرصر امتحان غبارانگیز. خدایا ثابت بدر،
بنده گناهکار را در ظل شجره عنایت ملجأ و پناهی بخش و بر حقیقت اسرار آگاهی ده، بر عهد و میثاق ثابت و محکم
هوالمه ای پروردگار، این

XAB00050

تا آنکه در ظل ممدود تحت لواء معقود به ملکوت محمود راجع گردم. توئی منان و مهربان و توئی رب المجدود و الاحسان.
از بدایت گرد و خاتم‌الاحیات فاتحه‌الاطلاف شود و هر دم لطف و عنایتی رسد و هر نفس عفو و رحمتی مبدول گردد
هوالمه ای خداوند، فضل و عنایتی و حفظ و حمایتی و لطف و صیانتی تا نهایت ایام ممتاز

XAB00051

و آواز به شکرانه المطفای پردازند. توئی مقتدر و توانا و توئی دهنده و بخشنده و بینا. انک انت المکریم العظیم المتعال.
جهان ملکوت بر سریر عزت ابدیه استقرار ده و اکلیل جلیل مواهب کلیه بر سر نه تا در جهان بالا سرفراز گردند و با نغمه
آشفته روی تو اند و سرگشته کوی تو و متوجه به سوی تو و عاشقان خوی دلجوی تو، این نفوس مبارک را در
هوالمه ای پروردگار، این مشتاقان

XAB00052

جلوه گاه آفتاب پر شکوه فرمائی، لطف و مرحمتی که بر خدمت امرت قیام نمائیم تا در بین ملامکان شرمسار نگردیم.
فانیه را به امواج بحر احدیت هیجان و طوفان مرحمت فرمودی. ای توانائی که کاه را قدرت کوه عنایت کنی و خاک را
و اجساد را ادراک روح و روان، این تربت تزابیه را به شعاع آفتاب رحمانیه نمایش و وجودی عنایت کردی و این قطرات
که ارزان کردی؟ قلوب را حکم قلب واحد دادی و نفوس را رابطه شخص متفرد، اجسام را احساس جان عنایت کردی
هوالمه ای خدایا، این چه فضیلتی که عنایت فرمودی و این چه احسانیت

XAB00053

را به کنز عنایت دلالت فرمودی و این لیلیان را به عزت قدیمه هدایت کردی. حمد تو را، شکر تو را ای پروردگار.
هوالمه ای پروردگار، ستایش تو را سزاست که این بی‌اکسان را به خیل عنایت راه دادی و این فقیران

XAB00054

توئی مؤسس عهد و پیمان، ای یزدان توئی ملجأ و پناه راسخان، ای مَنان توئی مُتَل بی‌خردان و مُتَتَقِم از مُتزلزلان.
و بزم المست آراستی و از جلم میثاق سر مست فرمودی و در زمره ثابتان این دوستان را محشور نمودی. ای مهربان،
و عنایت فرمودی و صبح روشنی طالع نمودی و فضای گلشنی واسع بگستریدی، در ظل شجره انیسا مأوی بخشیدی
هُوالأبهی ای بخشنده و درخشنده و مهربان، شکر تو را که شاهراه حقیقت نمودی

XAB00055

و مُعین و ظهِیرم توئی، تأییدی عنایت فرما که کُل حیران گردند. خدایا توئی مقتدر و توانا و بخشنده و دهنده و بینا.
نمایم، تشنگان را آب حیات بخشم و مریضان را شفای الهی دهم، هر چند حَقیرم تَلیلَم فقیرم اما پشت و پناهم توئی
ده تا جز رضای تو نطلبم و به‌غیر از روی تو نجویم و دون راه تو نپویم، تَفوس غافله را هشیار کنم و ارواح خفته را بیدار
بگوش رسان، قوت روحانی عطا کن و سرایح رحمانی در زُجَلج قلب بر افروز، از هر بندی آزاد کن و از هر تعلقی نجات
مرا بیدار کن هشیار نما، از غیر خود بیزار کن و به محبت جمالت گرفتار نما، نفعه روح‌القدس بخش و ندای ملکوت ابهی
هُوالله ای پروردگار،

XAB00056

و مَسرَّت وجدانم گرد، چون عنایت کنی اُنس است و چون عدالت نمائی وحشت است. توئی رحیم و کریم و مهربان.
به مَشامم رسان و به کوی خویش دلالت فرما، بیچاره‌الم چاره‌الی کن، آواره‌الم دل صد پاره ده، مونس جانم باش و راحت
هُوالأبهی ای یزدان رحمن، جانم فدای خَلک آستانت، بوی خوشی

XAB00057

تو را بر این موهبت و بر این عنایت و بر این رحمت که این ضعفا را به آن مُخَصَص داشتی. توئی کریم و رحیم و مهربان.
بر هیکل تَرابی زد انوار جهان ابدی ظاهر شد، شعله عنایتت از نار موقده ظاهر شد و قلوب را حیات جاودانی داد، شکر
تو را که این اکلیل جلیل را بر سر این ضعفا نهادی و این رداء عزت ابدیه را بر دوش این فقرا دادی، پرتو تقدیست
هُوالله ای خداوند یکتا ای پروردگار بی‌اهمتا، ستایش و نیایش

XAB00058

را به کوی خویش خواندی و این سر گشته را در پناه خود سر و سامان دادی. توئی دهنده و بخشنده و پاینده و مهربان.
هُوالله خدایا، شکر تو را که این دل و جان به جانان رساندی و این بی‌بهره را نصیب بی‌پایان بخشیدی، این گمگشته

XAB00059

را آب حیات بخشیدی و ماهی لب تشنه را به عذیب فرات در آوردی. لک الحمد علی نلک، اُنک اُمّت الکریم الرحیم الموهاب.
خدایا، تو را شکر باد که این بیگانه را آشنای خویش نمودی و این بیچاره را به پناه خود راه دادی، تشنه جان سوخته
هُوالله

XAB00060

لؤلؤ لالا، برهانشان ثعبان مُبین کن و دلیل‌اشان سنوحلت غلبین، ظهیرشان شدیدالمقوی کن و نصیرشان جنود ملکوت ابهی.
تعییم کن، رویشان برافروز و خویشان را مُشک جان فرما و آفاق را مُعطر و مُعنبر فرما، دستشان ید بیضا نما و لفظ‌اشان
بارگاه احدیت را صباحت و ملاحظت ده، بندگان دیرینت را انوار غلبین فرما و آزادگان قدیم را شهریاران اقلیم
نما و هر یک از اهل وفا را کوی ساطع در افق اعلی، نهال‌های حدیقہ رحمانیت را طراوت و لطافت بخش و نورسیدگان
مَحرم ایوان، اُفق غلبین را به نور مُبین روشن نما و ساحت دل‌ها را رشک گلزار و گلشن کن، هر یک از احبّاء را نجم هدی
هُوالله ای پروردگار، دردمندان را درمان کن و هوشمندان را

به گناه مگیر پناه ده، عصیان مبین غفران نما، در لیاقت منگر باب عنایت بگشا. توئی مقتدر و توانا توئی عالم و بینا. را به نروۀ الملاف رساندی، هرچه بود از تو بود و الا خاک ضعیف را چه قوتی و وجود نحیف را چه قدرتی. پروردگارا، کردی، موری را قوت سلیمانی بخشیدی و پشه‌الی را شیر بیشه رحمانی فرمودی، قطره‌الی را موج دریا دانی و تیره‌الی صحرا و بیچارگی و آزرده‌گی در دریا باز به فریاد رسیدی و تأیید فرمودی و توفیق بخشیدی و به خدمت آستانت سزاوار هوالمه پروردگارا آمرزگارا، هرچند گناه‌کارم ولی جز تو پناه ندارم، شکر تو را که در این آوارگی کوه و

منگر و در قدرها بنگر اندر افضل خود ای انوالعطا این طیور بال و پراشکسته را از کرم بال و پری احسان نما و تار ای قدیر یاد تو در دل جو مصلیح منیر از عنایانت بدل روحی پدم تا عدم گردد ز لطف تو قدم در لیاقت غم تو می انجوید محرمی خون اشود آن اهل که ابریان تو نیست کور به اچشمی که اگریان تو انیست در شبان تیسه و دل و اسرار من در سحرها مونس جانم توئی مطلع بر سوز و حرمانم توئی هر دلی پیوست با نکرت کمی جز هوالمه ای خدای پرعطای نوالمنن واقف جان

از کأس طهور سرمست گرم و در میخانه محبت می پرست شوم. توئی قادر و توانا و توئی کریم و رحیم و پر عطا. برهان، در ظل عنایت مسکن بخش و به‌اصرف موهبت معامله فرما تا پی به جهان دیگر برم و به کشور دیگر رهبر شوم، نما، فقیرم از کیز غنا عطا کن، دردمندم درمان ده، جریحم مرهم عطا کن، گرفتارم رهائی بخش، پر گناهم از تلت عصیان سر و سامان بخش، بیچاره‌الم آواره‌الم پناه ده، مشتاقم به وثلق وصال در آر، در احتراقم، نور اشراق ببار، ضعیفم توانا انوار میسر فرما، از خود بیزارم گرفتار خویش کن از عالمیان در کنارم نفعه زلف مشکبار به مشامم آر، سرگردانم بخش، جسمانیم روحانی نما، امکانیم رحمانی کن، تشنه‌م ماء معینم به عین تسنیم دلالت فرما، مشتاق دیدارم مشاهده هوالمه ای یزدان مهربان، غریق بحر عصیانم طریق غفران بنما سراسر قصورم از دلم غرور رهائی

ای یزدان مهربان، مستحق رأفت و عنایتیم و محتاج عفو و مغفرت. دادرسا به فریاد رس، ائک انت الرحمن الرحیم. فرما و متفکر، ملجأ و پناهی و مرجع صبحگاه، آگاهی و گواه که جز تو نجویم و به غیر راهت نپویم و جز ثنایت نگوییم و تو بزرگوار، خطا ببوش گناه ببخش قصور عفو کن، بینا کن و شنوا، هوشیار فرما و دانا، متنبه کن و متفکر، متضرع هوالمه ای پروردگارا، ما گناه‌کاریم و تو آمرزگارا ما ستمکاریم

در ظل ملکوت ابهات منزل ده و در پناه جبروت اعلایت مأوی بخش. توئی مقتدر و توانا توئی شنونده و بینا. عظیم محفوظ و از صدمت امتحان شدید مصون بدار، بر عهد و میثاق مستقیم کن و بر پیمان و ایمان مستدیم، را قوت بخش و علیلان را شفا عنایت فرما و مستمندان را ارجمند کن و افسردگان را اشتعال بخش، از شر افتتان آمرزگارا، گناه بندگان غفران نما و پناه به بیچارگان بخش، توئی خدای مهربان و توئی صاحب عفو و غفران، ضعیفان بام تو، مرغلن دست آموز عنایتند و بلبان شیدای گل‌های حقیقت، تشنگان چشمه رحمتند و آوارگان اقلیم رحمت ای پروردگارا، این نفوس آشفته روی توآند و گمگشته کوی تو و عاشقان خلق و خوی تو، سرمست جام توآند و پرندگان هوالابهی ای

و فرج و سرور حاصل شود، یأس مبدل به امید گردد و خوف منقلب به رجا. توئی عفو و غفور و توئی بخشنده و مهربان. ده و از جمیع علل و امراض شفا بخش، پاک و مقدس کن و از فیض تقدیس نصیب عطا فرما تا حزن و اندوه زائل گردد

عصیانم و تو نورُ غفران. پس ای خداوند مهربان، خطا ببخش عطا بده گناه بیامرز پناه عطا کن، در چشمهٔ ایوب غوطه
هُوالله ای پروردگار، گناهکارم و تو آمرزگار، قاصرَم و تو غافر، در ظلمت

XAB00067

عظیم آیات توحید تجسم نماید و حقیقت تجرید تحقق یابد چه که سزاوار این کور نورانی چنین موهبت رحمانی است.
خطا بیوش و بخشش رایگان و آمرزش بی‌پایان مبذول فرما، چشم‌ها را باز و گوش‌ها را با راز دمسازکن تا در این کور
الله ابهی ای خدای پر عطا،

XAB00068

بزرگواری نما، یزدان مهربانم توئی، بخششی بخش که زخم تابنده و درخشنده گردد و زندگی پاینده میسر شود.
و تمتای ادراک اسرار، از بیگانگی بیزار نما و به یگانگی خویش آشنا و کامکار فرما، غمخوارم غمگساری کن، خاکسارم
هُوالله الهی گواهی که آرزوی مشاهدهٔ انوار کنم

XAB00069

تو و آرزومند کوی تو و متوجه به سوی تو و تشنهٔ جوی تو و مشغول به گفتگوی تو. توئی دهنده و بخشنده و مهربان.
ملکوت شنیدند و انوار شمس حقیقت دیدند و در فضایی جانفزای محبت پریدند، عاشقان روی تو اند و منجذبان خوی
ای پروردگار مهربان، این نفوس ندای

XAB00070

پروردگار، نجات اسرار از ملکوت ابهات منتشر نما و پرتو انوار از جبروت اعلایت لامع فرما تا آفاق معطر و منور ماند.
دلخون، بساط سرور بر چیده شد و شاخ خُبور پژمرده و خمیده، نسیم جانبخش ساکن شد و آب حیات را کد. پس ای
قلباها مفتون شد و عقل‌ها مجنون. چه شد که پرده نشین گشتی و روی دلنشین پوشیدی؟ جان‌ها محزون شد و یاران
محض فضل و جود درهای بخشش گشودی و رخ برافروختی و دل‌ها ربودی و غم‌ها زدودی و نغمه‌ای سرودی که
هُواللهی‌اللهی ای محبوب یکتا و پروردگار بی‌اهمتا،

XAB00071

را فضل و احسانی عطا فرما، این نفوس ضعیفه را در پناه حضرتت پناهی ده و این فقیران نحیف را قوتی عنایت فرما.
هُواللهی ای پروردگار، این بیچارگان را چاره‌ای بخش و این درماندگان را درمانی عطا فرما و این بی‌انویان

XAB00072

موفق کن و در زمرهٔ راستان در آر و از دوستان راستان کن. توئی مقتدر و توانا توئی بخشنده و درخشنده و تابان.
و عاشقان ملکوت جمال را بشارت وصال ده و دردمندان عشق را درمان دل و جان بخش، هر یک را بر خدمت آستان
کریم نظر به استعداد هر سقیم مفرما، به فضل عمیم معامله کن و به نور مبین هدایت فرما، یاران خویش را یآوری کن
ولی به جان در گفتگوی تو، ندانند و نشناسند، نجویند و نپویند ولی مستحق الطافند و سزاوار عنایت و اعطاف. ای
گرفتار موی تو و هر سرگشته و سرگردانی ناظر به سوی تو و هر سوخته دلی تشنهٔ جوی تو، و جهانیان هر چند غافلند
محبت و وفا برافراز و بیچارگان را چاره ساز. ای دلبر مهربان، هر بینوایی سرگشتهٔ کوی تو و هر مرغ بی‌پر و بالی
برافروز و منجمدان را به نار محبت بسوز، طریق هدی نما و ابواب ملکوت ابهی بگشا، بنیان حسد و بغضا برانداز، ایوان
بخش، صلتان را ناطق کن و قانطان را امیدوار فرما، بیگانگان را آشنا کن و محرومان را محرم راز فرما، مخمودان را
گمگشتگان صحرای فراق را محرم حرم وصال کن، عاشقان را از حرمان نجات ده و آشفته‌گان را در بزم قرب سر و سامان
بهره‌ای از اشراق ده و عشاق روی خویش را پرتوی از دلبر آفاق بخش، آوارگان بادیه هجران را به حریم وصال در آر و
هُوالله ای پروردگار، آمرزگاری و ای کردگار بزرگواری، پس یارین مشتاق را

پیمانه بدست فرما، به جانفشانی مؤید فرما و به قربانی موفق کن. توئی مقتدر و توانا و توئی دانا و بینا و شنوا. در سبیل فدا زنده فرما و این قلب افسرده را به کأس جفا طراوت و لطافت بخش، مدهوش جام السته کن و سرمست در راه محبتت زهر شهد کن و نوش نیش نما، سرها را زینت سنان کن و دلها را هدف سهم بی امان فرما، این جان پژمرده هوالله ای پروردگار، عاشقان را از بلا ساغر لبریز در کام ریز و مشتاقان را

این بنده بیچاره را در پناه حضرت احدیتت ملجأ و پناه بخش و در ظل سدره بی منتهایت مسکن و مأوی عنایت کن. هواللهی خداوندا، پاک و مقدسی و بی نیاز و منزهی،

گردیم و به اکل به یاد تو افتیم، راه تو پیوئیم روی تو جوئیم راز تو گوئیم. توئی توانای مهربان و توئی رازق عالم انسان. از توانائی خویش عنایتی بخش، رزق یومی را رایگان ده، معیشت ضروری را برکتی احسان فرما تا مستغنی از دین تو نعمت روزی آوار و جمیع کائنات از فیض عنایتت بهره بردار، این ضعیف را از فیض جلیل محروم مفرما و این ناتوان کن و فقیرانیم از بحر غنا نصیبی بخش، محتاجیم عاجی ده، نلیلانیم عزتی ببخش، جمیع طیور و وحوش از خولان هواللهی ای پروردگار، مستمندانیم مرحمتی

تو مشغول گردیم و با نهایت صدق و صفا به انتشار آثار ملکوتت پردازیم. توئی مقتدر و توانا و توئی بخشنده و مهربان. وهوی کن و از عالم طبیعت نجات ده، خدایا به نفات روح القدس زنده فرما تا به خدمت تو قیام نمائیم و به عبادت گردیم هر یک از ما ستاره درخشنده گرد و الا از خاک پست‌تر شود. خدایا تأیید کن نصرت فرما، ما را غالب بر نفس ملکوتی ده، خدایا مرده‌ایم حیات سرمی بخش، خدایا تلت محضیم در ملکوت عزیز فرما، اگر تأییدات آسمانی شامل هوالله خدایا، ما ضعیفیم تو قوی کن، ما نادانیم تو دانا فرما، خدایا فقیریم غنای

ریحان یابد و مانند نار موقده در نهایت التهاب به آتش عشقت افروزند. توئی مقتدر و توانا و توئی کریم و رحیم و بینا. ابر عنایت عطا فرما و در هر نفسی نفعی مشکین نفسی بر مشامشان عرضه دار تا به جان و دل به محبتت روح و بی انباز، آن ابرار را در ظل عنایتت پرورش ده و آن احرار را از جمیع قیودات آزاد فرما، در هر دمی شبمی از رشحات هوالله ای پروردگار

و این سرگشتگان را سر و سامانی ده و این محزونان را سرور ابدی بخش. توئی مقتدر و توانا و توئی بخشنده و مهربان. آرند و باده سرور و شادمانی ابدی بنوشند و بنوشاند. خدایا این مستمندان را توانگر فرما و این مظلومان را ارجمند کن باده گرد و به نغمه و ترانه پردازند و سامعین را فرح و وله بخشند و طالبان را به جذب و طرب آرد، جام عشق به دور یکتا، این نفوس مطمئن را جام عطا بخش و این قلوب راضیه مرضیه را نشئه صهبا احسان کن تا یابد کمال و جمالت سرور و بشاشت آتش ظلم و ستم را گلزار و گلشن یافتند، چون غنچه شکفتند و مانند گل جلوه نمودند. ای خداوند بی پایان نمودند و صبر و تحمل کردند و زبان به شکرانه گشودند و از شدت محبت گریستند و خندیدند و در نهایت و سلوک نمایند. ای خدای مهربان، این بندگان از بی‌وفایان جفا دیدند و در هر روزی بلائی کشیدند و تحمل مشقت‌های و حیاتی بدیع خواهند، به وصایا و نصائح تو پردازند و درس عشق و محبت بیاموزند و به موجب تعلیم رحمانی روش موی تو و سرگشته کوی تو و تشنه جوی تو، نظر عنایتی فرما و موهبتی مبذول دار که هر دم روحی جدید یابد هوالله ای پاک یزدان من، این یاران با وفا مفتون روی تو اند و مجنون

XAB00079

قلوب را جنت ابهی کن و حقایق نفوس را ریاض ملاً اعلیٰ. ای قدیر، رجالی این عبد را ببیند، توئی توانا توئی بی‌اهمتا. و باطل، نسیم جانبخش بوزان و دل‌های مرده را زنده کن، باران رحمتی بار و این گیله افسرده را تر و تازه نما، حدائق هوالله ای پروردگار، تأیید بخش و توفیق عنایت کن، این ابر تیره را زائل کن و این غملم هائل را متلاشی

XAB00080

به چشمه حیات دلالت کن، ضعیفانیم قوتی ده تا به نصرت امرت بر خیزیم و در سبیل هدایت جانفشانی کنیم. و سامانیم پناهی بخش، پراکنده‌ایم مجتمع فرما به گله خویش پیوسته کن، بی نصیبانیم بهره و نصیب بخش، تشنگانیم هوالله ای پروردگار، بیچارگانیم چاره فرما، بی سر

XAB00081

قوتی ده که تا مقاومت غوائل بسیط زمین نمائیم و قدرتی بخش که چون بحر محیط موج بر ساحل شرق و غرب زنیم. هوالله ای پاک یزدان من و خداوند مهربان من،

XAB00082

و به آشیانه رحمت بر پریم و در شاخسار وحدت در حدیقه عنایت به انواع الحان به محامد و ثنوت تو مشغول گردیم. و هجران روان را مرده و پژمرده نماید. پس ای خدای مهربان، تأییدی بخش و توفیقی ده تا از این دام و دانه برهیم به ملکوت احدیتت بشتابند و ارواح آوارگان در سالیه رحمتت بیاسایند، فرقت پر حرقت جان‌را بگدازد و حرمان هوالله ای پروردگار ای پناه آوارگان، تو آگله فغان و آه صبحگاهی، عنایتی فرما و رحمتی کن تا جان‌های مشتاقان

XAB00083

قطره‌الم امواج دریا بخش، پشه‌الم عقاب اوج عزت فرما، نلیلم در ملکوتت عزیز کن بی نام و نشانم نشان تأیید بخش. هوالله ای خداوند مهربان، مور ضعیفم حشمت سلیمانی بخش، تره فانیم از پرتو شمس حقیقت نمایان فرما،

XAB00084

را مانند شمع افروخته نما تا جهان را نورانی کنند و نفوس را رحمانی نمایند. توئی بخشنده توئی دهنده و توئی مهربان. و غرب را به پرتو محبت و نور اتفاق متور کند. ای بخشنده مهربان، دل‌ها را به تفتلت روح‌القدس زنده کن و روی‌ها هوالله خداوندا آمرزگارا، این مجمع را تأیید کن و توفیق بخش تا عالم را به نور اتحاد روشن نماید، شرق

XAB00085

نفوس را از ظلمات عالم طبیعت متمسک نماید و به نورانیت الهیه روشن نماید، تعمید به روح و نور و حیات ابدیه بخشد. و انوار رحمانی مبذول دارد و اطراف را روشن کند، تعالیم آسمانی ترویج نماید و به وحدت عالم انسانی خدمت کند، و روح‌القدس تشکیل شده، تأیید و توفیق بخش و مؤید به قوه آسمانی نما تا این انجمن چون شعله نورانی بر افروزد هوالله ای پروردگار مهربان، این انجمن به‌جهت نصرت کلمه‌الله

XAB00086

مهربان گردند، بیچارگان را ملجأ و مأوی شوند و افسردگان را مشتعل نمایند. توئی مقتدر و توانا و توئی خداوند مهربان. نمایند، شبهات اهل ارتباب را زائل کنند و طالبان را بیان حجت و برهان نمایند، مریضان را شفا دهند و فقیران را رؤوف و متور فرما تا کل به قوتی ملکوتی و فیضی جبروتی و موهبتی آسمانی و نفسی رحمانی و تأییدی ربانی بر خدمت قیام آستان مقدس شریک و سهیم کن. ای پروردگار، نفوس ضعیفه را قوی کن و دیده مشتاقان را به مشاهده جمال ملکوت نظر رحمانیت کن، هر یک را شععی روشن فرما تا به نور هدی آن اقلیم را متور نمایند، جمیع را با این عبد در عبودیت جام اشتیاق در دست، محتاج الطافند و مشتاق موهبت آسمان. ای پروردگار، این نفوس را مورد عنایت فرما و ملحوظ

این یاران سرگشته کوی تواند و دلدادۀ روی تو و متوجه به ملکوت تو، از صهبای ایمان سرمستند و در محفل میثاق
هوالمه ای خداوند مهربان،

XAB00087

شجر شوند، از یک چشمه نوشند، از یک نسیم به اهتزاز آیند، از یک انوار اقتباس نمایند. توئی دهنده و بخشنده و توانا.
نما، در ظل عنایتت کل را متحد کن و جمیع را متفق فرما تا جمیع انوار یک شمس شوند، امواج یک دریا گردند، اثمار یک
کن، دلها را سرور ابدی بخش، نفوس را روح تازه ده و حیلت ابدیه احسان فرما، ابواب عرفان بگشا، نور ایمان تابان
و کل را به نظر مکرمت منظور داری. ای پروردگار، الطاف بی پایان شامل کن، نور هدایت برافروز، چشمها را روشن
رحمتت بر کل مشرق و ابر عنایتت بر کل میبارد، الطافت شامل کل است و فضلت رازق کل، جمیع را محافظه فرمائی
هوالمه خداوندا مهربانا کریم رحیما، ما بندگن آستان توئیم و جمیع در ظل وحدانیت تو، آفتاب

XAB00088

جمیع خلقت را دوست داریم و به جمیع بشر مهربان باشیم. خدایا توئی مقتدر توئی رحیم توئی غفور و توئی بزرگووار.
بر محبت خود ثابت نما و بر جمیع خلق مهربان فرما، موفق بر خدمت عالم انسانی کن تا به جمیع بندگانت خدمت نمائیم،
ملکوت غنی نما، عللیم شفا عنایت کن. خدایا به رضای خود دلالت فرما و از شؤون نفس و هوی مقدس دار. خدایا ما را
ملکوت خود داخل فرما و در دو جهان کامران نما. خدایا، ما نللیم عزیز فرما، عاجزیم قدرت عنایت فرما، فقیریم از کیز
را محترم کن، این نفوس را مقدس نما، انوار هدایت تابان کن، قلوب را متور فرما و نفوس را مستبشر کن، جمیع را در
تو دارند، مناجات به سوی تو نمایند، در نهایت تضرع به ملکوت تو بتل کنند و طلب عفو و غفران نمایند. خدایا، این جمع
هوالمه پروردگارا مهربانا، این جمع توجه به

XAB00089

عنایتی کن که آثارش در ملک سرمدی مشتهر. توئی مقتدر و توانا و توئی بخشنده و مهربان، انک انت الکریم المتعال.
نما، از بحر بی‌آبران سیراب کن و از آفتاب مطلع حقیقت روشن و تابان نما، فیضی بخش که انوارش در صبح ابدی منتشر،
هوالمه ای پروردگار، این جمع را مظهر عواطف رحمانیه فرما و مطالع الطاف سبحانیه

XAB00090

تو نجوئیم جز نامت نجوئیم جز در بادیۀ محبتت نجوئیم، مرحمت فرما عنایت کن هدایت بخش، انک انت القوی القدير.
درد را درمانی بنما، زخم را مرهمی کن و زهر را شکر کن، ظلمات را انوار کن و زحمات را راحت آشکار، جز تو ندانیم جز
درماندگانیم افسردگانیم پژمردهگانیم، جانی ببخش و روانی بده، دری بگشا گشایشی بنما، سر و سامانی بخش،
نصرت فرما و هدایت و به آنچه رضای خودت است دلالت کن و بر امرت مستقیم و استوار مدار، بیچارگانیم آوارگانیم
و این جمع عاشقان پریشان تو، ملجائی جز پناه تو ندارند و مأمنی به‌غیر از بارگاه تو نجویند، پس مدد فرما و عنایت و
هوالمه ای پروردگار، این دوستان یاران تو اند

XAB00091

فیض قدیم بیارایند. توئی مقتدر و توانا و توئی دهنده و بخشنده و بینا لا اله الا انت الکریم الرحیم المعطى المقضال.
نما و سرو این چمن کن و طاوس این گلشن نما تا جهان را تزئین بخشند و این نور مبین منتشر نمایند و جبین به پرتو
کن و هر چشمی را روشن و بینا، دوستان را عزیز کن و یارین با فرهنگ و تمیز نما، هر یک را شمع جمع کن و شاهد انجمن
ای پروردگار، ابرار را بزرگووار کن و فیض ابدی آشکار کن، اسرار پدیدار نما و انوار انتشار ده، هر دلی را همدم یادت
هوالمه

XAB00092

را در ملکوت خویش قبول نما و به نور هدایت روشن کن. توئی مقتدر توئی توانا توئی کریم توئی رحیم و توئی مهربان. نما و گوش‌ها را شنوا کن مُردگان را زنده فرما و مریضان را شفا بخش فقیران را غنی نما و خائفان را اطمینان بخش و ما تو آشکار، پس تأیید ده و توفیق بخش و ما را به آنچه سزاوار درگاهست مُوفق نما، دل‌ها را روشن کن و چشم‌ها را بینا و موهبت خویش معامله کن، خطاء ما بسیار است ولی بحر رحمت تو بی پایان، عجز ما بسیار است ولیکن تأیید و توفیق و تو مقتدر و توانا، جمیع ما گناهکاریم و توئی غافر الذنوب و رحیم و رحمن. پروردگارا، نظر به قصور ما منما به فضل هوالله پروردگارا، آمرزگارا، این بندگان را پناه توئی واقف اسرار و آگاه توئی، جمیع ما عاجزیم

XAB00093

روحانی گیرد و این الموان مختلفه مُبدل به یک رنگ گردد و آهنگ تسبیح به ملکوت تقدیس تو رسد. توئی مقتدر و توانا. تعصب جاهلی به انوار شمس حقیقت محو و زائل گردد و این جهان ظلمانی نورانی شود و این عالم جسمانی پرتو جهان آسمانی ده و سُنوحات رحمانی بخش و مَرّوج وحدت بشر فرما و سبب محبت و الفت عالم انسانی فرما تا ظلمات مهلکه این نفوس را ملائکه آسمانی نما و به نوحه روح القدس زنده فرما، لسانی ناطق بخش و قلبی ثابت عطا فرما، قوه هوالله ای پروردگارا، این جمع یاران تو اند و به جلال تو مُجنّبد و به نلر محبتت مُشْتَعَلند

XAB00094

عاری فرما و نگاهداری کن و دلداری ده و به جمیع آمال و آرزو برخورداری بخش. توئی بخشنده و دهنده و مهربان. هوالله خداوندا، این نفوس را یاری کن و بزرگواری بخش و از هر قیدی

XAB00095

روان بخش، ناتوانان را توانائی بخش و ضعیفان را قوت آسمانی ده. توئی پروردگارا توئی آمرزگارا توئی داور کردگارا. سامانیم تو ملجاء و پناه، بر نشیر نفحات تأیید کن، بر اعلاء کلماتت توفیق بخش، بی سران را سروران کن بینوایان را گنج اسرار ملکوت دمساز کن، قدیم ثابت بخش قلب راسخ عطا فرما، ما گناهکاریم تو آمرزگارا ما بندگانیم تو پروردگارا بی سر و جان‌ها بخش، قوت قدیمه ظاهر نما و قدرت عظیمه باهر، طیور نفوس را در هوای دیگر پرواز ده و مُحرمین ناسوت را به دل‌های مشتاق را زنده کن دیده‌ها را روشن کن و ساحت دل‌ها را رشک گلزار و چمن نما، بشارت به ارواح ده و مسرت به اسپریم، تو مجیر تو دستگیر، عنایتی کن و موهبتی فرما ابواب فضل بگشا و نظر المطفاف افکن، نسیم جانبخش بفرست هوالله ای قوی قدیر، کل در قبضه قدرت

XAB00096

شکرین نما و در درگاه احدیت بنده نازنین فرما و در دیوان غلیبن صدر نشین کن. توئی خنان توئی منان توئی مهربان. تراب عجز و نیاز نهم و تضرع و زاری نمایم که ای خداوند بی‌نیازم و محرم رازم و یار دلنوازم، آن یاران دیرین را مذاق هوالله در هر نفسی سر به

XAB00097

به درگاه هدایت فرما، آوارگانیم منزل و مأوانی عطا فرما. توئی مهربان توئی رحمن توئی منان توئی مُستعان. پناه هر گناهکار، بیچارگانیم چاره بخش، دردمندانیم درمانی عطا فرما، بی اسر و سامانیم ملجاء و پناهی ده، گمگشتگانیم هوالله ای پروردگارا، توئی آمرزگارا و ملجاء و

XAB00098

بخشند. ای پروردگارا ای آمرزگارا، عنایتی فرما که کل حریفان بزم الهی گردند و سر مستان باده موهبت حضرت یزدانی. بخش حی لایموت، سیاه نفس و هوی را در هم شکنند و پناه رحمت و تقوی جویند، سبب حیات شوند و روح نجات آیت هدی گردند و موهبت ملاً اعلی، مظاهر اسرار توحید شوند و مطالع انوار تجرید، جنود ملکوت شوند و جیوش حیات

تو اند و سرگشته صحرای تو، تشنه سلسبیل تو اند و پیروان دلیل جلیل تو، تأیید فرما توفیق عطا کن تا آنکه هر یک
هوالله ای محبوب بی انباز، این نفوس یارین تو اند و بندگان آستان تو و سرمست صهبای

XAB00099

راز راه ده و در محفل تجلی همدم و دمساز نما، توئی دهنده و بخشنده و مهربان و توئی آمرزنده و نوازنده و توانا.
شتافت، میهمان جدید است عزیز فرما، بنده قدیم است خلعت بدیع عطا کن، ای بی‌انیا بیامرز و بنواز و به خلوتگاه
هوالله تعالی پروردگارا آمرزگارا، نفس نفیسی به ملکوت شهود صعود نمود و از خاکدان فانی به جهان جاودانی

XAB00100

او ننمودم تو مکافات فرما او را حیات ابدیه بخش و در ملکوت خویش عزیز فرما، توئی آمرزنده و بخشنده و مهربان.
، نظر عنایت بنما و در ملکوت خویش داخل کن، خدایا مرا از بدو حیات تربیت نمود پرورش داد ولی من مکافات زحمات
هوالله ای خدای آمرزنده، مادر مهربان مرا گناه بیامرز قصور عفو فرما

XAB00101

تا سبب ریزش بارین رحمت گردد و پرورش جلن آن کنیز محترم، توئی بخشنده و مهربان و توئی پاینده حضرت یزدان.
شیفته و دلداسه طلب آمرزش از برای مادر مهربان می‌نماید، تو بخشنده یگانه و دهنده هر آشنا و بیگانه، آمرزشی فرما
هوالله ای خداوند بی‌مانند، این مستمند به درگهت افتاده، شوریده و آشفته،

XAB00102

درگاه است معامله کن و هر چه شایگان بارگاه است شایان فرما، توئی غفور توئی عفو و توئی بخشنده هر قصور.
امید به وعده و نوید تو داریم و هر چند در ظلمت خطا مبتلائیم و لکن توجه به صبح عطا داشته و داریم، به آنچه سزاوار
و غفران و آمرزش ارزان کن، توئی آمرزنده و توئی غفور توئی بخشنده فیض موفور، ای آمرزگار، هر چند گناه‌کاریم ولی
پدر و مادر این بنده درگاه را در دریای غفران غوطه ده و از گناه و خطا پاک و مقدس نما، عفو و بخشش شایان نما
هوالله ای پروردگار،

XAB00103

مونس آن‌ها باش تا به قوت ملکوتی و نفاثات روح‌القدس فریاد زنند توئی مقتدر و عزیز و توانا و توئی دانا و شنوا و بینا.
و نورانیت تعالیم الهی فتح کنند، ای خدا، ظهیر و نصیر آن‌ها باش و در بیابان و کوه و نرّه و جنگل‌ها و دریاها و صحراها
سپاه آسمانی تو اند امداد فرما و به جنود ملاً اعلی نصرت کن تا هر یک نظیر اردوئی شوند و آن ممالک را به محبت‌الله
هوالله ای خداوند بی‌همتا ای ربّ الملکوت، این نفوس

XAB00104

تا تشنگان را سلسبیل هدایت دهند و گمگشتگان را به سبیل عنایت دلالت کنند، توئی مقتدر و توانا و شنونده و بینا.
تازه یابند و به سروری بی اندازه رسند، ای خداوند مهربان، یاران را روح و ریحان بخش و تأییدی آسمانی فرما
در قلوب بینداز که به ذکر تو دمساز شوند، جان‌ها را شور و ولهی ده و دل‌ها را وجد و طربی بخش که هر دم روحی
و در انجمن رحمن مانند سراج بسوزد و به یاران نور بخشد، ای خداوند، روحی در دل‌ها بدم که همدم تو گردند و شوقی
ای خداوند بی انباز، این حقیقت مبتهله را مانند شمع روشن کن تا در هر جمع به ذکر تو مشغول گردند، نور هدی بر افروزد
هوالله

XAB00105

اللّٰهُ مَعْبُودُ الْعَالَمِيْنَ لَوْ يَقْرَؤُهُ الْعِبَادُ طَرّاً وَ يَتَفَكَّرُوْنَ فِيْهِ لِيَضْرُبْ فِيْ كُلِّ عَرِقٍ مِنْ عُرُوْقِهِمْ نَارًا يَشْتَعَلُ مِنْهَا الْعَالَمِيْنَ

يا مُقدّر العالمين ان يا علي قبل اكبر ان اشكر الله بهذا اللوح الذي تجد منه رابحة مظلوميتي و ما انا فيه في سبيل يا محبوب الابهي، اذ انار وجه المبهاء من حرارة البلاء و انوار كلمتك النوراء و قام بالوفاء في مشهد الفداء ناظرًا رضاعًا ان استقبل يا فداء العالمين اثنوح او اثنوح بل اصيح من قلة ناصرِكَ يا من بك ارتفع نوح العالمين قد سمعت نداءك يا فخر العالمين ترى المقلوب ملئت من البغضاء و لك الاغضاء يا ستار العالمين اذ رأيت سيقا ان اقبل اذ اطار سهم التوحيد و بغريتك زين وطن التجريد ان اصطبِر يا غريب العالمين قد جعلنا المتلة قميص المغزة و الملية طراز هيكلك عشق العالمين بك ارتفع علم الاستقلال على اعلى الجبال و تموج بحر الافضل يا وله العالمين يوحدتك اشترقت شمس من الاشراق قد خلقت للاصطبار يا صبر العالمين ما احلى اشراقك من افق الميثاق بين اهل التفلق و اشتياقك بالله يا المبرودة كيف تظهر حرارة بيلك يا مبين العالمين و لو لا الملية كيف اشترقت شمس اصطبارك يا شعاع العالمين لا تجزع يا قلم الاعلى قد سمعنا نداءك الاحلى من جبروت البقاء ان استمع ما ينطق به لسان الكبرياء يا مظلوم العالمين لو لا اين تفحات غفرك يا غفار العالمين قد بقي الغلام في ارض جدباء اين غيث سماء فضلك يا غياث العالمين ان اصقرت الاوراق من سموم ارياح التفلق اين جود سحاب جودك يا جواد العالمين قد تقبر الاكوان من غبار العصيلان المبرية اين امواج فضلك يا مراد العالمين قد غلق باب اللقاء من ظلم الاعداء اين مفتاح جودك يا فتاح العالمين قد تكدر نيل التقديس من اولى التدليس اين طراز تنزيهك يا مزين العالمين قد ركذ بحر العناية بما اكتسبت ايدى القضاء اين رايات نصرتك يا مصور العالمين قد بقي الوجه في غبار الافتراء اين ارياح رحمتك يا رحمن العالمين او يتفكر فيما ورد عليها في حبك اذ توقف القلم يا محبوب العالمين قد كسرت اغصان سدرة المنتهى من هبوب ارياح خبت مصابيح الصدق و الصفاء و الغيرة و الوفاء اين شؤونات غيبتك يا محرّك العالمين هل ترى من يئصر نفسك اين فلك نجائك يا منجى العالمين ترى مطلع آياتك في ظلمات الامكان اين شمس افق عنايتك يا توار العالمين قد العالمين قد عشيت المظنون و الاوهام اكثر الانام اين مطالع ايقانك يا سكيته العالمين قد غرق المبهاء في بحر البلاء بين اهل المشام اين اشراق انوار صبايحك يا مصباح العالمين تراني ممنوعًا عن البيان من اين تظهر تغماتك يا وراق العالمين قد تغير اكثر النورى من سكر الهوى اين مطالع التقوى يا مقصود العالمين ترى المظلوم فى حجاب الظلام اين رشحات بحر حيوانك يا حياة العالمين قد احاطت وسلوس الشيطان من فى الامكان، اين شهاب نارك يا نور العالمين قد تربكت وحده فى ديلر المغربية، اين مشرق و فلكك يا وفاء العالمين قد اخذت سكرات الموت كل الافاق من فى الابداع اين مطالع للانقطع يا مولى العالمين ترى المظلوم فريداً فى المغربية اين جند سماء امرك يا سلطان قدرتك يا اقتدار العالمين قد اخذت رعدة الظمأ من فى الانشاء اين فرات عنايتك يا رحمة العالمين قد اخذ المحرّص قد اخذ الهم كل الامم اين اعلام ايتهاك يا بهجة العالمين ترى مشرق الآيات فى سبحات الاشارات اين اصبع اين آيات عزتك يا عز العالمين قد اخذت الاحزان مطلع اسمك المرحمن اين سرور مظهر ظهورك يا فرج العالمين ضيلتك يا ضياء العالمين قد طالمت الاعناق بالنفلق، اين اسياف انتقلك يا مهلك العالمين قد بلغت المتلة الى النهاية، نار العالمين قد بلغت الملية الى الغاية، اين ظهورات فرجك يا فرج العالمين قد احاطت المظلمة اكثر الخليفة اين انوار المكلاّب من كل الجهات، اين غضنقر غياض سطوتك يا قهار العالمين قد اخذت المبرودة كل المبرية اين حرارة محبتك يا العالمين قد قام المشركون بالاعتساف فى كل الاطراف، اين تسخير قلم تقديرك يا مسخر العالمين قد ارتفع نباح المبعد، اين بحر قريتك يا جذاب العالمين قد ارتفعت ايلدى المرجاء الى سماء الفضل و العطاء، اين امطار كرمك يا مجيب ترك المقرّبون فى ظلماء الهجران، اين اشراق صبح و صلك يا مقصود العالمين قد تبيل اجساد الاصفياء على ارض بسم الله الاقدم الاكظم قد احترق المخلصون من نار المفراق، اين تشعشع انوار لقاك يا محبوب العالمين قد

XAB00106

بدرخشيم. توئى مقتدر و توانا و توئى عالم و بينا. ع. ع. لوح اول دوره دوم الواح فرامين تبليغى حضرت عبدالبهاء آسمانى فرما نقات روح القدس مبذول دار تا بخدمت موفق گرديم و مانند ستاره اهل روشن در اين اقليم بنور هدايت حول سراج هدايت گرندد بى انصبيان نصيب برند و محرومان محرم راز شوندى پروردگارا بعين عنايت نظر نما تايبى نداريم تا نفوس فرياد اهدنا المصراط المستقيم برآرند و ديده بمشاهده انوار روشن نمايند از ظلمات جهالت برهند و طائف

بخششی نما، آواره‌ایم در پناه لطفت مأوی بخش، بیچاره‌ایم قوت و قدرتی عنایت کن. توئی فضال توئی کریم و توانا. حق، دست نیاز به درگاه حضرت بی نیاز بر آر و بگو، ای پروردگار، گناه‌کاریم عفو و مغفرت فرما، محتاجیم از کنز ملکوت هواللهی ای بنده

دلالت فرمودی و این تشنگان را به عین عنایت رساندی و این درماندگان را در ظل کلمه الهیه پناه دادی، ائک انت المکریم. هوالله ای بی نیاز، ستایش تو را سزاست که این گمگشتگان را به شاهره هدایت

ائک أنت لکریم القوی العزیز الرحمن الرحیم ع اع لوح ششم دوره دوم الواح فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء و طیوراً صادقاً فی ایكة البقاء و اسوداً زائرة فی غیاض العلم و المنه و حیثاً سابقاً فی بحور الحیاة برحمتک المکبری و أعظم بریتک و کائوا نواباً فاستنبروا و کائوا قباء فاستبحروا بفضلک و عنایتک و أصبحوا نجوماً ساطعة فی أفق المهدي أیدت عبادک من قبل و کائوا أعجز خلقک و التل عبادک و أحقر من فی أرضک و لکن بعونک و قوتک سبوا أجلاء خلقک و رب ارحم عجزی أیدنی بقوتک و قدرتک رب لو تؤید بنفثات المروج اعجز الموری لبلغ المنی و تصرف کیف یشاء کما هذا الفضاء الذی لا یتناهی فكیف یمکن هذا إلا بعونک و عنایتک و تأییدک و توفیقک رب ارحم ضعفی و قونی بقدرتک و قمت علی ترویج تعلیمک بین عبادک الأقویا معتمداً علی حولک و قوتک رب ان طیراً کلیل الجناح أراد أن یطیر فی المهی المهی تری ضعفی و تلی و هوانی بین خلقک مع ذلک توکلت علیک

هر کدام بینه‌الی از بینلت کتاب مجید. توئی خداوند مهربان و توئی جزیل الاحسان. ائک ائت المکریم المقتدر العزیز الممان. متین بر این عهد رزین رصین ثابت و بر قرار مانند و به‌اشکرانه احسانت زبان گشایند وهریک آیتی از آیات توحید گردند و فرما، ابر رحمت بیار، بحر موهبت به موج آر، نسیم عنایت بوزان و پرتو موهبت مبنول دار تا هر یک چون جیل راسخ محبت را در حدیق حقیقت لانه و آشیانه بخش و به ترانه وجد و سرور و شوق و شادمانی در بزم کامرانی دمساز رحمت بنوشند و در اعلاء کلمات بکوشند و از آتش عشقت بسوزند و بجوشند. ای پروردگار، این مرغان چمنستان شمع در سوز و گدازند و چون مرغ سحری همدم نغمه و آواز، هر یک در جت ابهات صفت حمد تو گویند و از جویبار روز به نار محبت مشتعلند و به تفحات قدست مؤانس، مقصدی جز رضای تو ندارند و آرزوی جز لقای تو نجویند، چون هواللهی ای خداوند مهربان، این نفوس بندگان آستانند و پاسبان‌های راستان، شب و

تصیر الصغراء و ائک أنت المقتدر العزیز المختار. ع ع لوح چهارم دوره دوم الواح فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء و فقی علی خدمتک و ایدنی بجنود ملائکت و انصرنی فی اعلاء کلمتک و انطقنی بحکمتک بین بریتک ائک معین المضعفا و تقر الاعین بمشاهدة آیات المهدي رب ائی فرید و حید حقیر لیس لی ظهیر الا أنت و لا تصیر الا أنت و لا مجیر الا أنت و یرفر بکل سرور و انشراح فی هذا الفضاء و یرتفع هدیره فی کل الارحاء باسمک الأعلى و تتلذذ الانان من هذا النداء المهی المهی هنا طیر کلیل الجناح بطی الطیران ایدنه بشدید القوی حتی یطیر الی لوج الفلاح و المنجاج

سراجًا وَهَاجًا وَنَجْمًا بِلِزْغًا وَشَجْرَةً مُبَارَكَةً مَشْحُونَةً بِالْأَثْمَارِ مُظَلَّلَةً فِي هَذِهِ الدِّيَارِ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْمُقْتَدِرُ الْمُخْتَارُ ع ع
وَكَلِيلُ الْمَسَانِ أَنْطَقَنِي بِذِكْرِكَ وَثَنَائِكَ وَنَلِيلَ عَزَّزْنِي بِالْمَدْخُولِ فِي مَلَكُوتِكَ وَبَعِيدَ قَرِينِي بِعَقَبَةِ رَحْمَاتِكَ رَبِّ اجْعَلْنِي
بِرُوحِ الْقُدْسِ حَتَّى أَنْأَمِيَ بِاسْمِكَ بَيْنَ الْأَقْوَامِ وَابْشُرْ بِظُهُورِ مَلَكُوتِكَ بَيْنَ الْأَنْبِيَاءِ رَبِّ أُنْزِلْ عَلَيَّ قُوَّةً بِقُدْرَتِكَ وَسُلْطَانًا
بِمَشَاهِدَةِ الْأَنْوَارِ وَأَسْمَعْنِي نَغْمَاتِ طُيُورِ الْقُدْسِ مِنْ مَلَكُوتِ الْأَسْرَارِ وَاجْتَنِبْ قَلْبِي بِمَحَبَّتِكَ بَيْنَ الْأَبْرَارِ رَبِّ أُيْدِنِي
رَبِّ رَبِّ لَكَ الْحَمْدُ وَ الشُّكْرُ بِمَا هَدَيْتَنِي سَبِيلَ الْمَلَكُوتِ وَ سَلَكْتَ بِي هَذَا الْمَصْرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ الْمُمْدُودَ وَ تَوَرَّتْ بَصْرِي
لَوْحِ سَوْمِ دُورِهِ دُومِ الْمَوَاجِ فِرَامِينَ تَبْلِيغِي حَضْرَتِ عَبْدِالْبَهَاءِ

AB00189AID

نما، همواره مشام از تفحلت قدس معطر کن و در دو جهان روی منور نما و خوی معتبر توئی دهنده و بخشنده و توانا.
هوالمه ای پروردگار، این جوهر ابرار را یار و یاور باش، کامکار کن بزرگوار

AB00204PRO

را به غزلخوانی بخوان و حقایق و معانی تعلیم ده. توئی پروردگار توئی کردگار توئی مجلی طور در کشور انوار.
بارین موهبت یبار، چمن هدایت بیارا، ریاحین معانی انبات کن و سلطان گل را تلج موهبت بر سر نه و بلبلان روحانی
دیده اهل بصیرت روشن کن، آهنگ ملکوت ابهی به گوش رسان و هر دلتنگ عالم ادنی را خوشوقت کن، ابر رحمت بفرست،
کن تعلمات قدس بفرست و محافل انس معطر نما، فیض قدیم مبنول دار و فوز عظیم شایان نما، نور حقیقت جلوه ده
هوالمه ای پروردگار، به جنود ملاء اعلی نصرت نما و به جیوش ملائکه محبت و صفا اعانت

AB00209UND

پی در پی تأیید و توفیق فرست و بر هر خیر موفق فرما زیرا سزاوار هر عنایتند و لایق هر موهبت وعلیهم البهاء الابهی.
هوالمه ای پروردگار، این ابرار را از ملکوت اسرار

AB00210BIR

أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ عَلَى مَا تَشَاءُ وَإِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ع ع . لَوْحِ دُومِ دُورِهِ دُومِ الْمَوَاجِ فِرَامِينَ تَبْلِيغِي حَضْرَتِ عَبْدِالْبَهَاءِ
الْمَقْلَهْرَةِ وَ قُدْرَتِكَ الْمُنَافَذَةِ حَتَّى يَنْطِقَ لِسَانِي بِمَحَامِدِكَ وَ نَعْوَتِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَ يَطْفَحُ جَنَانِي بِرَحِيْقِ مَحَبَّتِكَ وَ مَعْرِفَتِكَ إِنَّكَ
وَ تَحِيْطُ بِتَوْفِيقَاتِكَ الَّتِي تَجْعَلُ الْمِنَابِ عِقَابًا وَ الْقَطْرَةَ بِحُورًا وَ أَنْهَارًا وَ الْمَتْرَاتِ شَمُوسًا وَ أَنْوَارًا رَبِّ أُيْدِنِي بِقُوَّتِكَ
نَاصِيًا لِنَشْرِ تَعَالِيمِكَ بَيْنَ الْعَمَمِ وَ إِنِّي أَنْتَوِّقُ بِهَذَا الْآنَ يَوْيِدِنِي نَفْثَاتِ رُوحِ الْقُدْسِ وَ يَنْصُرْنِي جُنُودَ مَلَكُوتِكَ الْأَعْلَى
الهِى الْهِى تَرَانِي مَعَ تَلِي وَ عَدَمِ اسْتِعْدَادِي وَ اِقْتِدَارِي مَهْتَمًا بِعِظَائِمِ الْأُمُورِ قَلْبًا لِاعْلَاءِ كَلِمَتِكَ بَيْنَ الْجُمْهُورِ،

AB00518

بیان عجز چاره‌الی نه و به‌غیر از اعتراف به قصور بهانه‌الی نیست، تو غنی متعالی و مقدس از ادراک عقول اهل کمال ...
بشری. نتایج فکریه چگونه به‌لمعارج الهیه رسد و عنکبوت اوهام چگونه به‌لعاب ظنون و افهام بر رفرق تقدیس تند، جز
توان نعت و ستایش حضرت بیچون گفت، آنچه گویم و جویم از مدرکات عالم انسانی است و در تحت احاطه عالم
امر عسیر، زبان آلتی است مرکب از عناصر، صوت و بیان غرضی است از عوارض، به آیت عنصری و صوت عارضی چگونه
آمرزگارا، چگونه زبان به‌استیاضت گشایم و پرستش و نیایش نمایم، تقریر عین تقصیر است و تحریر دلیل نادانی در این
هوالمه ای پروردگار

فضلك و مولهتک ثم اقبل منا يا محبوبنا ما عملناه في سبيلك ، انك انت المقتدر المتعلى المفرد الواحد القفور الغطوف .
 بان لا ترجعها الا بكنوز عطائك و احسانك ، اى رب فاكتب لنا و لا بنا كلمة الغفران ثم افض لنا ما اردناه من طمطم
 على ما كان و ما يكون ، لا اله الا انت المهيمن القيوم ، اى رب ترى ايلالى المرعاء مرتفعة الى سماء جودك و كرمك اسألك
 ارواحنا فى جبروتك و اسمائنا فى ملكوتك و اجسادنا فى كنايز حفظك و اجسامنا فى خزائن عصمتك ، انك انت المقتدر
 سحاب رحمتك ليظهرنا عن ذكر غيرك و يقربنا الى شاطى بحر فضلك ، اى رب فاكتب لنا من قلمك الاعلى ما يبقى به
 باعلى النداء فى ملكوت الانشاء و يدعوا الكل الى سدرية المنتهى و المقام الاقصى ، بان تنزل علينا و على عبادك من اطار
 النفس و الهوى و تؤيدهم على ما يتقهم فى الاخيرة و الاولى ، اى رب اسألك باسمك المكنون المخزون الذى يناسى
 و احاطتهم المأساء و المضراء بما اعرضوا عن المورى و اقبلوا الى الافق الاعلى ، اى رب اسألك بان تحفظهم من شئوننا
 لندلك الاحلى الذى ارتفع من المقام الاعلى باسمك الابهى اى رب فأنصر احييتك الذين تبذوا ما عندهم رجاء ما عندك
 من سماء مشيتك اى رب ترى عيونهم ناطرة الى افق عنايتك و قلوبهم متوجهة الى بؤهور الطلاق و اصولهم خاشعة
 فارحم يا الله العالم و مالك القديم و سلطان الامم ، عبادك الذين تمسكوا بحبل اولمرك و خضعوا عند ظهورك احكامك
 ايامك و لا تمنعهم عن رشحات بحر رضائك ، اى رب قد شهدت الترات بقدرتك و سلطانتك و الايات بعظمتك و اقتدرتك
 يا من بيدك زمام الممكنات و فى قبضتك ملكوت الاسماء و الصفات ، بان لا تحرم عبادك عن اطار سحاب رحمتك فى
 بامرك و ارادتك و يقومون فى الاسحار لذكرك و ثنائك رجاء ما كنز فى كنايز فضلك و خزائن جودك و كرمك ، اسألك
 هو العزيز المنان يا الله الرحمن و المقتدر على الامكان ترى عبادك و ارقائك الذين يصومون فى الايام

و نیروی بازو بخش تا به آرزوی خویش رسند و از کم و بیش در گذرند و آن مرز و بوم را چون نمونۀ جهان بالا نمایند.
 دانشمندان نمایند، آئین آسمانی بیاموزند و بخشش یزدانی آشکار کنند. پس ای پروردگار مهربان، تو پشت و پناه باش
 تا از آن باران بخششت بهره‌ای به یاران دهند و کودکان خود را به نیروی پرورش در آغوش هوش پرورده رشک
 است بیدار شو بیدار شو. ای پروردگار بزرگوار، حال انجمنی فراهم شده و گروهی همداستان گشته که به جان بکوشند
 سبز و خرم شد و مرغان چمن به ترانه و آهنگ همدم شدند، هنگام شادمانی است، پیغام آسمانی است، بنگله جاودانی
 بجنیب و خاکدان گلستان شد و خاک سیاه رشک بوستان گشت، جهان جهانی تازه شد و آوازه بلند گشت، دشت و کھسار
 جوش آمد و آفتاب بهش نردمید، بهار تازه رسید و بلد جانپور و زید و ایر بهمن بارید، پرتو آن مهر مهرپور تابید، کشور
 گشت و بزرگان نازینش آواره و دربه‌ایر هر کشور دور، پرتوش تاریک شد و رودش آب باریک تا آنکه دریلی بخششت به
 شد و اختر بزرگواریش پنهان در زیر روپوش، بلد بهارش خزان شد و گلزار دلربایش خارزار، چشمه شیرینش شور
 رشک باغ بهشت، هوش پیغام سروش و جوشش چون دریلی ژرف پر خروش. روزگاری بود که آتش دانشش خاموش
 نمایان، کشورش مهر پرور و کشت بهشت آسایش پر گل و گیله جان پرور و کھسارش پر از میوه تازه و تر و چمن زارش
 مشکبیز فرموسی و شورانگیز و دانش‌خیز و گوهرریز، از خورش همواره خورشیدت نور افشان و در باختش مله تابان
 بنام یزدان مهربان پاک یزدانا، خلک ایران را از آغاز

فانصر امرك و اخذ اعدائك ثم اكتب لنا خیر الآخرة و الاولى ، انك انت المحق علام الغيوب لا اله الا انت القفور الكريم .
 السنة عز الاجباك ثم قدر فيها ما يستشرق به شمس قدرتك عن افق عظمتك و يستضيئ بها العالم بسطانتك ، اى رب
 بريتك ، اى رب هنيه ساعية جعلتها خير الساعات و تسبته الى افضل خلقك ، اسألك يا الهى بك و بهم بان تقدر فى هنيه
 تقربوا اليك و منعوا عن لقاك و منهم من تخلوا فى جولرك طلبا للقاك و حال بيئهم و بيتك سبحات خلقك و ظلم طفلة
 و منهم الذين جعلهم المشركون اسارى فى مملكتك و منعوهم عن التقرب اليك و المؤرود فى ساحة عزك و منهم يا الهى
 السموات و الارضين ، فى الهى ترى ما ورد على اجباك فى ايامك فوعزتک ما من ارض الا فيها ارتقع ضجيج اصفياك

ممانتنا يُحِبُّكَ ثُمَّ ارْزُقْنَا لِقَائِكَ فِي عَوَالِمِكَ الَّتِي مَا اطَّلَعَ بِهَا أَحَدٌ إِلَّا تَقَسَّكَ إِنَّكَ أَنْتَ رَبُّنَا وَرَبُّ الْعَالَمِينَ وَالْمَنَا وَاللهَ مَنْ فِي خِلَاصًا لَوْجَهَكَ وَمُتَقَطِّعًا عَنْ دُونِكَ فَانْزِلْ عَلَيْنَا يَا اللهُ مَا يَتَّبِعُ لِفَضْلِكَ وَيَلِيْقُ لِحُجُودِكَ ثُمَّ اجْعَلْ يَا اللهُ حَيَاتِنَا بِذِكْرِكَ وَالْإِعْظِيمِ وَصَامُوا فِيهِ بِمَا أَمَرْتَهُمْ فِي الْوَالِحِ أَمْرِكَ وَصَحَائِفِ حُكْمِكَ فَانْزِلْ عَلَيْهِمْ مَا يُقَدِّسُهُمْ عَمَّا يَكْرَهُهُ رِضَاؤُكَ لِيَكُونُوا فِي الْقَرِيبِ مُتَعَوِّدًا عَنْ زِيَارَةِ طَلْعَتِكَ وَفِي الْوَصَالِ جُغُلُوا مُحْرُومًا عَنْ لِقَائِكَ أَيْ رَبِّ هَؤُلَاءِ عِبَادٌ تَخَلَّوْا بِمَعَكَ فِي هَذَا الْمَسْجِدِ مَشِيَّتِكَ إِلَى أَنْ ادْخَلْتَهُمْ فِي ظِلِّ قِبَابِ رَحْمَتِكَ وَوَفَّقَهُمْ عَلَى مَا يَتَّبِعُ لِهَذَا الْمَقَامِ الْإِسْنَى أَيْ رَبِّ لَا تَجْعَلْهُمْ مِنَ الَّذِينَ الْحِصَاةُ فِي قَبْضَةِ مُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ فِيَا اللهُ هَؤُلَاءِ عِبَادُكَ الَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ مُعَاشِرَ نَفْسِكَ وَمُؤَانِسَ مَطْلَعِ نَائِكَ وَقَرَقْتَهُمْ أَرِيَاحَ عَمَّا قَدَرْتَهُ فِي هَذَا الظُّهُورِ الَّتِي بِهِ يَنْطِقُ كُلُّ شَجَرَةٍ بِمَا تَطُقُ سِدْرَةُ الْمَسِينَاءِ لِمُوسَى كَلِيمِكَ وَيَسْبِيحُ كُلُّ حَجَرٍ بِمَا سَبَّحَ بِهِ شَوْقًا لِلِقَائِكَ وَاجْتَنَّتْهُمْ تَفْحَامَتُ وَحِيكَ عَلَى شَأْنٍ يُسْمَعُ مِنْ كُلِّ جُزْءٍ مِنْ أَجْزَاءِ أَسْمَانِهِمْ نَذْرًا وَتَنَاوُكًا بِأَنْ لَا تَجْعَلْنَا مُحْرُومًا عَلَى وَجْهِ بَرِيَّتِكَ وَمَصَارِيْعِ عِنَايَتِكَ لِمَنْ فِي أَرْضِكَ اسْتَأْذَنَ بِالَّذِينَ سَفَكَ دِمَاؤَهُمْ فِي سَبِيلِكَ وَانْقَطَعُوا عَنْ كُلِّ الْجِهَاتِ فَانْزِلْ عَلَيْنَا وَعَلَيْهِمْ مِنْ سَحَابِ رَحْمَتِكَ مَا يَتَّبِعُ لِسَمَاءِ فَضْلِكَ وَكَرَمِكَ مُسَبِّحَاتِكَ هَذِهِ سَاعَةٌ فِيهَا فَتَحَتْ أَبْوَابُ جُودِكَ لِذِكْرِكَ وَتَنَاوُكًا وَيَقْرُونَ مِنَ التَّوْحِيدِ لِقَرِيْبِكَ وَعِنَايَتِكَ لَمْ يَزَلْ طَرُقَهُمْ إِلَى مَشْرِقِ الْمَطْلَقِ وَوَجْهَهُمْ إِلَى مَطْلَعِ الْمَهْلَمِ كَأَسْ ذِكْرِكَ فِي الْأَسْحَارِ يَا رَبِّ الْأَرْبَابِ أَوْلِيْكَ عِبَادٌ اجْتَنَّتْهُمْ سُكْرُ خَمْرٍ مَعَارِفِكَ عَلَى شَأْنٍ يَهْرُبُونَ مِنَ الْمَضْجَعِ شَوْقًا لِكُلِّ نَفْسٍ مِنْهَا نَصِيْبًا فِي لَوْحِ قَضَائِكَ وَزَيْرٍ تَقْدِيرِكَ وَاجْتَنَّتْ كُلُّ وَرَقَةٍ مِنْهَا بِحُزْبٍ مِنَ الْأَحْزَابِ وَقَدَرْتَ لِلْعَشَاقِ لِمَنْ فِي أَرْضِكَ وَسَمَائِكَ وَاجْتَنَّتْ كُلُّ سَاعَةٍ مِنْهَا بِقَضِيْلَةٍ لَمْ يُحِطْ بِهَا إِلَّا عِلْمَكَ الَّتِي أَحَاطَ بِهَا الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا وَقَدَرْتَ يَا اللهُ هَذِهِ أَيَّامٌ فِيهَا فَرَضْتَ الصِّيَامَ عَلَى عِبَادِكَ وَبِهِ طَرُرْتَ دِيْبَايَ كِتَابِ أَوْلِيَا أَمْرِكَ بَيْنَ بَرِيَّتِكَ وَزَيْتِ صَحَائِفِ أَحْكَامِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى بِسْمِ اللهِ الْإِلَهِيِّ

AB02326

ده و این افتادگان را در کھف حفظ و حمایت خویش از شَرِّ اهل نفاق محفوظ دار. اَنْتَ الْحَالِقُ الْمَقْتَدِرُ الْعَزِيْزُ الْمَقْدِيْرُ. اى پروردگار بى انباز، مقدسى و منزّه، رحيمى و مهربان، مجيبى و دستگير، اين بيچارگان را در پناه خود منزل هوالمه

AB03082

نابت کن، مستقيم فرما و در محفل اسرار همدم و نديم کن، اى كريم، توئى صاحب فضل عظيم، اِنَّكَ أَنْتَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ. شُكْرُ الْمَطْلَفِ دَرِ نِيَايِمِ كِه چنين موهبتى مبذول فرمودى و چنين احسان رايگان داشتى. اى يزدان مهربان، ثابت نما و را از معين عين تسنيم نوشانيدى، پس اگر در دهان صد هزار زبان بگشاييم و به هر زبان حمد و ستايش تو نمايم از عهدۀ اين مستمند را به گنج روان دلالت فرمودى، اين قافلۀ گمگشته را به كعبۀ مقصود هدايت فرمودى و اين ماهى تشنه لب هوالمه اى پروردگار، ستايش تو را كه اين بي‌انوا را با نوا كردى و

AB03082

اشْرَحَ صَدْرَهُ وَأَوْقَدَ مُصْبَاحَهُ فِي خِدْمَةِ أَمْرِكَ وَعِبَادَتِكَ، إِنَّكَ أَنْتَ الْكَرِيمُ الرَّحِيمُ الْمَوْهَبُ وَأَنْتَ الْعَزِيْزُ الرَّؤُفُ الرَّحْمَنُ. إِنَّكَ أَنْتَ الْكَرِيمُ الرَّحِيمُ الْمُتَعَالِ. هَذَا مَا يُنَادِيكَ بِهِ ذَلِكَ الْعَبْدُ فِي الْبُكُورِ وَالْأَصْلَالِ أَيْ رَبِّ حَقِّقْ أَمَالَهُ وَتَوَرَّ اسْرَارَهُ وَالْمَنْفَاءَ وَاجْعَلْنِيْ غُبَارًا فِي مَمَرِ الْأَحْبَاءِ وَاجْعَلْنِيْ فِدَاءً لِلْأَرْضِ الَّتِي وَطَّئْتُهَا أَقْدَامِ الْأَصْفِيَاءِ فِي سَبِيلِكَ يَا رَبِّ الْعِزَّةِ وَالْمَعْلَى وَاعْنَى عَلَى الْمَوَاطِبَةِ عَلَى الْإِنْعَادِ فِي رَحْبَةِ رُبُوبِيَّتِكَ أَيْ رَبِّ اسْقِنِيْ كَأْسَ الْمَنْفَاءِ وَالْمِسْنَى تَوْبَ الْمَنْفَاءِ وَاعْرِقْنِيْ فِي بَحْرِ أَحْدَيْتِكَ وَتَوَرَّ جَنِيْنِيْ بِأَنْوَالِ التَّعْبُدِ فِي سَاحَةِ قُدْسِكَ وَالتَّبْتُلِ إِلَى مَلَكُوتِ عَظَمَتِكَ وَحَقِّقْنِيْ بِالْمَنْفَاءِ فِي فَنَاءِ بَابِ الْوَهْيَتِكَ مُتَوَكِّلَ عَلَيْكَ مُتَضَرِّعَ بَيْنَ يَدَيْكَ يُنَادِيكَ وَيُنَاجِيكَ وَيَقُولُ رَبِّ أَيْدِيْ عَلَى خِدْمَةِ أَحْبَائِكَ وَقُوْنِيْ عَلَى عُبُودِيَّةِ خَضْرَةَ وَتَعَمَّرَهُ فِي بَحْرِ رَحْمَةِ صَمْدَانِيَّتِكَ أَيْ رَبِّ إِنَّهُ عَبْدُكَ الْبَائِسُ الْفَقِيْرُ وَرَقِيْقُكَ الْمَسْأَلُ الْمَتَضَرِّعُ الْأَسِيْرُ مُبْتَهِّلُ إِلَيْكَ

اهل التحلیق و المنوعات من اولی الالباب ان تنظر الی عبدک الخاضع الخاشع بباب احدیتک بلحظت العین زحماتیک
نارد هو الابهی الیهی الیهی انی اُسْتُ المیک اکف المتضرع و المتبتل و الابهال و اعقر وجهی بتراب عتبه تقدست عن ادراک
این مناجات را هر نفسی به کمال تضرع و ابتهال بخواند سبب روح و ریحان قلب این عبد گردد و حکم ملاقات

AB04172

بلکه آنچه مقتضای غنی مطلق و قوت و قدرت تست ارزانی کن. توئی رحیم توئی رحمن توئی بخشنده توئی مهربان.
ولی تو قوی هستی و هر چند فقیریم تو غنی هستی و هر چند ذلیلیم تو عزیز هستی، پس نظر به فقر و ضعف مفرما
کن و محرومان را به هر عطائی سزاوار فرما، توئی بخشنده توئی دهنده و توئی مهربان. ای پروردگار، هر چند ضعیفیم
یابند. خداوندا، کوران را بینا کن و کران را شنوا نما، مردگان را زنده کن و پژمردگان را تر و تازه فرما، نومیدان را امیدوار
فرما، طفلان را در مهد عنایت پرورش ده تا به بلوغ برسند، مریضان را به درمان آسمانی درمان فرما تا صحت و عافیت
را مسرور کن و مرغان بال شکسته را پرواز ده، تشنگان را از سلسبیل عنایت بنوشان و فقیران را از گنج ملکوت مستغنی
پناه ده، نادانان را بر اسرار حقیقت آگاه کن، بیچارگان را ملجأی بخش و آوارگان را سر و سامانی ده، دل‌های شکسته
و غرب از انوار مشرق جمال متور است و مشام روحانیان از تفحلت قدست معطر. خداوندا، بندگان را در ظل عنایت
هوالمه رحمانا رحیما کریم، شرف

AB05167

تو می‌دانی که از هر چیزی گذشته‌ام و از هر فکری فارغ شده‌ام، جز نکر تو شغلی ندارم و جز خدمت آرزوئی نخواهم.
ای خدا، در سببیت هر بلائی را مهیا هستم و هر صدمه‌ای را به جان و دل آرزو نمایم. ای خدا، از امتحان محافظه نما،
و این دردمند را درمانی ده و این مریض را علاجی عطا کن، با قلبی سوزان و چشمی گریان به درگاهت مناجات می‌نمایم
و صحرا نهم و فریاد به ظهور ملکوتت نمایم و ندایت را به جمیع گوش‌ها برسانم. ای خدا، این بیچاره را چاره‌ای بخش
بکوشم و جان و دین را در راهت فدا نمایم، توئی دانا توئی بینا هیچ آرزوئی جز این ندارم که از محبت سر به کوه
دل و جان آرزوئی ندارم جز آنکه به رضایت موقت گردم و به عبودیتت مؤید شوم، به خدمت پردازم و در کرم عظیمت
هوالمه ای خدا، تو شاهدی و گواهی که در

AB05553

امتحانات شدید حفظ فرما و در پناه رحمانیت از حوادث زمانه محروس دار. توئی مقتدر و توانا و توئی حاضر و بینا.
چمنزار حقیقتند و شکوفه بوستان معرفت، آواره توآند و بیچاره تو، افتاده تو آند و دلداده تو، در ظل جناح احدیتت از
ملکوت ابهات رایگان کن و رحمت افق اعلایت شایان فرما زیرا منجذب جمال نورانیند و زنده از نفس رحمانی، سبزه
هوالمه ای پروردگار، این یاران را بنواز و به آتش عشق بگداز و به رازت دمساز نما، موهبت

AB05652

. ای خداوند مهربان، این اقتران را اسباب تولید تر و مرجان فرما، اِنَّكَ اِنَّتَ الْمُقْتَدِرُ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ الْمَرْحَمُ الرَّحِيمُ.
بر ساحل وجود ریزد. مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ فَبِئْسَ آلَاءَ رَبِّكُمَا تَكْتُمِبَانِ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْزُ وَالْمُرْجَانُ
و وسیله حصول فیض جاودان فرما تا از اجتماع آن دو بحر محبت، موج الفت بر خیزد و لثالی سلاله نجیبه مقدسه
و ما خلقت الجن و الإنس إلا لیعبدنون ، حال این دو مرغ آشیانه محبتت را در ملکوت رحمانیت عقد اقتران بند
یابد و همواره تا جهان باقی به عبودیت و عبادت و پرستش و ستایش و نیایش درگاه احدیت مشغول و مألوف گردند
هوالمه ای خداوند بیمانند، به حکمت کبرایت اقتران در بین اقربان مقدر فرمودی تا سلاله انسان در عالم امکان تسلسل

کن. از جامِ محبتِ لبریز نما تا شور و ولهی انگیزد و مُشک و عنبری بیزد. تویی مقتدر و توانا و تویی دانا و بینا. ع. ع
هُوالله ای جلیل اکبر، این کنیز صغیر را دختر خوش اختر فرما و در درگاه احدیت عزیز

AB10701

و قوتی بخش تا جناحِ فلاح برویانیم و در این فضلی غیرمتناهی آغاز پرواز کنیم و به ملکوت ابهات دمساز گردیم.
ولی اوکار اقتدار جوئیم و بی‌ایر و بالیم ولی اوج عظیم طلبیم و رفرفِ اعلی آرزو نمائیم، پس عنایتی مبنول فرما
هُوالله ای پروردگار، مرغان زاریم ولی در پناه تو آشیانه نمودیم، طیور خاکساریم

AB10703RAD

باقی همدم و همراز نما. قوت تأیید بخش و به تفتلت رُوح القدس تقویت نما تا به خدمت قیام نماید. تویی توانا. ع. ع
ای پروردگار این دختر ملکوت را در دو جهان عزیز نما. از جهان خاک و خاکیان بیزار کن و به جهان

AB10714

به خدمت عالم انسانی فرما. خدایا، این اطفالُ دردانه‌اند، در آغوش صدف عنایت پرورش ده. توئی بخشنده و مهربان.
اطفال نازنینُ صنعِ دست قدرت تو اند و آیات عظمت تو. خدایا این کودکان را محفوظ بدار، مؤید بر تعلیم کن و موفق
هُوالله ای خداوند مهربان، این

AB10769

بگو ای اله من و محبوب من و سید من و سید من و مقصود من
تو و آفتاب عنایت و سماء فضل تو که مقدر فرمائی از قلم اعلی از برای این امه خود آنچه سزاوار بزرگی تو است.
این سائلی است اراده بلب تو نموده و فقیری است قصد دریای غنای تو کرده. سؤال می‌نمایم تو را به دریای بخشش
و جمیع قلوب از عرفانت قاصر بوده و خواهد بود. ای پروردگار من، عجز و فقر و فانی کنیز خود را مشاهده می‌نمائی
می‌اهد جان و روان و لسان به اینک واحد بوده‌الی و شبه و مثل برای تو نبوده و نخواهد بود. جمیع المُن از وصفت عاجز
شهادت

AB11356

سحاب عنایت پرورش فرما. گلیه حقیقه محبتم، درخت بارور کن. توئی مقتدر و توانا و توئی مهربان و دانا و بینا.
هُوالله خدایا، طفلم در ظل عنایت پرورش ده. نهال تازه‌ام به رشحت

AB11605

تا به انوار محبت روشن و منیر گردد و به الماهات روحانیّه و معنویّه ملهم فرما تا عالم وجود را چون بهشت برین نماید.
هُوالله ای رحمن ای رحیم، دلی چون مرآت لطیف صافی عطا کن

ABU0009SER

مورسی ملجأ و پناه باش و در هر مقصدی معین و مستعان گرد. توئی مقتدر و توانا و توئی دهنده و شنونده و توانا و بینا. را وجود بخشیدی، تشنگان را آب گوارا دادی و گرسنگان را سفره مهنا گستردی و نعمت مهیا رایگان نمودی، پس در هر هوالله ای پروردگار، این آوارگان را به سایه خویش در آوری و سر و سامان دادی، نیستی را هستی دادی و نابود

ABU0030SHE

بخش، از بحر عنایت قطره‌الی برسان و از نهر موهبت رشحه‌الی مینول کن تا حیات تازه یابم و موهبت بی‌اندازه جویم. مقرر ده و این عبد حزین را در سایه شجره سرور مأوی بخش، این بی‌انصیب را نصیبی عنایت کن و این بی بهره را بهره‌الی الله ابھی ای پروردگار مهربان ای یزدان پاک، این بنده ضعیف را در ظل کلمه رحمانیت

ABU0095KIN

فرمودی و بخشش افزودی و این مرغان را به آشیانه و لانه و کاشانه بلند راه بنمودی. توئی بینا و دانا و توانا و شنوا. را شادمان فرما، تشنگان را سیراب کن و آزرندگان را آسایش دل و جان بخش. ستایش تو را که راه نمودی و رهبر بیابند و جهان بیارایند. ای بخشنده، چرنده و پرنده را پناهی و به راز درون آگاه، جویندگان را یابندگان کن و آرزومندان بهشت برین، زیرا روی تو جویند راه تو پویند راز تو گویند و هر دم در جستجویند که آنچه شایان این روزگار است هوالله ای پروردگار، این گروه جان نثار یاران دیرینند و با هم همدم و همنشین، گفتگو شیرین و شکرین و بزم مانند

ABU0129EDU

ده، از اطفال ملکوت کن و به جهان لاهوت هدایت فرما. توئی مقتدر و مهربان و توئی دهنده و بخشنده و سابق الانعام. پرورش فرما و از تکی عنایت شیر ده، این نهال تازه را در گلشن محبت بنشان و به رشحات سحاب عنایت پرورش هوالله خداوندا، این طفل صغیر را در آغوش محبت

ABU0188TUR

تو سلوک نمائیم، جستجوی تو نمائیم و مشاهده جمال و کمال تو کنیم. توئی بخشنده توئی مهربان توئی قادر و توانا. طیبه باشیم از هر گلی انتشار یابد. خداوندا ما را از عالم محدود نجات ده و به جهان نامحدود خویش رسان تا در سبیل عنایتی فرما که تو را بشناسیم و عاشق جمال تو باشیم، جویای شمس حقیقت باشیم از هر افقی طالع شود، طالب رائج زنده کن نفوس خواب را بیدار نما. خداوندا ما را از هر قیدی آزاد فرما و به جهان نامحدود خویش دلالت کن. خداوندا هوالله ای خداوند مهربان، بصیرت‌ها را روشن کن گوش‌ها را شنوا نما دل‌های مرده را

BB00002ENA

از شهوات هوائی و اخلاق شیطانیه محفوظ و مصون بدار تا روح بنفحات قدس انس گیرد و از نکر دون تو صائم گردد. مشتهیات جسمانی و اشتغال بطعام و شراب باز ماندم دل و جانم را از محبت غیر خویش پاک و مقدس کن و نفسم را ای پروردگار همچنانکه از

مرا مستقیم بر امرت بدار و در امتحان ثابت بر محبت کن و در دریای عنایتت مستغرق فرما. توئی دهنده و مهربان. هو پروردگارا،

درگاه است معامله کن و هر چه شایگان بارگاه است شایان فرما تویی غفور تویی عفو و تویی بخشنده هر قصور. ع ع امید به وعده و نوید تو داریم و هر چند در ظلمت خطا مبتلاییم ولكن توجه به صبح عطا داشته و داریم به آنچه سزاوار و غفران و آمرزش ارزان کن تویی آمرزنده و تویی غفور تویی بخشنده فیص موفور ای آمرزگار هر چند گنه کاریم ولی پدر و مادر این بنده درگاه را در دریای غفران غوطه ده و از گناه و خطا پاک و مقدس نما عفو و بخشش شایان نما هوالله ای پروردگار

که جودت وجود را موجود فرمود و به افق اعلی راه نمود. عبادت را از صراط مستقیمت منع مفرما. توئی قادر و توانا. امطار سحاب رحمت آیش ده. توئی آن کریمی که عصیان عالم تو را از کرم منع نمود و از بدایع فضلت باز نداشت، توئی الها مغبودا این نهالی است تو غرس نمودی، از

تو گرم و رسوائیان کوی تو، این موهبت را شایان فرما و این عنایت را رایگان کن. توئی پروردگار و توئی آمرزگار. و از مادونت در کنار ای پروردگار، موفق بدار تا از سوائیان تو گرم و از شیدائیان تو شوم، سر دفتر مجنونان روی و فغانی نکنم و جز در پناه احدیت امن و امان نجویم، بیزار از هر بیگانه‌ام و به یگانگی تو دل بسته‌ام، از غیر تو بیزارم میثاق راهی و کامی نجویم، شب و روز دردمند درد توام و روز و شب مجروح تیغ و خدیگ تو، جز به ملکوت ابهائیت ناله هوالاهی ای خداوند، تو شاهد و آگاهی که در دل و جان جز آرزوی رضای تو مرادی ندارم و جز در بزم

هو می مشاهده میشوند نجات را امل و بخششهای قدیمت را سائل توئی قادر و توانا و معین و دانا. حضرت بهاءالله رجا از قلوب طالبانت قطع نشده و نمی شود گواه این مقام کلمه مبارکه لا تقنطوا ای کریم عبادت در بحر نفس و جدیدی مزین نمائی و باسم بدیعی فائز فرمائی توئی آنکه از اراده ات ارادات عالم ظاهر و از مشیتت مشیات امم نافذ عشاق رویت لقاییت را چون خلق از تو و امید مکنونه قلب از تو سزاوار آنکه امام وجوه اغیار محرمان کویت را پطراز چه ای کریم تیر رحمتت از افق هر شئی ظاهر و نجم عطاییت از هر شرطی ساطع محتاجان بابت عطاییت را میطلبند و بر بخشش گواهی است صادق و شاهدیت ناطق چه اگر کرم نبود دست ارتفاع را نمیاموخت تراب چه و ارتفاع هستیت مقدس از دلیل و برهان و استوائت بر عرش مژده از ذکر و بیان رجالی افنده و قلوب و ارتفاع ایادی نفوس رفعت و عظمتت مقرر و معترف ای دریای کرم قطره بشرطت توجه نموده و ای آفتاب جود وجود جودت را طلب کرده کلمه مبارکه منع منما و از حرارت محبت محروم مساز دریاهای عالم بر رحمت محیطه ات شاهد و گواه آسمانها بر الها مغبودا مسجودا این مشیت خاک را از اهتزاز

وَأَنْتَ الْمَبْقَى يَا بَاقِي بَكَ يَا نَقْدَكَ يَا لِحْظَكَ يَا لِقْظَ أَنْتَ الْمَكَفَى وَأَنْتَ الْمَشَافِي وَأَنْتَ الْمَبْقَى يَا بَاقِي يَا ظَهْرُ
 يَا رَأْفَ أَنْتَ الْمَكَفَى وَأَنْتَ الْمَشَافِي وَأَنْتَ الْمَبْقَى يَا بَاقِي بَكَ يَا نَابِتَكَ
 بَاقِي بَكَ يَا وَهَاجَ بَكَ يَا بَلَّاجَ بَكَ يَا تَهَاجَ أَنْتَ الْمَكَفَى وَأَنْتَ الْمَشَافِي وَأَنْتَ الْمَبْقَى يَا بَاقِي بَكَ يَا وَهَابَ بَكَ يَا عَطَافَ بَكَ
 وَأَنْتَ الْمَشَافِي وَأَنْتَ الْمَبْقَى يَا بَاقِي بَكَ يَا وَشَقَ بَكَ يَا عَشَقَ بَكَ يَا فَلَاقَ أَنْتَ الْمَكَفَى وَأَنْتَ الْمَشَافِي وَأَنْتَ الْمَبْقَى يَا
 بَكَ يَا جَذِيبَ أَنْتَ الْمَكَفَى وَأَنْتَ الْمَشَافِي وَأَنْتَ الْمَبْقَى يَا بَاقِي بَكَ يَا جَلَالَ بَكَ يَا جَمَالَ بَكَ يَا فَضَالَ أَنْتَ الْمَكَفَى
 بَاقِي بَكَ يَا فَتَاحَ بَكَ يَا تَصَاحَ بَكَ يَا تَجَاحَ أَنْتَ الْمَكَفَى وَأَنْتَ الْمَشَافِي وَأَنْتَ الْمَبْقَى يَا بَاقِي بَكَ يَا حَبِيبَ بَكَ يَا طَبِيبَ
 وَأَنْتَ الْمَشَافِي وَأَنْتَ الْمَبْقَى يَا بَاقِي بَكَ يَا سُبُوحَ بَكَ يَا قُدُوسَ بَكَ يَا تَزُوهَ أَنْتَ الْمَكَفَى وَأَنْتَ الْمَشَافِي وَأَنْتَ الْمَبْقَى يَا
 أَنْتَ الْمَكَفَى وَأَنْتَ الْمَشَافِي وَأَنْتَ الْمَبْقَى يَا بَاقِي بَكَ يَا نِكْرًا لِأَعْظَمَ بَكَ يَا اسْمَ الْكَرِيمِ بَكَ يَا رَسْمَ الْإِقْدَمِ أَنْتَ الْمَكَفَى
 يَا جَانِ بَكَ يَا جَانَانَ بَكَ يَا إِيْمَانَ أَنْتَ الْمَكَفَى وَأَنْتَ الْمَشَافِي وَأَنْتَ الْمَبْقَى يَا بَاقِي بَكَ يَا سَاقِي بَكَ يَا عَالِي بَكَ يَا غَالِي
 وَأَنْتَ الْمَبْقَى يَا بَاقِي بَكَ يَا كَشَفَ بَكَ يَا نَشَفَ بَكَ يَا عَاطَفَ أَنْتَ الْمَكَفَى وَأَنْتَ الْمَشَافِي وَأَنْتَ الْمَبْقَى يَا بَاقِي بَكَ
 أَنْتَ الْمَكَفَى وَأَنْتَ الْمَشَافِي وَأَنْتَ الْمَبْقَى يَا بَاقِي بَكَ يَا غَيْثَ بَكَ يَا مُسْتَعَاثَ بَكَ يَا تَفَاثَ أَنْتَ الْمَكَفَى وَأَنْتَ الْمَشَافِي
 عَطُوفَ بَكَ يَا رُؤُوفَ بَكَ يَا لَطُوفَ أَنْتَ الْمَكَفَى وَأَنْتَ الْمَشَافِي وَأَنْتَ الْمَبْقَى يَا بَاقِي بَكَ يَا مَلَذَ بَكَ يَا مَعَاذَ بَكَ يَا مُسْتَعَاذَ
 الْمَبْقَى يَا بَاقِي بَكَ يَا مَحْفُوظَ بَكَ يَا مَحْظُوظَ بَكَ يَا مَلْحُوظَ أَنْتَ الْمَكَفَى وَأَنْتَ الْمَشَافِي وَأَنْتَ الْمَبْقَى يَا بَاقِي بَكَ يَا
 الْمَكَفَى وَأَنْتَ الْمَشَافِي وَأَنْتَ الْمَبْقَى يَا بَاقِي بَكَ يَا عَظُومَ بَكَ يَا قُدُومَ بَكَ يَا كَرُومَ أَنْتَ الْمَكَفَى وَأَنْتَ الْمَشَافِي وَأَنْتَ
 بَكَ يَا فَاضِلَ بَكَ يَا بَلِّلَ أَنْتَ الْمَكَفَى وَأَنْتَ الْمَشَافِي وَأَنْتَ الْمَبْقَى يَا بَاقِي بَكَ يَا قَبِيْومَ بَكَ يَا دِيمُومَ بَكَ يَا عُلُومَ أَنْتَ
 أَنْتَ الْمَبْقَى يَا بَاقِي بَكَ يَا جَلِيلَ بَكَ يَا جَمِيلَ بَكَ يَا فَضِيلَ أَنْتَ الْمَكَفَى وَأَنْتَ الْمَشَافِي وَأَنْتَ الْمَبْقَى يَا بَاقِي بَكَ يَا عَادِلَ
 سَابِغَ أَنْتَ الْمَكَفَى وَأَنْتَ الْمَشَافِي وَأَنْتَ الْمَبْقَى يَا بَاقِي بَكَ يَا نَافِعَ بَكَ يَا مَائِعَ بَكَ يَا صَائِعَ أَنْتَ الْمَكَفَى وَأَنْتَ الْمَشَافِي وَ
 بَاقِي بَكَ يَا طَالِعَ بَكَ يَا جَامِعَ بَكَ يَا رَائِعَ أَنْتَ الْمَكَفَى وَأَنْتَ الْمَشَافِي وَأَنْتَ الْمَبْقَى يَا بَاقِي بَكَ يَا بَالِغَ بَكَ يَا فَارِغَ بَكَ يَا
 وَأَنْتَ الْمَشَافِي وَأَنْتَ الْمَبْقَى يَا بَاقِي بَكَ يَا صَائِعَ بَكَ يَا قَائِعَ بَكَ يَا قَالِعَ أَنْتَ الْمَكَفَى وَأَنْتَ الْمَشَافِي وَأَنْتَ الْمَبْقَى يَا
 بَكَ يَا غَالِبَ بَكَ يَا وَاهِبَ أَنْتَ الْمَكَفَى وَأَنْتَ الْمَشَافِي وَأَنْتَ الْمَبْقَى يَا بَاقِي بَكَ يَا قَادِرَ بَكَ يَا نَاصِرَ بَكَ يَا سَائِرَ أَنْتَ الْمَكَفَى
 الْمَبْقَى يَا بَاقِي بَكَ يَا مَعْمُورَ بَكَ يَا مَشْهُورَ بَكَ يَا مُسْتَوْرَ أَنْتَ الْمَكَفَى وَأَنْتَ الْمَشَافِي وَأَنْتَ الْمَبْقَى يَا بَاقِي بَكَ يَا غَائِبَ
 أَنْتَ الْمَكَفَى وَأَنْتَ الْمَشَافِي وَأَنْتَ الْمَبْقَى يَا بَاقِي بَكَ يَا رُوحَ بَكَ يَا تَوْرَ بَكَ يَا ظَهْرَ أَنْتَ الْمَكَفَى وَأَنْتَ الْمَشَافِي وَأَنْتَ
 يَا عَزِيزَ بَكَ يَا تَصِيرَ بَكَ يَا قَدِيرَ أَنْتَ الْمَكَفَى وَأَنْتَ الْمَشَافِي وَأَنْتَ الْمَبْقَى يَا بَاقِي بَكَ يَا حَاكِمَ بَكَ يَا قَائِمَ بَكَ يَا عَالِمَ
 وَأَنْتَ الْمَبْقَى يَا بَاقِي بَكَ يَا مَعْشُوقَ بَكَ يَا مَحْبُوبَ بَكَ يَا مَجْدُوبَ أَنْتَ الْمَكَفَى وَأَنْتَ الْمَشَافِي وَأَنْتَ الْمَبْقَى يَا بَاقِي بَكَ
 أَنْتَ الْمَكَفَى وَأَنْتَ الْمَشَافِي وَأَنْتَ الْمَبْقَى يَا بَاقِي بَكَ يَا رَحْمَنَ بَكَ يَا عَظْمَانَ بَكَ يَا قَدِرَانَ أَنْتَ الْمَكَفَى وَأَنْتَ الْمَشَافِي
 بَكَ يَا قَدِسَانَ بَكَ يَا مُسْتَعَانَ أَنْتَ الْمَكَفَى وَأَنْتَ الْمَشَافِي وَأَنْتَ الْمَبْقَى يَا بَاقِي بَكَ يَا عَلِيمَ بَكَ يَا حَكِيمَ بَكَ يَا عَظِيمَ
 وَأَنْتَ الْمَبْقَى يَا بَاقِي بَكَ يَا أَحَدَ بَكَ يَا صَمَدَ بَكَ يَا قَرْدَ أَنْتَ الْمَكَفَى وَأَنْتَ الْمَشَافِي وَأَنْتَ الْمَبْقَى يَا بَاقِي بَكَ يَا سُبْحَانَ
 بَهِيْ أَنْتَ الْمَكَفَى وَأَنْتَ الْمَشَافِي وَأَنْتَ الْمَبْقَى يَا بَاقِي بَكَ يَا سُلْطَانَ بَكَ يَا رَفْعَانَ بَكَ يَا تَيَّانَ أَنْتَ الْمَكَفَى وَأَنْتَ الْمَشَافِي
 بِسْمِ اللَّهِ الْأَمْنَعِ الْأَقْدِسِ الْأَرْفَعِ الْأَبْهَى بَكَ يَا عُلِيَّ بَكَ يَا وَهِيَّ بَكَ يَا

أَصْفِيَاؤَكَ وَاعْتَرَفَ بِمَا اعْتَرَفَ بِهِ أَهْلُ الْفِرْدَوْسِ الْأَعْلَى وَالَّذِينَ طَافُوا عَرَشَكَ الْعَظِيمِ، الْمَلِكِ وَالْمَلَكُوتِ لَكَ يَا اللَّهُ الْعَالَمِينَ.
 تَسْأَلُكَ بَانَ تَحْقُقْنَا مِنْ جُنُودِ الظُّنُونِ وَالْأَوْهَلِمِ، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْعَلَامِ، ثُمَّ يَرْفَعُ رَأْسَهُ يَقْعُدُ وَيَقُولُ: أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِمَا شَهِدَ بِهِ
 ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَيَسْجُدُ وَيَقُولُ: هَذَا الْحَمْدُ يَا إِلَهِنَا بِمَا أَنْزَلْتَ لَنَا مَا يَقْرُبُنَا إِلَيْكَ وَيُرْزُقُنَا كُلَّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ وَرُبْرِكَ، أَيُّ رَبِّ
 وَأَسْرَارِ جَبْرُوتِكَ بَانَ تَعْمَلُ بَأَوْلِيَاءِكَ مَا يَنْبَغِي لِحُجُودِكَ يَا مَلِكِ الْوُجُودِ وَيَلِيقُ لِقَضَائِكَ يَا سُلْطَانَ الْقَيْبِ وَالْمَشْهُودِ، ثُمَّ يَكْبُرُ
 أَنْ تَرْتَفِعَ إِلَى سَمَاءِ كَرَمِكَ، تَرَى يَا إِلَهِي عِبْرَاتِي تَمْتَعُنِي عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْمُنْأَى يَا رَبَّ الْعَرْشِ وَالْمُتْرَى، أَسْأَلُكَ بِأَيْلَاتِ مَلَكُوتِكَ
 يُتَوَبُّ كَيْفِي وَيَغْلِي النَّدْمُ، فِي عُرْزُوقِي، وَجَمَلِكَ يَا مَقْصُودَ الْعَالِمِ أَنْ الْمَوْجَهَ يَسْتَحْيِي أَنْ يَتَوَجَّهَ إِلَيْكَ وَأَيْلَاتِي الْمَرْجَاءَ تَحْجُلُ
 لِسَانَ عَظْمَتِكَ، ثُمَّ يَقُومُ وَيَقُولُ: إِلَهِي الْمَبْقَى عَصِيَابِي أَنْقَضَ ظَهْرِي وَعَقَلْتِي أَلْهَكْتَنِي كُلَّمَا اتَّفَكَّرْتُ فِي سُوءِ عَمَلِي وَحُسْنِ عَمَلِكَ

بما أيدتني على تكرك وثنائك وعزقتني مشرق آياتك وجعلتني خاضعا لربوبيتك و خاشعا لالهيتك ومعتزقا بما نطق به تسملت فجر ظهورك بان تقدر لي زيارة جملك والعمل بما في كتابك ثم يكبر ثلاث مرات ويركع ويقول: تلك الخمد يا الهي الهلكني وبعدك احترقني، أسألك بموطئ قدميك في هذا البئداء وبتينك لبيك أصفيائك في هذا الفضاء وبفحلت ونحيك و اجترحاتي ابعدتني عن التقرب اليك وجريراتي منعتني عن الورود في ساحة قدسك، أي رب حُبك أضلاني وهجرتك ويقول: يا الله الوجود وملك الغيب والمشهود ترى عبراتي و زفرااتي و تسمع ضجيجي و صرخي و حنين فؤالي، وعزتك المكاف بركنه الثون، أشهد أنه هو المسطور من القلم الأعلى والمذكور في كتب الله رب العرش والثرى ثم يقوم مستقيما لسان العظمة من الأفق الأبهى أنك أنت الله لا اله الا انت والذي ظهر أنه هو السر المكنون والمرمز المخزون التي به اقتزن عن الأسماء لا اله الا أنت العلي الأبهى ثم يقعد ويقول: أشهد بما شهدت الأشياء والملا الأعلى والمجنة العليا وعن ورائها سماء قريبك أنكار المقربين أو ان تصل الى فناء بابك طينور أفئدة المخلصين، أشهد أنك كنت مقدسا عن الإفصت و منزلها يا فاطر السماء ثم يزرع يديه ثلاث مرات ويقول: الله أعظم من كل عظيم ثم يسجد ويقول: سبحانك من أن تصعد الى باب فضلك والفاني يزيد كوتر البقاء من ايلاني جودك لك الأمر في كل الأحوال يا مولى الأسماء ولي التسليم والبرضاء مالي وشأني لأقوم لدى باب مدين قريبك أو أتوجه الى الأنوار المشرقة من أفق سماء ارايتك، أي رب ترى المسكين يفرغ الحلكم في المبدء والمآب، الهي الهي عقوق شجعتي ورحمتك قوتني ونداؤك أيقظني وقضلك أقاهني وهداني اليك والا وابراز قدرتك واقتدارك ثم يقوم ويرقع يديه للثبوت مرة بعد أخرى ويقول: لا اله الا أنت العزيز الوهاب، لا اله الا انت وجبروت علمك، أي رب أحب ان أسألك في هذا المقام كل ما عندك لإثبات فقري واعلاء عطائك وغنائك واظهار عجزتي زوحي مهترزا في جوارحي واركاني شوقا لعبادتك وشغفا لتكرك وثنائك ويشهد بما شهد به لسان أمرك في ملكوت بيبك في حكمك والمختار في أمرك ثم يزرع يديه ويكبر ثلاث مرات ثم ينحني للركوع لله تبارك وتعالى ويقول: يا الهي ترى قصد بحر غفرائك والمنيل بساط عزك والمفقىز أقق غنائك، لك الأمر فيما تشاء، أشهد أنك أنت المضمود في فعلك والمطاع تمنعني عما عندك يا ملك الرقاب، أي رب ترى الغريب سرع الى وطنه الأعلى ظل قلبك عظيمك وجوار رحمتك والعاصي يا من في فراقك نايت القلوب والأكباد وبنار حبك اشتعل من في البلاد، أسألك باسمك التي به سخرت الأفاق بان لا كوتر الحيوان ليبقى به ذاتي بدولم سلطنتك ويتكرك في كل عالم من عوالمك ثم يزرع يديه للثبوت مرة أخرى ويقول: ثم يسجد ويقول: سبحانك من أن توصف بوصف ما سواك أو تعرف بعرفان نونك ثم يقوم ويقول: أي رب فأجعل صلاتي بل الى ارايتك التي أحاطت السموات والأرض، واسمك الأعظم يا ملك الأمم ما أرذت الا ما أرذته ولا أحب الا ما تحب المقدسة عن التكر والثناء كل ما يظهر من عندك هو مقصود قلبي ومحبوب فؤالي، الهي الهي لا تنظر الى امالي واعمالي مشيتك و ارايتك و ما أريد الا رضائك، أسألك ببحر رحمتك وشمس فضلك بان تفعل بعفدك ما تحب وترضى وعزتك عما سواك متمسكا بحبك التي بحركته تحركت الممكناات، أي رب أنا عندك وأبن عندك أكون حاضرا قريبا بين ايلاني الى بحر وصالك ثم يزرع يديه للثبوت لله تبارك وتعالى ويقول: يا مقصود العالم ومحبوب الأمم تراني مقبلا اليك منقطعاً أسألك بمطالع غيبك العلي الأبهى بان تجعل صلاتي نارا لتحرق حجاباتي التي منعتني عن مشاهدة جملك ونورا يبدلي واستقر في مقامه ينظر الى اليمين والشمال كمن ينتظر رحمة ربه المرحمن الرحيم ثم يقول: يا الله الأسماء و فاطر السماء صلات كبير صلات كبير كه تلاوت أن در شب و روز يك بار كافي است، للمصلي ان يقوم مقبلا الى الله وانا قام

يا الهي متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعز الاعظم العلي الابهي و متشبها بذيل تشبث به من فى الآخرة و الاولى و اشراق انوار شمس جمالك و أغصانك بان تكفر جريرات الذين تمسكوا بأحكامك و عملوا بما أمروا به في كتابك تراني بأمرك أجر الذين لم يتكلموا الا باذنك و ألقوا ما عندهم فى سبيك و حبك أي رب أسألك بنفسك و آياتك و بيناتك و الطافك و بالاسم الذى به ماج بحر الغفران أمام وجهك و أمطر سحاب الكرم على أرقائك أن تكتب لمن أقبل اليك وصام العاشقين و ضجيج المشتاقين و صريخ المقربين و حنين المخلصين و به قضيت أمل الآملين و أعطيتهم ما أرادوا بفضلك

الاعظم المعلي الابهى و متشبتًا بذيل تشبت به من في الآخرة و الاولى اللهم انى أسألك باسمك الذى به سمعت نداء فى سبيك أن تكتب لى من قلمك الاعلى ما كتبت له لامنائك و أصفياك ترانى يا الهى متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعز في الآخرة و الاولى اللهم انى أسألك بنور وجهك الذى ساق المقربين الى سهام قضائك و المخلصين الى سيوف الاعداء و أظهرته بارادتك ترانى يا الهى متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعز المعلي الابهى و متشبتًا بذيل تشبت به من بها طار النوم عن عيون أصفياك و أولياك و قيامهم فى الاسحار لنكرك و ثنائك أن تجعلنى ممن فاز بما أنزلته فى كتابك الانور الاعز المعلي الابهى و متشبتًا بذيل تشبت به من فى الآخرة و الاولى اللهم انى أسألك بنار محبتك التى المختار أن تعرفنى ما كان مكنوًا فى كنائز عرفانك و مستورًا فى خزائن علمك ترانى يا الهى متمسكا باسمك الاقدس هاجت الارياح و ظهرت الاثمار و تطولت الاشجار و محت الآثار و خرقت الاستار و سرع المخلصون الى أنوار وجه ربهم متشبتًا بذيل تشبت به من فى الآخرة و الاولى اللهم انى أسألك بالمحرف التى اذا خرجت من فم مشيتك ماجت البحار و تقربنى الى مقام تجلى فيه مطلع آياتك ترانى يا الهى متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعز المعلي الابهى و اللهم انى أسألك بحفيف سدره المنتهى و هزيز نسمات آياتك فى جبروت الاسماء أن تبعدنى عن كل ما يكرهه رضاؤك يا الهى متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعز المعلي الابهى و متشبتًا بذيل تشبت به من فى الآخرة و الاولى الذى به احترقت أكباد العشاق و طارت أفئدة من فى الأفاق أن توفقني على نكرك بين خلقك و ثنائك بين بريتك ترانى الاعز المعلي الابهى و متشبتًا بذيل تشبت به من فى الآخرة و الاولى اللهم انى أسألك بمظهر اسمك المحبوب و كبر عن ورائه بأعلى النداء بأن تجعلنى فانيًا عما عندى و باقيًا بما عندك ترانى يا الهى متمسكا باسمك الاقدس الانور تشبت به من فى الآخرة و الاولى اللهم انى أسألك بجمالك المشرق من افق المقاء الذى اذا ظهر سجد له ملكوت الجمال به ارادتك و ظهر من مشيتك ترانى يا الهى متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعز المعلي الابهى و متشبتًا بذيل و الاولى اللهم انى أسألك بخباء مجدك على أعلى الجبال و فسطاط أمرك على أعلى الاتلال أن تؤيدني على ما أريد بيانك ترانى يا الهى متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعز المعلي الابهى و متشبتًا بذيل تشبت به من فى الآخرة أسألك باسمك الذى جعلته سلطان الاسماء و به انجذب من فى الارض و السماء أن تريني شمس جمالك و ترزقني خمر متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعز المعلي الابهى و متشبتًا بذيل تشبت به من فى الآخرة و الاولى اللهم انى على خدمة أمرك على شأن لا يعقبه القعود و لا تمنعه اشارات الذين جادلوا بآياتك و أعرضوا عن وجهك ترانى يا الهى الموجه كما يتحرك على صفحات اللواج قلمك الاعلى و بها تضحوت رائحة مسك المعاني فى ملكوت الانشاء أن تقيمنى المعلي الابهى و متشبتًا بذيل تشبت به من فى الآخرة و الاولى اللهم انى أسألك بشعراتك التى يتحرك على صفحات أن تجنبنى من نفحات قميصك و تشربني من رحيق بيانك ترانى يا الهى متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعز المعلي الابهى و متشبتًا بذيل تشبت به من فى الآخرة و الاولى اللهم انى أسألك بضياء عرتك المقرء و اشراق أنوار وجهك من الافق الاعلى تبعدنى عن ظل رحمتك و قباب كرمك ترانى يا الهى متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعز المعلي الابهى و متشبتًا به من فى الآخرة و الاولى اللهم انى أسألك بنداك الاحلى و الكلمة العليا أن تقربنى فى كل الاحوال الى فناء بابك و لا فضلك بين خلقك ترانى يا الهى متمسكا باسمك الاقدس الانور الاعز المعلي الابهى و متشبتًا بذيل تشبت اللهم انى أسألك بالآية الكبرى و ظهور فضلك بين المورى أن لا تطردنى عن باب مدينة لقائك و لا تخيبنى عن ظهورات بسمه المشرق من افق البيان

BH01313NAM

المعطى العليم الحكيم يا الهى اسمك شفائي وذكرك نواصي وقربك رجائي وحبك مؤنسي ورحمتك طيبيني ومعيني في الدنيا والآخرة وأنت أنت.

اللله الملك الجميل من الذين هم آمنوا بالله وبالذي يبعثه الله في يوم القيمة و كانوا على مناهج الحق لمن المسلمين
و يكشف ضربه و يُقرح كربه و ائنه لهو الرحمن الرحيم و الحمد لله رب العالمين ثم تكرر من لدنا كل من سكن في مدينة
و رحمة من لدنا لتكون من المشاكرين فو الله من كان في شدة او حزن و يقرؤ هذا اللوح يصدق مبين يرفع الله حزنه
ايامك و لا تكن من الصابرين فان الله قد قدر لقراره اجر مائة شهيد ثم عبادة الثقلين كذلك مئنا عليك بفضل من عندنا
فقد اعرض عن الرسل من قبل ثم استكبر على الله في انزل الازل الى اهد الابدان فاحفظ يا احمد هذا اللوح ثم اقره في
الظنون بيئهم و قلوبهم و تمنعهم عن سئل الله المعلي العظيم و ائتك انت ايقن في نابتك بان الذي اعرض عن هذا الجمال
و ليس لهم من بصير ليعرفوا الله بغيرهم اويسمعو نغماته بأذانهم وكذلك اشهدناهم ان انت من الشهداء كنك حالت
في سبيلى لو التلة لأجل اسمى لا تضطرب فتوكل على الله ربك و رب آياتك الأولين لأن الناس يمشون في سئل الموهم
من في السمولى والارضين و كن كشعلة النار لاعدائى و كوثر البقاء لاحبائى و لا تكن من الممترين و ان يمسك الحزن
و غربتي في هذا المسجن البعيد و كن مستقيماً في حبي بحيث لن يحول قلبك و لو تضرب بسيوف الأعداء و يمتنع كل
و لن يستطيعوا و لو يكون بعضهم لبعض ظهيراً ان يا احمد لا تنس فضلى في غيبتى تم تكرر ايامى في ايامك تم كربتى
يا قوم ان تكفروا بهذه الآيات فيبى حجة أمثتم بالله من قبل هاتوا بها يا مالا الكاذبين لا قوللنى نفسى بيده لن يقدروا
فى هذا المسجن و ما عليه الا البلاغ المبين فم شاء فليعرض عن هذا النصيح و من شاء فليخذ الى ربه سبيلاً قل
فى البيان من لدن عزيز حكيم قل ائنه لسلطان المرسل و كتابه لأم الكتاب ان ائتم من العارفين كذلك يتكركم المورقاء
و الذى ارسله باسم على هو حق من عند الله و انا كل بامر له لمن العالمين قل يا قوم فأتبعوا حدود الله التى فرضت
الذى ائتم بفواكه الله المعلي المقتدر العظيم ان يا احمد فاشهد بانه هو الله لا اله الا هو السلطان المهيمن العزيز المقدير
هذا المنظر الاكبر الذى سطر فى الواج المرسلين و به يقصل الحق عن الباطل و يفرق كل امر حكيم قل ائنه لشجر اللوح
بهذا الثبأ الذى فصل من ثبأ الله الملك العزيز المفريد و تهدي المحبين الى مقعد القدس ثم الى هذا المنظر المنير قل ان
سدره البقاء بالمحان قدس مريح و تبشر المخلصين الى جوار الله و الموحدين الى ساحة قرب كريم و تخبر المتقطعين
هو السلطان العليم الحكيم هذه ورقة الفردوس تغنى على افنان

اى پروردگار مرا ثابت دار تا در سبيلت دليل متخيرين گردم و در طريقت هادى هر طالب كليل . توئى مقتدر و توانا .
و ظهير گشتى و افتاده الى را مجير و دستگير . ستايش و نيايش تو را سزاوار كه بزرگوارى و معين و مجير هر نيكوكار
هوالبهى اى محبوب يكتا اى مقصود بى همتا ، عون و عنايت فرمودى و صون و حمايت نمودى ، بيجاره الى را معين

لدى وجهك و جانل بئرهايك و قر من حكومتك و اقتدارك و كان من المشركين فى الواج المقدس من اصبح الأهر مكتوباً .
طائف فى حولك و حصر تلقاء غرثك ، فويل لمن ظلمك وأنكرك و كفر بآياتك و جاحد بسلاطتك و حارب بنفسك و استكبر
الله ، و من فاز بقلائك فقد فاز بقاء الله ، فطوبى لمن آمن بك و بآياتك و خضع بسلاطتك و شرف بقلائك و بلغ برضاك و
فصل بين الممكنات و صدع المخلصون الى الترتوة العليا والمشركون الى التركبت السفلى ، و أشهد بان من عرقك فقد عرف
وهدت الممكنات و بعثت الظهورات ، و أشهد ان بجمالك ظهر جمال المعبود و بوجهك لاح وجه المقصود و بكلمة من عندك
سماء القضاء و طلع جمال الغيب عن أفق البداء ، و أشهد ان بحركة من قلمك ظهر حكم الكلف والمئون وبرز سر الله المتكئون ،
من فى الأرض والسماء ، أشهد ان بك ظهرت سلطنة الله واقتداره وعظمة الله وكبرياؤه ، وبك اشترقت شمس القديم فى
الثناء التى ظهر من نفسك الأعلى والبهاء الذى طلع من جمالك الأبهى ، عليك يا مظهر الكبرياء وسلطان البقاء ومليك
لثجبتى عن نفسى و عن الدنيا الى تنظر قربك ولقائك و ائتك انت المقتدر على ما تشاء و ائتك كنت على كل شئ محيطاً .
فىا الهى و محبوبى فأرسل الى عن يمين رحمتك و عنايتك تفحلت قدس أطلقك

صَلِّ اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي عَلَى عِبَادِكَ الْمَلَأَيْتَنِي وَآمَانِكَ الْمَلَأَيْتَنِي إِنَّكَ أَنْتَ الْكَرِيمُ نُوَالِقِضِلِ الْعَظِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَفُورُ الْكَرِيمُ.
وَقُرُوعَهَا بِدَوْلَامِ أَسْمَائِكَ الْحُسْنَى وَصِفَاتِكَ الْعُلْيَا ثُمَّ أَحَقَّظَهَا مِنْ شَرِّ الْمُعْتَدِينَ وَجُنُودِ الظَّالِمِينَ إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ الْقَدِيرُ،
إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ الْمُتَعَلِّلُ الْمُعَزِّزُ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، صَلِّ اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي عَلَى الْمُسْتَدْرَةِ وَأُورِاقِهَا وَأَغْصَانِهَا وَأَفْئَانِهَا وَأُصُولِهَا
وَوَجْهِهَا وَاتَّبِعُوا مَا أَمُرُوا بِهِ حَبًّا لِنَفْسِكَ أَنْ يَكْشِفَ السُّبْحَانَ الَّتِي حَالَتْ بِبَيْتِكَ وَبَيْنَ خَلْقِكَ وَبِرُزْقِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
أَمَرْتَ مِنْ لَدُنِّ عَلِيمٍ حَكِيمٍ. رُوحِي لِضِرْكَ الْمَفْدَاءِ وَنَفْسِي لِجِلْدِكَ الْمَفْدَاءِ أَسْأَلُ اللَّهَ بِكَ وَبِالْمَلَكَيْنِ اسْتِضَائَةً وَجُوهَهُمْ مِنْ أَنْوَارِ
أَيْمَانِكَ فِي عَمَلَاتِ الْمَبَالِيَا مَرَّةً كُنْتَ تَحْتَ السَّلَاسِلِ وَالْأَغْلَالِ وَ مَرَّةً كُنْتَ تَحْتَ سُيُوفِ الْأَعْدَاءِ وَمَعَ كُلِّ ذَلِكَ أَمَرْتَ النَّاسَ بِمَا
عَلَيْكَ يَا جَمَالَ إِلَهٍ تَنَاءَ إِلَهٍ وَتَكَرُّهُ وَبَهَاءَ إِلَهٍ وَتَوَرُّهُ أَشْهَدُ بِأَنَّ مَا رَأَيْتُ غَيُنَ الْإِبْدَاعِ مَظْلُومًا شَبَّهَكَ كُنْتُ فِي

BH03447

تؤدى يومياً في الصباح والمساء

على أوليائك الذين ما منعهم شئون الخلق عن الإقبال إليك وأنفقوا ما عندهم رجاء ما عندك. إنك أنت الغفور الكريم.
قد أظهرت أمرك ووفيت بعهدك وفتحت باب فضلك على من في السموات والأرضين. والمصلاة والسلام والتكبير والمبهاة
بأنبيال رحمتك وفضلك يا أرحم الراحمين. ثم يقعد ويقول: أشهد بوحدايتك وفردانيتك وبأنك أنت الله لا إله إلا أنت
دونى ووصفى ووصف من فى السموات والأرضين. ثم يقوم للقنوت ويقول: يا إلهى لا تخيب من تشبث بأنامل الرجاء
الملك والمملوك والمغزة والمجربوت لله مولى المورى ومالك العرش والمثرى. ثم يركع ويقول: سبحانك عن نكري ونكر
الظهور ومكلم الطور الذي به أثار الأفق الأعلى ونطقت سدرة المنتهى وارتفع النداء بين الأرض والسماء قد أتى المالك
التوجه إلى غيرك. وبعد له أن يقوم متوجهاً إلى القبلة ويقول: شهد الله أنه لا إله إلا هو. له الأمر والمخلق. قد أظهر مشرق
ملكها. إنك أنت المقتدر القدير. وفي حين غسل الوجه يقول: أي رب وجهي إليك. توربه بأنوار وجهك ثم احفظه عن
حين الغسل يقول: إلهي قو يدي لتأخذ كتابك باستقامة لا تمنعها جنود العالم ثم احفظها عن التصرف فيما لم يدخل في
ومن أراد أن يصلي له أن يغسل يديه وفي

BH04569

بَوَزْدٍ وَ شَمِيمٍ احسانُ مُرورِ نَمَائِدِ، مَشَامِهَا مُعَطَّرِ گَرْدِ، رُویِهَا مُتَوَرِّ شُود. تَوئى بِخَشْنَدِهِ وَ مَهْرَبَانِ وَ دَرِخَشْنَدِهِ وَ تَابَانِ.
پَرْتُو مَوْهَبِ بِيْفَزَائِدِ، شَمَعِ غَفْرَانِ بَرِ افروزدِ وَ پَرْدَةُ عَصِيَانِ بسوزدِ، صِیْحِ امیدِ كَمَدِ، ظَلَمْتَ نَوْمِیدِ زَائِلِ گَرْدِ، نَسِيمِ الطَافِ
رَهِيمِ وَ مُتَضَرِّعِ دَرِ هَرِ صَبْحِ گَهِیْمِ، اِیِ بَزْرِ گَوَارِ، خَطَا بِيوشِ وَ عَطَا بِيخَشِ، وَفَا بفرما، صفا عنایتِ كُنْ تَا نُورِ هَدَايَتِ تَابِدِ وَ
هُوَاللهِ اِیِ بِيَزْدِلِنِ مَهْرَبَانِ، سَرَا پَا گَهِیْمِ وَ خَاكِ

BH04990

تابش و درخشش فراوان بنما، شاید این قلوب افسرده تازه و زنده گردد و این نفوس مُرده حیات بی اندازه یابد.
ابهائیت فیض انوار کن و از ملکوت اعلایت بنیل اسرار نما. ای نیسانِ عنایت، بارش و ریزش ارزان کن و ای شمس حقیقت
نظر فرما، آه و فغانم جمع طیور را به فریاد آورده و آه پُر حسرتِ قلبم چون شعله سوزان به جان جهان آتش زده، از افق
ضعیفم و پشه نحیف، بال و پری شکسته دارم و پائی از دوری بادیه حسرت خسته، چشم گریانم بین و جگر سوزانم
هُوَاللهیِ پَروردِ گَارَا، مَورِ

BH05849

ثُمَّ اجْعَلْهُمْ مِنَ الَّذِينَ طَافُوا حَوْلَكَ وَ يُطَوِّفُونَ حَوْلَ عَرْشِكَ فِي كُلِّ عَالَمٍ مِنَ عَالَمِكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ.

وصالک اسألتک یا مالک المملوک و راحم المملوک ان تقدر لهم خیرا لمدنیاً و الآخرة ثم اکتب لهم ما لا عرقه اُخذ من خلیق
انزلته فی الواحک ای رَب اشیرهم من ید عطائک کوتر بقائک ثم اکتب لهم اجر من انعمس فی بحر لقاؤک و فاز یرحیق
کتابک بقوتک و عملوا ما امرؤا به من عندک و اختاروا ما نزل لهم من لدنک ای رَب نری ائهم اقروا و اعترفوا بکل ما
مقاماً لدى ظهور نور وجهک ای رَب اولئک عباد ما منعههم الهوی عما انزلته فی کتابک قد خضعت اعناقهم لامرک و اخذوا
ای رَب اسألتک بتلك الايام و المذین تمسکوا فیها بحبل اولامرک و عروة احکامک بان تجعل لكل نفس مقراً فی جوارک و
سمیئها بايام الهاء فی کتابک یا مالک الاسماء و تقربت ايام صیامک اللى فرضته من قلمک الاعلی لمن فی ملکوت الانشاء
قوله تعالى :سَمِیَ الْعَظْمِ بِاِلهِی وَ نَارِی وَ تَوْرِی قَدْ تَخَلَّتْ الْاِیَّامُ التَّتِی

BH07469

از جیب قوت بر آر و این نفوس درگل مانده را نجات ده . توئی مالک اراده و سلطان جود . لا اله الا انت العزیز الموهاب .
مواج و به ایك اشراق تیر امر ، آفتاب جود و غفران ظاهر و هویدا . همه بندگان تو اند و به امید کرمت زنده اند . دست قدرت
نموده ، بر عبادت رحم فرما و تأیید نما بر اعمال و اخلاق و اقوالی که لایق ایام تو است . به یک کلمه علیا بحر بخششت
الهی الهی اولیای خود را حفظ فرما . توئی آن کریمی که عفوت عالم را احاطه

BH08308

آر تا منجیب آفاق گردم و سرگشته و سودائی آن جلال پُر انوار شوم و جان و روان قربان نمایم وعلیک المتحیة و المثناء .
مظاهر شیطانیه افسرده گشته . ای پروردگار ، از آن جام سرشار قطره ای نثار فرما و از آن گلشن فدا نفعه ای به مشلم من
به سهام شیطانی خسته گردیده . این نفوس نَفیسه در دست هر خسیسی گرفتار شده و این وجوه نورانی به غبار طغیان
سرهلی بزرگوار در زیر پای هلی جهال پایمال شده ، حنجر نورانی به خنجر نفوس ظلمانی آزرده گشته و قلوب رحمانی
در راه محبتت به خون آغشتند ، هر سینۀ مانند آینه پاره پاره گشتند و هر دلی از آب و گل آزاده ، شرحه شرحه شده ،
هوالمه ای پروردگار ، این عزیزان ذلیل سبیل تو گشتند و این مه رویان

BH08855

جوش و خروش آنیم و از پیمانۀ پیمان مست و مدهوش گردیم . توئی بخشنده و مهربان و توئی آمرزنده و آموزنده یاران .
و قرار کن و مجنون جمال پر انوار نما ، مفتون آن زلف مشکبار فرما تا بیگانه و خویش فراموش نمائیم و مانند دریا به
بحر عصیان مستقرقیم . توئی محبوب مهربان و توئی بخشنده گناهان . ای پروردگار ، اقتدار ده ثابت و پایدار نما ، بی صبر
مستغنی کن و از عطای خویش بهره و نصیب ده ، گناه بیامرز خطا ببوش عفو و غفران فرما زیرا گناه کاریم بد رفتاریم ، در
جان شو ، بی کسم معین دل و جان گرد ، از جهان و جهانیان بیزار فرما و در پناه خویش منزل و قرار بخش ، از مادون
در هجرانم پر حرمانم ، بی سر و سامانم به لطف و عنایتت شایانم ، اسیرم مجیر شو افتاده ام دستگیر شو ، غریبم مونس
پیمانۀ پیمان ، افتاده ام بیچاره ام دلداده ام شیدائیم سودائیم ولی روی به سوی تو آرم و آرزوی کوی تو دارم ،
هوالمه ای دلبر یکتای من ، آواره صحرایم و سر گشته بادیه پیم ، در رهت افتان و خیزان و سرمست

BH09085

لسماء جودک و بحر افضالک و تدخلك فی جوار رحمتک الكبرى الی سبقت الارض و السماء لا اله الا انت العفور الکریم
و توجه الیک منقطعاً عن سواک . انک انت ارحم الراحمین ، اسألتک یا غفار المذنوب و ستار الغیوب بان تعقل به ما ینبغی
. الله أبهی ینشع فی التکبیرلت سنۀ مرلت . یا الهی هذا غیبک و ابن غیبک الی امن بک و بآیاتک

مرتبته قرائت شود: انا كل لله عابدين انا كل لله ساجدين انا كل لله قائلين انا كل لله شاكرون انا كل لله صابرون
بايد بعد از هر تكبير الله اُبهى نوزده
بايد اين انكار هر يك نوزده مرتبه بعد از هر تكبير الله اُبهى گفته شود.

لِسْمَاءِ جُودِكَ وَبِحِرِّ اِفْضَالِكَ وَتُدْخِلُهَا فِي جِوَارِ رَحْمَتِكَ الْكُبْرَى الَّتِي سَبَقَتْ الْاَرْضَ وَالسَّمَاءَ لِاِنَّهُ الْاَلَمْتُ الْغَفُورَ الْكَرِيمَ.
وَ تَوَجَّهْتَ اِلَيْكَ مُنْقَطَعَةً عَنِ سِوَاكَ اِنَّكَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، اَسْأَلُكَ يَا عَفَّارَ الْمُنُوبِ وَسِتَّارَ الْغُيُوبِ بِاَنْ تَعْمَلَ بِهَا مَا يَنْبَغِي
وَفِي النِّسَاءِ يُقُولُ بَرَاءِ اِمَامِ الرَّحْمَنِ قَرَأْتُ شُود: يَا اَلِهِي هَذِهِ اَمَّتُكَ وَ اِبْنَةُ اَمَّتُكَ الَّتِي اَمَّنْتَ بِكَ وَبِآيَاتِكَ

BH09364

الليک فی ہذا الیوم المقديس المحمود لتشكر الله ربك و تتكره بذكر يتنبه به اهل الرقود . حضرت بهاء الله رساله
انا المقتدر على ما كان و ما يكون طوبى لمن عمل بما امر من لدى الله و ويل لكل غافل مردود انا نزلنا الآيات و ارسلناها
ثم اعرفوا قدرها لانها تحكى عن هذا الاسم الذى به سخر الله الغيب و المشهود انا جعلناها قبل المصيام فضلا من عندنا و
هذه ايام الهاء و امرنا الكل ان ييققوا فيها على انفسهم و على الذين توجهوا الى هذا المقام المرفوع ان اتكروا الله فيها
قوله تعالى: هو الاقدس الاعظم الابهى سبحان الذى اظهر نفسه كيف اراد انه لهو المقتدر المهيمن المقيوم

BH09855

فرما تا اين نفوس نفيسه به اعلى درجه فلاح و تجاح وصول بيابند. توئى مقتدر و توئى دهنده و بخشنده و بينا.
آمال سرشار فرما، انوار تابان كن، پرتو عنايت بخش، مظهر موهبت بفرما، روز به روز ترقى بخش و الطاف افزون
هو الله اى پروردگار مهربان، اين كسان بنده استانند و در نهايت صدق و راستى و درستى، جام

BH10688

تحفظنى بـجودك و فضلک ثم ارجعنى الى محلى بحولك و قوتك اِنَّكَ اَنْتَ المقتدر المهيمن المقيوم . حضرت بهاء الله
و حراستك اسألك بقدرتك التى بها حفظت اوليائك من كل نى غفلة و نى شرارة و كل ظالم عنيد و كل فاجر بعيد بان
فى حين الخروج عن المدينة قل الهى الهى اخرجت من بيتى متعصما بحيل عنايتك و اودعت نفسى تحت حفظك
هو الله تعالى شأنه العظمة و الاقدار يا ايها المتكور لدى المظلوم

BH11209

الهي الهي

لعرفانك وعبادتك .أشهد في هذا الحين بعجزى وقوتك وضعفى واقتدارك وفقري وغنائك . لا إله إلا أنت المهيمن المقيوم.
أشهد يا الهي بأنك خلقتني

BHU0004SUF

هوالمهيمن المقيوم

بركة من عندك ثم ارجعني الى البيت سلماً كما اخرجتني منه سلماً مستقيماً . لا إله إلا أنت الفرد الواحد العلیم الحكيم.

أَصْبَحْتُ يَا إِلَهِي بِفَضْلِكَ وَأَخْرُجُ مِنَ الْمَبِيتِ مُتَوَكِّلًا عَلَيْكَ وَمُقَوِّضًا أَمْرِي إِلَيْكَ فَانزِلْ عَلَيَّ مِنْ سَمَاءِ رَحْمَتِكَ
:
